

عبدلي



جلسه روی جلد :

اعضا، محل مقدس روحانی می‌بھا سیان ایران

که در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۹ شمسی (۱۲ آگوست ۱۹۷۰) ربووده شده و تاکنون

اثرگشی آنها بدست نیامده است.

ردیف نشسته از چپ برآمدت:

جانب ابراهیم رحمنی ، جانب عطاء الله مقرنی ، سرکار خشم بھتیہ نادری و جانب ہوشگ محمودی

ردیف ایستاده:

جانب عبدالحسین تیمی ، جانب دکتر کامبیر صادق زاده ، جانب دکتر حسین نجی ، جانب یوسف قیمی

و جانب منوهر قائم مقامی

نَسْرَيَهُ عَذَلِيَّهُ



سال دوم

VOLUME II

شماہ هشتم

NO. 8

بِرْدِیْج
بِرْدِیْج

پائیزہ ۱۳۶۲ شمسی

FALL, 1983

نشریه مخلص و حافظی تیجان کا زادا

بربان فارسی

حُتْچَپْ و طبع مخطوطات

ANDALIB

7200 LESLIE STREET, THORNHILL
ONTARIO, CANADA L3T 2A1

فهرست مطالب مندرجہ

			۱- لوح مبارک حضرت بهاء اللہ جل جلاله
۶	۴		۲- الواح مبارک حضرت عبدالبهاء روح العالمين له الفدا
۱۵	"	۷	۳- پیامها و تلکس‌های بیت العدل اعظم‌الله شیدالله ارکانه
۲۱	"	۱۶	۴- نامه سرگشاده محفوظ روحانی ملی بهائیان ایران در
"			مورد تعطیل تشکیلات بهائی در ایران
۳۲	۲۲		۵- تلکس محفوظ روحانی ملی بهائیان کانادا به سفارت
"	"		جمهوری اسلامی ایران در اتا و
۳۷	۲۳		۶- بشارت کتب مقدسه درباره دوظمه اعظم‌الله (از آقای
"	"		یعقوب‌کتیرائی)
۴۲	"	۳۳	۷- تاریخ زرین شهادت:
			الف- شرح حال پرافتخا رجنا ب محمود فروهر و قرینه
			محترمہ‌شان اشرافیه خانم فروهر (از خانم
"			فروغ‌ارباب)
۴۵	"	۳۸	ب- شرح حال حیات پرافتخا رسکار خانم زرین مقیمی
			(بقلم آقای دکتر ریاض قدیمی)
۴۸	"	۴۳	۸- شعر از خانم زرین مقیمی شهید مجید (۱)
"	۲۵		(۲) شعر از استاد محمدعلی سلمانی
"	۴۶		۹- نظری بحوالات مؤلمه اخیره شیراز (بقلم آقای رحمت‌الله حسینی)
"	۴۹		۱۰- شعر: الف- اوهام اثر طبع روان یکی از خوانندگان مجله عندلیب
"	۵۰		ب- چه خونه‌گشت جاری (از آقای سهیل سمندری)
۵۵	"	۵۱	ج- شمس حقیقت (از آقای ع- بشیر‌الله)
"	۵۲		۱۱- جناب خسرو بیان (بقلم دکتر مهری افنان)
۶۳	۵۶		۱۲- قسمت جوانان (بیت العدل اعظم‌الله) (بقلم ایادی
"			عزیزاً مرالله جناب علی اکبر فروتن
۶۵	"	۶۴	۱۳- پیام هیئت تحریریه
۷۸	"	۶۶	۱۴- اخبار و بشارات امریه
۸۰	"	۷۹	۱۵- نامه‌ها و مقالات خوانندگان
			- عکس روی جلد: اعضا معلم روحانی ملی بهائیان ایران که بروند شدند.
			- عکس شش حلول، کفراسیخ من مطالعات بهائی در شیکاگو.

ہو السمع لاصیر

اَهْلَهُمْ مَنْصُوصُ اَصْلَحْ عَالَمْ وَرَبِّیْتُ اُمَّمَ خُودَ رَاطَھَسَهْ مُؤْدَهْ اَنَّدْ وَبَارِحقَ جَلَّ جَلَالَهْ
بِخَدَمَتْ كَلَّ قَامَ وَقُلُوبَشَانَ اَضْعَفَيْنَهْ وَبَعْضَهَا طَوْنَ دَادَهَامَ وَشَوَّهَاتْ نَفْسَهَا وَ
اَرَادَهَا کِی ہَوَايَهَ مَقْدَسَ وَمَثَرَهَ دَمْبَرَا معَ ذَلَکَ وَارَدَشَدَ بَرَاسَشَانَ آنچَهَ کَبَرْ قَاعِدَینَ وَ
سَارَقِينَ وَخَائِنَ وَکَادِینَ وَارَدَنَیَادَ ہَیَا کَلَ تَرَایَهَ اَرَادَهَ مُؤْدَهْ اَنَّدْ نُورَالَّهِ رَاطَھَانَیَندَ
وَنَارَشَ اَمْحَمُودَ هَیَهَاتْ عَنْقَرِیْبَ شَاهِدَهَ مَنْهَايَدَ کَه اَینَ اَخْذَ وَجَنَ سَبَبَ عَلَوَ
اَمْرَهُهَ وَعَلَتْ سَمَوَادَتْ طَوْبَیْ لَبَصَرِنَظَرَ وَلَادَنَ يَسْمَعَ وَلَقَدَبَ يَغْفَهَ اَگْرِجَعَ عَالَمَ
بِمَا عَدَهُمْ مِنَ الْجَنُودَ حَمْعَ شَوَّهَدَ حَقَ جَلَّ جَلَالَهِ رَازَ اَرَادَهَ اَشَ شَوَّهَدَ بَارَدَشَتْ یَغْلُ
وَلَحْکَمَ وَہُوَ الْأَمْرُ الْمُقْتَدَرُ الْقَدِیرُ گَبُوَايِ اَهْلَ عَالَمِ اَنْصَافَ دَهِیدَ وَبَعْدَ عَلَنَمَانَیَدَ دُنْيَا
فَامْنَیَتْ وَسَجَنَیَنَ آنچَهَ نَرَذَ شَامَوْجُودَ وَشَوَّهَدَتْ جَمَدَهَمَانَیَدَ کَه شَایدَ لَکَمَهَهَ اَنَرَذَدَ
حَقَ فَارَرَ فَرَدَیدَ آنَ کَلَمَهَهَ مَبَرَکَهَ عَلَیَهَهَمَثَابَهَ نُورَهَ استَ اَرَبَرَایِ اَهْلَشَ وَماَنَدَ
کَوَرَرَحِوانَ استَ اَرَبَرَایِ تَشْكَانَ وَرَوْحَ استَ اَرَبَرَایِ ہَیَا کَلَ اَنَسَانَ اَگْرِبَعَدَرَ
خَرَدَلِیَ اَینَ مَعَامَ ظَاهِرَشَوَدَ کَلَ بَحَانَ بَشَابَدَ وَطَافَگَرَدَمَ وَلَکَنَ بَهَدَ سَرَعَنَ
الَّدِنَ عَرَضَوَکَشَفَ لَکَلَ ثَابَتَ مَسْقِيمَ اَنَ فَرَحَ بَهَارَلَ لَکَنَ بِالْكَتَابِ الْمُبِينِ ثُمَّ
اَسْكَرَهَ فِي الْلَّيَالِيِ وَالآيَامِ وَفِي کَلَ بَکُورَ وَصَیْلَ .

محل وحنه مجالس انس رجال اما رحان عليهم علیین البھجَّ الابھجَّ

هُوَّنَه

ای باران دام رحان احمد لند ابواب حمت کبری بر وجهه باز است طیور حبت ابی یتم
 آهنجَّ آدان حضرت بی نیاز بندگان دام خوش ام خرم ز فرموده بعیش و طرب و حافنی همما
 و مسار فرموده عواطف حاییه شامل است و اطاف سبیلیه کامل در هر قسم و دیار محل و حا
 بر پا و مجتمع رحافی مهیا و خوان نعمت نامنی نهاد غذعه عش است که خادر و جانته ایکید گر
 آتیحه و نعمه و آهنجَّ ملکوت است که شرق و غرب ای بحر کت آورده حین ددمده و فرمده آتی
 بی حوادث و قوعات ناند و این بعد برق دباران بی طوفان ممکن نباشد لابدگاهی و قوعاتی
 حصل گردد ولی العاقبه للهیتین محق است و بشری للخایصین مسلم شعر مشور گفته
 تاگزید ابرکی خند و چمن تجانشانی دخل مشاق عالم فانی گردد در جهان ای شادمانی
 و کامرانی محق نیامد این از الزم عالم انسانی شدت سرما و برف دباران و طوفان بوران
 زستان سبب شود که موسم بیع جوه نماید و رایحه طبیبه گل دریا حین مشاه معطر کند جهان زنده
 شود و عالم امکان جانی تازه نیامد گذرد این رونگار و منتهی شود و سکن شود این غبار و مدلایی
 این بر تاریکت شمس حقیقت در دائره نصف النهار عاقبت بد خشد بر قایم مرک و تاریک و آسیا
 و آروپ و امریک و افریک عصریب صورت این نعمه آهنجَّ و شیک خواهد شد

یومِ زیارتِ فرح المؤمنون

رع

هُوَ اللَّهُ

ای یارانِ الٰہی این قرنِ جدید است و این عصرِ عصرِ حالِ بُفرید بشارتِ شرق و
غرب احاطه نموده و انجذاب آفاق را بحرکت آورده نمای الٰہی حقائق اشیاء را میدارند و صہبی
رحمانی خیل و حسینان را سرست کرده ابرغمایت رشحاتِ موہبۃ مبذول داشته و بھار الٰہی خمیم
خرگکاه و قطب آفاق زده چمثستان حقیقت نسبت و خرم شده و مرغان گلشن وحدت نعمت چنگ
چنانه ہدم گشته آوازه طهورِ محلى طور و لوله در اقیم امداخته و صیت بزرگواری شکس حقیقت مترشم
در آفاق شده با وجود این قیامت کبیری بُهمان غافل از این محنت عظیمی هر کیت خناشی گشته
و از نور تما ان محجوب گردیده و در زدواجی شہزادت خریده و دامنا در وسوسه ددمده و ہممه اند تبا لم
و سخا لحم من ہذا حسران المبین احمد شعر شاہ مهدی نور هدا یید و ثابت مستقیم در امر حال ای
فدا ایان آن دلبست کیا مید دشید ایان آن یار مهران زبان بشرکاریگی یید و حمد و شیش
آن دلبست گیانہ نہاید و علیکم لمحتیمه و لذتیمه . ع ع

هُوَ اللَّهُ

ای آوارگان سبیل حق سروسان و آسودگی و آزادگی هر چند کام
دل و راحت جان است ولی آزرمگی و آوارگی در راه خدا به ارض هشنه از

سروسان چکه این غربت و هجرت موهبت از پی وارد و حمایت سالی پی
زیر الدلت آسودگی در وطن و حلاوت آزادگی از محنت بگذرد ولی مویت
هجرت در سبیل حضرت احادیث باقی و دامنی مستمر و سانح عظیمه از ان
مشیر هجرت خلیل سبب ظهور موایب رب حبیل شد و غربت ما کعنی
علت جلوه باز از یوسفی گشت فرا حضرت کلیم ویده مشاہده نار موده
شد و نهضت عیسی مسیحی سبب ظهور انفاس مسیحی گردید هجرت حضرت
حبیب بطحی علت اعلام کلمه نوری شد و غربت داسارت حال سلیمان
اسباب انتشار نور تیر اشراق برآفاق گردید فاعبره روا یا اولی الاصح

وَاللَّهُمَّ آتِيْنَاكَ

ع ع

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BÁBÍ WORLD CENTRE

20 October 1983

To the Bahá'ís of the World

Dear Bahá'í Friends,

The soul-stirring events in Bahá'u'lláh's native land and the concomitant advance into the theatre of world affairs of the agencies of His Administrative Order have combined to bring into focus new possibilities in the evolution of the Bahá'í world community. Our Ridván message this year captured these implications in its reference to the opening before us of a wider horizon in whose light can dimly be discerned new pursuits and undertakings upon which we must soon embark. These portend our greater involvement in the development of the social and economic life of peoples.

From the beginning of His stupendous mission, Bahá'u'lláh urged upon the attention of nations the necessity of ordering human affairs in such a way as to bring into being a world unified in all the essential aspects of its life. In unnumbered verses and tablets He repeatedly and variously declared the 'progress of the world' and the 'development of nations' as being among the ordinances of God for this day. The oneness of mankind, which is at once the operating principle and ultimate goal of His Revelation, implies the achievement of a dynamic coherence between the spiritual and practical requirements of life on earth. The indispensability of this coherence is unmistakably illustrated in His ordination of the Mashriqu'l-Adhkár, the spiritual centre of every Bahá'í community round which must flourish dependencies dedicated to the social, humanitarian, educational and scientific advancement of mankind. Thus, we can readily appreciate that although it has hitherto been impracticable for Bahá'í institutions generally to emphasize development activities, the concept of social and economic development is enshrined in the sacred Teachings of our Faith. The beloved Master, through His illuminating words and deeds, set the example for the application of this concept to the reconstruction of society. Witness, for instance, what social and economic progress the Iranian believers attained under His loving guidance and, subsequently, with the unfailing encouragement of the Guardian of the Cause.

Now, after all the years of constant teaching activity, the Community of the Greatest Name has grown to the stage at which the processes of this development must be incorporated into its regular pursuits; particularly is action compelled by the expansion of the Faith in Third World countries where the vast majority of its adherents reside. The steps to be taken must necessarily begin in the Bahá'í Community itself, with the friends endeavouring, through their application of spiritual principles, their rectitude of conduct and the practice of the art of consultation, to uplift themselves and thus become self-sufficient and self-reliant. Moreover, these exertions will conduce to the preservation of human honour, so desired by Bahá'u'lláh. In the process and as a consequence, the friends will undoubtedly extend the benefits of their efforts to society as a whole, until all mankind achieves the progress intended by the Lord of the Age.

It is indeed propitious that systematic attention be given to this vital sphere of Bahá'í endeavour. We are happy, therefore, to announce the establishment at the World Centre of the Office of Social and Economic Development, which is to assist the Universal House of Justice to promote and coordinate the activities of the friends throughout the world in this new field.

The International Teaching Centre and, through it, the Continental Boards of Counsellors are poised for the special responsibilities which devolve upon them to be alert to possibilities for extending the development of social and economic life both within and outside the Bahá'í Community, and to advise and encourage the Assemblies and friends in their strivings.

We call now upon National Spiritual Assemblies to consider the implications of this emerging trend for their respective communities, and to take well-conceived measures to involve the thought and actions of Local Spiritual Assemblies and individuals in the devising and implementing of plans, within the constraints of existing circumstances and available resources. Progress in the development field will largely depend on natural stirrings at the grassroots, and it should receive its driving force from those sources rather than from an imposition of plans and programs from the top. The major task of National Assemblies, therefore, is to increase the local communities' awareness of needs and possibilities, and to guide and coordinate the efforts resulting from such awareness. Already in many areas the friends are witnessing the confirmations of their initiatives in such pursuits as the founding of tutorial and other schools, the promotion of literacy, the launching of rural development programs, the inception of educational radio stations, and the operation of agricultural and medical projects. As they enlarge the scope of their endeavours other modes of development will undoubtedly emerge.

This challenge evokes the resourcefulness, flexibility and cohesiveness of the many communities composing the Bahá'í world. Different communities will, of course, perceive different approaches and different solutions to similar needs. Some can offer assistance abroad, while, at the outset, others must of necessity receive assistance; but all, irrespective of circumstances or resources, are endowed with the capacity to respond in some measure; all can share; all can participate in the joint enterprise of applying more systematically the principles of the Faith to upraising the quality of human life. The key to success is unity in spirit and in action.

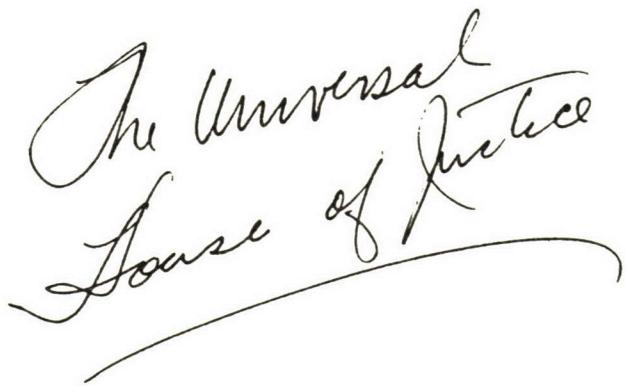
We go forward confident that the wholehearted involvement of the friends in these activities will ensure a deeper consolidation of the community at all levels. Our engagement in the technical aspects of development should, however, not be allowed to supplant the essentials of teaching, which remains the primary duty of every follower of Bahá'u'lláh. Rather should our increased activities in the development field be viewed as a reinforcement of the teaching work, as a greater manifestation of faith in action. For, if expansion of the teaching work does not continue, there can be no hope of success for this enlarged dimension of the consolidation process.

Ultimately, the call to action is addressed to the individual friends, whether they be adult or youth, veteran or newly-enrolled. Let them step forth to take their places in the arena of service where their talents and skills, their specialized training, their material resources, their offers of time and energy and, above all, their dedication to Bahá'í principles, can be put to work in improving the lot of man.

May all derive enduring inspiration from the following statement written in 1933 by the hand of our beloved Guardian:

"The problems which confront the believers at the present time, whether social, spiritual, economic or administrative will be gradually solved as the number and the resources of the friends multiply and their capacity for service and for the application of Bahá'í principles develops. They should be patient, confident and active in utilizing every possible opportunity that presents itself within the limits now necessarily imposed upon them. May the Almighty aid them to fulfil their highest hopes."

With loving Bahá'í greetings,



A handwritten signature in cursive script, reading "The Universal House of Justice". The signature is fluid and elegant, with a long horizontal flourish at the end.

ترجمه دستخط منع بیت العلی عظیم‌الحضرات
موئخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۳ خطاب عمومی حزب در راسته علم

کرمانستان

وقایع تکان دهنده موطن جمال اقدس ابھی و همزمان با آن بسط نفوذ موسسات نظام اداری امرالله در صحنہ اموریین المللی متفقاً موجب ایجاد مرکز امکانات جدیدی در جهت سیر تکا ملی جامعه جهانی بهائی گردیده است. در پیام رضوان هذه السنه این هیئت با این مفاهیم اشاره شده بود که در برآ بر ما افق وسیع تری باز شده که در روشنی آن میتوان اقدامات و تکالیف تازه ای را که با یدبیز و داد آغاز کنیم حدوداً تشخیص داد. این اشارات دخالت و توجه بیشتر ما را با مور مربوط به رشد و توسعه حیات اجتماعی و اقتصادی بشرنویسد میدهد.

حضرت بهاءالله از ابتدای رسالت عظیم خود ملل عالم را متذکرو متنبه فرموده که لازم است امور جامعه بشری را بنحوی ترتیب دهنده که دنیا ای متحدد در کلیه وجوده اصلیه حیات بوجود آید. در الواقع و آیات مبارکه بیشماری هیکل اقدس بکرات و بانحصار مختلف اعلان فرموده "تقدیم عالم" و "شرقی ملل و امام" از جمله تعالیم الهی در این دور مقدس است. وحدت عالم انسانی که اصل و اساس عملیات و در عین حال هدف غالبی و نهائی امرالله است تحقق ارتباطی کامل بین حواج روحانی و تیازمندی های عملی زندگی را در این عالم ایجاب میکند ضرورت قطعی چنین ارتباطی در حکمت اسیس مشرق لاذکار، مرکز روحانی هر جامعه بهائی که در حول آن با یاری مدنظر میگردد تعیین و تصریح گردیده است. بدین ترتیب واضح است که اگرچه تا کنون برای موسسات امری بطور کلی پرداختن به مور و فعالیت های رشد و توسعه مقدور و میسر نبوده ولکن مفاهیم توسعه اقتصادی اجتماعی در تعالیم مبارکه الهی مندرج و مستراست. حضرت مولی الوری با گفتار رورفتار متعالی و موزنده خویش نمونه روشنی از تحقق و اجرای این مفهوم یعنی تجدید بتای جامعه اراده فرمودند. شاهد برای آنکه احبابی ایران بر اثر تعلیمات و ارشادات آن وجود مبارک و متعاقباً بر اثر تشویقات متتا بعه هیکل اطهر حضرت ولی امرالله به پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی چشمگیری نائل شدند.

جا مעה پیروان اسم اعظم اینک پس از سالها محاہدت مستمر در تبلیغ امراللهی ب مرحله ای وارد گشته که با ید جریان این توسعه با فعالیت های روزمرّه اش تلفیق گردید و بالا خص توسعه دامنه امراض مدرما لک جهان سوم که اکثریت مومنین امر در آنها ساکنند این اقدا مرا ضروری مینماید. قدم هایی که با یستی برداشت شود لزوماً از جا معا بهائی و مجهودات افراد اعضاً آن شروع می شود که از طریق بکار بستن مبادی روحانی درستی و صداقت در اعمال و رفتار، واستفاده از هنر مشورت در امور ترقی نموده و درنتیجه بخود کفای رساند و متکی به خود گردند.

مظاوا این مجاہدات منجر به حفظ و صیانت شرف انسانی که بی نهایت مورد دعا است و توجه جمال مبارک بوده می گردد. نتایج و فوائد مجهودات احباب الهی، در جریان عمل وبالا مال، به جامعه خارج نیز تسری خواهد یافت تا با لآخره عالم بشریه اوج ترقی که منظور نظر مظہر الهی است واصل گردد.

اقضاء دارکده توجهی اصولی و منتظم به این دائره حیاتی از مجهودات بهائی معطوف گردد. لهذا به کمال سرور وابتهاج تا سیس دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی را در مرکز جهانی امراض علم میداریم. این دفتر معاضده و مساعدتی است العدل اعظم در ایجاد و تشویق وهم آهنگ نمودن مجهودات یاران سراسر عالم در این میدان جدید خواهد بود. دارالتبليغ بین المللی و هیئت های مشاورین قاره ای مترصدند که مسئولیت های خاصی را که به آنان محول گردیده و عبارت از وقوف و آگاهی کامل از امکانات افزایش رشد و توسعه زندگی اجتماعی چه در داخل امر و چه در خارج آن است بعهده بگیرند و ها دی و مشوق مجاہدات و کوشش های مخالف روحانیه و افراد احباء باشند.

اکنون از مخالف روحانیه ملیه دعوت می کنم که ارتباط و تاشیر این مسیر حدید را در جوامع تحت اشراف خود موردن توجه قرار دهند و تدا بیر مقننه لازم را اتخاذ نمایند تا افکار و اقدامات مخالف روحانیه محلیه و افراد احباء به تهیه و اجرای نقشه هایی که با اوضاع و احوال و منابع موجود مطابقت داشته باشد معطوف گردد.

پیشرفت در عرصه رشد و توسعه تا حدود زیادی منوط به میزان تحرك و فعالیت طبیعی در سطوح پائین جامعه است و با یستی قوای محركه اش آن جهت تا مین شود نه آنکه این برنامه ها و نقشه ها در سطوح بالای جامعه تنظیم و به سطوح زیرین جهت اجراء ابلاغ گردد بنابراین وظیفه اساسی مخالف روحانیه ملیه آنست که در تزئید میزان وقوف جوامع محلیه به امکانات و احتیاجات بکوشند و فعالیت های حاصله از این آگاهی راهداریت نموده هم آهنگ سازند. هم اکنون در بسیاری از مناطق احبابی عزیز شاهد شمول تائیدا الهیه نسبت به مشروعات خود مانند تاسیس مدارس محلی روستائی و آموزشگاه های دیگر تعلیم سواد، اجرای برنامه های ترویج روستائی، بنیان گزاری ایستگاه های رادیو تربیتی و آموزشی، و اداره پروژه های پژوهشی و کشاورزی میباشد. بموازات توسعه دائره فعالیت های آنان طرق دیگری در زمینه توسعه و رشد محقق ظاهر و پدیدار می گردد این میدان جدید خدمت کار دانی و ابتکار، انعطاف پذیری، و اتحاد و همبستگی جوامع متعدد تشکیل دهنده عالم بهائی را بسیج نموده و بکار می گیرد. طبیعتاً جامعه های مختلف نسبت به احتیاجات مشابه برخوردم تفاوت خواهد داشت و راه حل های متفاوت

ارائه خواهند نمود. بعضی از این جوامع میتوانند کمک‌های خود را به خارج عرضه دارند در صورتی که بعضی جوامع دیگر را بتدای کار بنا چاربا یستی کمک دیگر را را بپذیرند. ولکن در هر حال همه آنها صرف نظر از اوضاع و احوال و منابع موجود شان بطريقی استعداداً جایت این دعوت را دارند. همه میتوانند در این مشروع سهیم با شندودراین اقدام جمعی که عبارت از بکار بستن منظموصولی تعالیم‌ا مر درجهت اعتلاء و ترقی کیفیت حیات بشری است شرکت نمایند. کلید موفقیت، اتحاد در روح و در عمل است.

یقین داریم که شرکت خالصانه و صمیمانه یاران در این مجدها است حکماً بیشتر جا مده را در تما مسطوح آن تضمین خواهند نمود. باید توجه داشت که پرداختن به جنبه‌های فنی توسعه ورشد هرگز نبا یستی جایگزین تبلیغ امرالله که در هر حال وظیفه اولیه هریک از پیروان حمال ابھی است گردد. بلکه فعالیت‌های روزافزون ما در عرصه رشد و توسعه باید مدام اقدامات تبلیغی و نشانه‌ای از تجلی ایمان ما در میدان خدمت باشد. زیرا اگر ترویج به امور تبلیغی ادامه نیابد امیدی به موفقیت این جنبه وسیع تر تحکیم اساس امرالله نخواهد بود.

دعوت بکار روروی سخن ما مالابا فرد فردیا ران از پیرو جوان و قدیم و جدید است. باید قدم پیش نهند و در عرصه خدمت موقع و مقام خویش را احراز کنند، عرضه ای که در آن شایستگی واستعداد تحصیلات تخصصی، منابع مادی، و اختصاص وقت و انرژی، و بالاتر از همه مراتب تعلق و تمسک آنان به تعالیم و اصول امرالله میتواند کلادر راه اعتلای بشر بکار رگرفته شود.

امیدواریم این بیان احلى که از قلم معجزشیم مولای توانا حضرت ولی امرالله درسال ۱۹۳۳ عزیز نزول یافته‌الها م بخش مدام و مستمر عموم باشد:

"مسائلی که در حال حاضر ممیتن امرالله با آن مواجهند چه اجتماعی و چه روحانی خواه اقتصادی و یا اداری بتدریج که عددیا ران و امکانات آنان مضاعف گردد و استعدادشان برای خدمت و اجرای اصول تعالیم امرالله رشد و ترقی کنند محل و فصل خواهد شد. باید صبور بآشند و مطمئن و هر فرستی را که در محدودیت‌های تحمیل شده فعلی بدست آن دندگانیمت دانسته و در استفاده از آن ساعی و کوشش باشد. رجا آنکه قادر متعال آنان را در تحقق نوابایی و الایشان یاری ویا وری فرماید." (ترجمه)

با تحيات ابدع ابھی
بیت العدل اعظم

تندیس‌ها بیت العدل اعظم

۱۳ سپتامبر

"درا ین ایا مضریه بیرحمانه دیگری بر جا معه ممتحن اسم اعظم درایران وارد گردیده که شروع فصلی است حدید در تاریخ پر تلاطم آن جا معه. دولت اقلابی در تاریخ ۲۹ آگوست مبارکه اقدامی بی سابقه نموده، از طریق بیانیه ای که توسط دادستان کل صادر شده تکرار از همان مات کا ذبیح معموله تشکیلات اداری بهائی را ممنوعه اعلام داشت و رسماً وجود تشکیلات بهائی را مخالف قانون اساسی و مقررات مملکتی دانست. ولکن در این اعلامیه اشاره شده است که بهائیان مجازند بطور خصوصی فراغض دینی خود را اجرا کنند مشروط براینکه از تبلیغ و دعوت دیگران بدین انت بهائی و تشکیل محافل و فعالیت تشکیلاتی خود را نمایند. با این ترتیب خدمت در تشکیلات بهائی جرم شناخته شده است. این حمله جدید بر جا معه بیدفاع، عنا دوساختی عناصر متعصب را در کوشش برای اطفاء نورا مناشی الی در سرزمینی که شاهد ظهوراً ولین اشعد آن بوده بخوبی واضح می‌سازد.

"براساس تعالیم دیانت بهائی مبنی بر لزوم اطاعت از دولت محفل روحانی ملی ایران فوراً" اقدام به انحلال تشکیلات بهائی در سراسر مملکت گردند تا درستی و صداقت جا معه را علی رغم یوغ‌سنگین قسا و تهائی که چندین نسل اعضاء جا معه تحمل نموده اند تائید و تثبیت نمایند. اطمینان داریم که یاران مخلص و ثابت قدم و ممتحن آن کشور پرآشوب با سرور و بهشت و شجاعت واستقامت با وضع جدید مقابله خواهند نمود. در عین حال بهائیان اقطار سائره که از موهبت آزادی دیانت برخوردارند به این مبارزه دعوت شده اند تا با وقف حیات و توان خود به تحقق اهداف مقدسه ای که در پیش دارند آلام و مصائب مستمر خواه ران و برادران مظلوم و مضطهداً ایرانی خود را جبران نمایند. به عموم محافل ملی توصیه می‌شود بعنوان تقدیر و تجلی لازم فدا کاریهائی که اعضاء جا معه موطن جمال اقدس ابھی چنین دلاورانه قبول کرده اند اقدامی در حب تحریم اساس تشکیلات بهائی در مالک خود معمول دارند."

بیت العدل اعظم

ترجمه مرفومه دارالاژاده بیت العدل عطشانی اجع بوقایع خیر ایران

بیت العدل عطشانی
مترجمه

دارالاژاده، مورخ ۷ نوامبر ۱۹۸۳

بخلیلی مخالف و حائمه ملیه :

دوستان عزیز بهائی :

وقایع اخیر ایران بدنباله تعطیل تشکیلات بهائی متساقنهادا مه فشا رشدید علیه جامعه بهی دفاع بهائی را نشان میدهد. بسیاری از آین فشارها توسط مقامات باین امداد اعمال می شود که بهائیان اعتقاد خویش را انکار و عشق خود را به حضرت بهاءالله با آسايش و تامینی که مقامات در قبال آن پیشنهاد مینمایند مبالغه نمایند.

با کمال تاسف بیت العدل اعظم اعلام مینماید که بسیاری از ایاران در زندان بعلت تسلیم نشدن با را ده مقامات درباره انصراف از حب حما لقدم حل ذکرها اعظم مورد شکنجه قرار گرفته است.

علاوه بر این در حالی که صحیح است که پس از اعلام تعطیل تشکیلات در تاریخ ۱۲۹ اگوست ۱۹۸۳ توسط دادستان کل انقلاب هیچ بهائی اعدام نشده است ولی طبق گزارش واصله در تاریخ ۱۹ اس سپتا مبریک زارع بهائی در خوی بنا ماقای اکبر حقیقی برادر ضرباتی که توسط جمعی عوام انتخاب که توسط ملا تحریک شده بودند بر بدن او وارد گردیده صعود نموده است. همچنین حداقل یکصد و چهل نفر بهائی در کلیه نقاط کشور پس از اعلام مینماید دادستان کل توقيف شده اند که پنجاه نفر آنها در حوزه بحر خزر زندانی گردیده اند. اگرچه عده ای از دوستان آزاد شده اند ولی جمع تعدادی از بهائیان که هنوز در ایران در زندان بسر می برند بر طبق سوابق بالغ برچهار صد و پنجاه نفر می باشد.

سه نفر از احباب مسین در زندان بملکوت ابھی متصاعد و در دریف جانبازانی که جان خویش را در سبیل خدمت باستان الهی فدا کرده اند محسوب گردیده اند. اسامی آنان از آین قرار است :

- ۱- آقای حسین نیری اصفهانی . ۶۴ ساله که در اصفهان زندانی بوده در حالیکه در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۲ برای محاکمه میرفته فوت نموده .
- ۲- آقای احمد علی ثابتی سروستانی ۷۶ ساله که در تاریخ ۳۰ حون ۱۹۸۳ در زندان شیراز صعود کرده .
- ۳- آقای محمد اشرفی شراقی در زندان طهران صعود نموده .

همچنین اخیراً اطلاع یا فتیم‌که در شهر دزفول یک خانم بهائی بنام خانم ایران رحیم‌پور (خرمائی) در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۸۳ پس از اینکه فرزندی بدنیا آورده اعدام گردیده و وزاد را مسلمین برده‌اند و سرنوشت اعلام نیست.

یکی از علائم تضییقات و دلایل نیت شیطانی مقامات ایرانی در ریشه کن کردن امر بهائی در آن سرزمین تخریب و بی‌حرمتی به قبرستان‌های بهائی (گلستان جا ویدها) است. اخیراً طبق یک اگهی که در روزنا مدها انتشار یافته سنگ‌های قبور در گلستان جا وید طهران به معرض فروش گذاشته شده است. از آنجاییکه تمام علائم از روی قبور ظاهراً از بین برده شده لذا امکان دارد هیچ‌گونه اثری از قبرستان بهائی در آینده باقی نماند.

باتحیات‌بهائی دارالانشاء



نامه سرگشاده محفل روحانی ملی بهایان ایران در مورد تعطیل تشكیلات بهائی

دکتور ایران

۱۳۶۲ هجری شمسی

اخيراً جناب آقای دادستان محترم كل انقلاب اسلامی کشور طی مصاحبه‌اي که متن آن درج گراید منتشر گردیده پس ازا يرادا تها ماتي ناريوا برحى معهدهائى ايران و محکوم شناختن جمعىتى از بهائیان که بحرا ئمى واھى و مجموع و صرفًا بعلت اعتقاد اتشان اعدا ميا دستگير وزندانى شده اکثرا هنوز محاكمه نگردیده اند ادا مه کارت شکيلات دينى و روحانى بهائى را من نوع اعلام نمودند و عضويت در آن را جرم دانستند.

برای اين جا معه و هر نا ظرمنصف و بي غرضى جاي تعجب و تاسف است که ولاة امور و ملاذ حمه و ر على الخصوص اهل قضا که در پي کشف حقیقت و در کو اعقیت قضا يا سالها عمر و وقت خود را مصروف ميدارند یا اگر در جمله یا کلمه ای و در ادائی حرفي یا ضمایر یا کسره ای شباهی حاصل شود ساعتها به کتب متعدد مرا حده مینما یند تا صحیح آن معلوم گردد چگونه بخود روا میدارند تها ماتي ناروا را چنین بی پروا و بی ترس از روز جزا بر جمعی مظلوم و بیگناه وارد سازند بآنکه خود به آنچه میگویند کا ملا معتقد باشد یا لا اقل در مورد مدعای تحقیقی ولو ناچیز انجام داده باشد.

"گوئیا با ورنمیدا رندروزدا وری"

جناب آقای دادستان با زافسانه و دادستان بی پا یه و بی ما یه جا سوسی بهائیان راعتنوان نموده اند بی آنکه لا اقل مدرکی بر از دليلی اتیان کنند، بی آنکه توضیح فرمایند یا نهمه حاسوس در یک مملکت به چه کاری مشغولند و چه اخباری را زکجا میا ورندو به کجا میدهند و بچه منظوری چنین میکنند پیر مرده شتا و پنچ ساله بیزدی که هرگز پا از ده خود بیرون ننهاده چگونه جا سوسی است و این جا سوسان ادعایی ایشان چرا هرگز خود را پنهان نمیسا زند چرا عقیده خود را کتمان نمی نمایند، چرا به لطیف الحیل نمی کوشند تا در ادارات و مرکز خبری راه یا بند، چرا تا کنون در هیچ جای چنان یک حا سوس بهائی دستگیر نشده، حوانان محصل و بانوان خانه دار و رو دوشیز گان معصوم و مردان وزنان که نسال بهائی که بیگناه بچوبه دار سپرده شدن یا هدف تیر تعصب و عدوان گردیدند، کشتگان روستائی بهائی قراء، افسوس، چیگان قلعه ملک (حومه اصفهان) و قریه نوک بیزند چگونه میتوانستند چگونه جا سوس با شند چه مدارک و وسائل جا سوسی از آنها بدست آمد، کودکان دبستانی که از مدارس اخراج گردیدند چگونه جا سوسی میکردند.

وای عجب که جناب دادستان شاید نمیدانند و یا نمیخواهند بدانند که جا سوسی جزئی از سیاست است و عدم دخالت در سیاست از اصول مسلمه دیانت بهائی است و از طرف دیگر بهائیان بوطن خود عشق میورزند و هرگز ادنی خیانتی بوطن را جائز نمیدانند.

حضرت عبدالبهاء جانشین شارع امر بهائی میفرمایند: "هر ذلتی را تحمل توان نمودم" خیانت بوطن و هرگناهی قابل عفو و مغفرت است مگر هر تک نا موس دولت و مضرت ملت."

اتها مات دیگر جناب دادستان محترم انقلاب همه ازاين قبيل است. نسبت خلافکاری و خرا بکاری بجا معهدهائی میدهند و بعنوان مثل عمل کثیف احتکار را که جا معهدهائی از آن بیزار است عنوان میکنند و بر اساس مصاحبه‌اي که ساختگی بودن آن اظهار من الشمس است و بموضع خود طی بیانیه‌اي دلایل مشروح اعلام گردیده، عملی را که انجام آن بکلی مردود است و نا معقول

دستورتشکیلاتی تلقی میفرما یندو بسیا رزیرکانه از کناراین نکته میگذرند که چگونه میتوان با احتکار مشتی لوازم یدکی که اکثر خارج از زرده بوده و بفرض صحت مدعای مثلا هفتاد میلیون تومان قیمت داشته که میتواند کالای موجود هر فروشگاه متوسط لوازم یدکی باشد دولتی را که بانها یتقدرت و تو ان روزانه صدها میلیون تومان مخراج گوناگون دارد ساقط نموده اگرایشان تشکیلات بهائی را جا سوی میدانندلاقل با یدجا سوس را آنقدر رزیرک و عاقل بدانند که برای براندازی حکومتی و رژیم مقتدری لوازم یدکی ذخیره نکند. بلی خلافکاری و خرابکاری مورد ادعای چنین است و مشابهش آنچه در داستان دایره اسقفی اصفهان واقع گردید که پس از متمه ساختن اینجا معه مظلوم و اعدام نمودن هفت بیگناه از بهائیان یزدمجعول بودن داستان بوسیله دادستان کل کشور علاموا علان گردید. از حمله اتها ماتوارده جمع آوری وجوه و ارسال به ممالک خارجه است ای عجب اگر مسلمین بر اساس اعتقادات مقدس و محترم روحانی خویش میلیونها تومان وحه به کربلا و نجف و بیت المقدس یا سایرا مکن متبرکه خارج زایران بفرستند تا خراج اعتبار مقدسه مبارکه اسلامی گردد بسیا رسیده است ولی اگر بهائی مبلغی ناچیز آنهم درایامی که ارسال ارز محا زبوده است نه دروضع حاضر برای تعمیر و نگاهداری اماکن مقدسه برای جامعه بین المللی خود بفرستند بنی است لایغ فرود لیلی است بر تقویت ممالک دیگر.

از این قبیل اتها مات بسیار است و تحقیق در مورد دهریک کاری دشوار نیست تنها نفوی منصف و بی طرف و قضا تی خدا ترس میخواهد تا بطلان یک آشکار شود و جامعه بهائی اکیدا "تمنا میکنند" به این اتها مات با حضور هیئت منصفه ای مرکب از قضا و ناظرین بین المللی در منظر عمومی رسیدگی گردد تا یکباره از روی خط بطلان بر مجموع اتها مات کشیده شود دیگر تکرار نیاید.

"وا مادر طی پنج سال اخیر اصول اعتقادات بهائیان مکرراً اعلاماً علان گردیده و چون ظاهرایا سهوا" مورد توجه قرا رنگرفته و تکرا را اتها مات از طرف یکی از عالیترین مقامات مسئول دلیلی است برای نکه رقا ئم مکرر هرگز به لحاظ سروران فائز نشده مجدداً یاد آوری میگردد که دیانت بهائی به یکتائی و عدل ذات الهی مقرر و معترف است و حی قدر را ذات غیب منیع لاید رک میشناسد و مقدس از صعود و نزول و دخول و خروج و تجسم و تجسد میداند. دیانت بهائی بخدای نادیده فرداً حداحد صد و حده لاشریک له معتقد و درگاه عظمت را ساده و کلیه ادیان مقدسه الهی مؤمن است جمیع پیغمبران از آدم تا خاتم را فرستادگان بر حرق الهی میشمرون و آنان را مظاہر ظهور حق در عالم خلق و کتب آنرا من جانب الله میداند به است مرار فیض الهی و بقای روح و عالم بعد و پادشاه و مکافات اکیداً معتقد است و تنها دیانتی از بین ادیان موجود است که حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم را پیغمبر بر حق و قرآن مجید را کلام الله میداند.

دیانت بهائی دارای اصول و احکام مستقل است، کتاب آسمانی مستقل دارد حج و عبادت دارد، فرد بهائی نما زمیگزارد و روزه میدارد بر مبنای اعتقادات خویش خمس و زکوه میدهد و بر مراتعات جمیع صفات و شیم پسندیده و محبت بجمیع ابناء بشروع خدمت بعالی انسانی و جانفشاری در سیل خیر و فلاح هم نوعان خویش ما موراست و از ارتکاب اعمال ناشایست ممنوع. حضرت عبدالبهاء میفرما ید" بهائی را بصفت شنا سندنه با اسم و بخلق پی برندنه بجسم".

حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی میفرما یند: "... هر نفسی که خود را بشیم و حل تقدیس و تقوی و اخلاق مزین ندارد و بهائی حقیقی نه و لسو اینکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف ..." و نیز میفرما ید: احباب الهی

... ما مورپرهیزکاری و خیرخواهی و بردبازی و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ما سوی الله و تجرد از شئون دنیا و اخلاق و صفات الهیه هستند ... " احکام و تعالیم دیانت بهائی کل مدل براین حقایق است کتب و آثار ریکه خوشبختانه از منا زل بهائیان بوفور بیغما رفته و برای مسئولیین امورقابل دسترسی است مصدق این مطالب، بهائیان براساس اعتقادات روحانی خویش در سیاست داخلت نمی نمایند، با حزب و دسته و گروه یا ملت یا ایده‌ئولوژی و فلسفه سیاسی خاصی موافقت یا مخالفت نداشدا رذوازا مورمشوشه سیاسی بكلی بیزار و برکنارند. حضرت ولی امرالله

فرموده‌اند:

"... اهل بهادر ظل هر دولت و حکومتی بصدق وصفاً و امانت و تقوی رفتار نمایند ... " نه تشنه شهرتندونه طالب ریاست نه اهل ریا و تملقندونه در پی جاه و مکنت نه طالب مستند و مقامند و نه اسیر رتبه و نشان از تظاهر و خودنمایی متنفرندواز استعمال قوه جبریه مشمئزا زما سوی الله چشم پوشیده‌اند و بوعده‌های محکمه مولای خویش دل بسته ... از خودگذشته‌اند و بنفع عموم پرداخته ... از وظائف سیاسی اجتناب و احتراز نمایند و وظائف اداری را بدل و جان قبول کنند زیرا مقصداً صلی اهل بهادر تقدم و پیشرفت مصالح ملت است ... اینست طریقت بهائیان اینست مسلک روحانیان و ماعداً ضلال مبین " و نیز بهائیان بموجب تعالیم عالیه خویش ملزم و مکلف با طاعت از حکومتندرا ینمورد نیز حضرت شوقی ربانی می‌فرماید:

"... اهل بهاما موربا طاعت و ا نقیاد دولت متبعه خویشندوا ثبات صداقت و خیرخواهی خویش نسبت با ولیای امور ... باید بهائیان در جمیع اقطار کلاؤطراً مِن دون استثناء مطیع و منقاد ا و مرقطعیه و قرا رهای صادره از مصالح حکومت خویش گردند و تسلیم شوند و بصداقت تما حراء و تنفيذ حکم حکماً خویش را نمایند ... " هر چند تشكیلات بهائی هدفی جز خیرخواهی جمیع ملل و نحل ندا ردوقدمی برخلاف مصالح جمهور بر نمیدارد و برخلاف آنچه از ممالک اسلامی بذهن راه می‌یابد هیچ‌گونه مشابهتی با تشكیلات معموله در احزاب سیاسی نداشته‌اید " درا مورسیا سیه دخالت نمی‌کند و خود بازدا رنده‌افراد بهائی از فعالیت‌های مخرب سیاسی است و نقطه نظر گاهش " تحسین اخلاق است و تعمیم معارف، از الله جهل و ندانی ودفع تعصبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس، اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید، راستی و صداقت است و جرات و صراحت و شجاعت، ترویج صنعت وزراعت است و تعلیم احباری دختران و پسران، تاکید در امانت و دیانت است و دقت در حسن معا ملات، تفنن و تدقیق در علوم و فنون زمان است و ترویج مصالح همنوعان، ترویج صداقت و اطاعت با حکماً مشروعه دولت و حکومت است و احترام و تکریم و معاونت ارباب علوم و هنر و صناعت، معاونت نیازمندان و محتاجان از تمام مذاهب و فرق است و همکاری و همقدمی با هموطنان در خدمات عام المنفعه ". و بطور خلاصه آنچه را حضرات روحانیون در این سایر بطور فردی و انتصابی بعهده دارند تشكیلات بهائی بنحو جمعی و انتخابی عهده داراست.

و هر چند از هنرها را در جناب دادستان محترم کل انقلاب می‌بینی بر مبانی قانونی بمنظور نمیرسد و برای محدود ساختن افراد و محروم ساختن آنان از حقوقی که قانون از ایشان دریغ نداشته تصویب قوانین خاصی آنهم بشرطی که مباین است با قانون اساسی کشور نداشته باشد ضروری است و هر چند در طی سنتهای اخیر که می‌باشد تضییقات و تبعیضات و فشارهای ۱۳۵ ساله بر طرف گردد ادیان متأله و موحد بدان معتقد است تضییقات و تبعیضات و فشارهای اسلام مانند همه یا لااقل تخفیف یا بد و حقایق با بی نظری تحقیق شود ممکن است این سوءتفاهمات یا تعصبات

دیرینه مشکلات بمراتب اضافه شدوا بواب بلازه طرف بروجه بهایان مظلوم و ستمدیده ایران مفتوح و کلیه حقوق حقه آن سلب گردید و برا شرحت ریکات متباشه ازنا حیه و لادا موروملاذ جمهور و بعضی روحانی نمایان و افتراقات و تهمت های واردہ رسما " ومن غیر رسما و امرغیر مشروع وغیر قانونی صادر از مراجع شرعی و قانونی چه بسیار جانهای پاک که بیگناه هلاک گردیدند و چه بسیار سرهای بلند و سینه های ارجمند که زینت داریا آماج تیربا رگشت چه مقدار اموال که بیغما رفت یا مصادره گردید چقدر نفوس متفتن و دانشمند که با تحمل زجر و شکنجه محکوم بزندا نهای طویل المدت شدند و هنوز با همه فضائل و تخصصها خودکه میتوانست در خدمت دولت و ملت قرار گیرد در گوش زندانهای مظلم بسرمیبرند و چقدر کارمندان فدا کار که عمری را در نهایت پاکدا منی بخدمت دولت سپری نموده اند بصرف تعصبات فراوان از کار برگزینار و بعسرت و بسی چیزی و نیاز گرفتا رگردیدند و حتی ارباب مشاغل خصوصی در بسیاری از موارد از استخدام بهایان ممنوع شدند. بسیاری از موسسات خصوصی بهایان مصادره و بسیاری از کسبه با ابطال حوا زکسب از ادامه کار محروم گشتند. جوانان بهایان از ادامه تحصیل در بسیاری از مدارس و در کلیه داشکده ها و موسسات عالی ممنوع گردیدند و داشتند شجویانی که درخراج از ایران بودند از دریافت هزینه تحصیلی و سایر داشتند شجویانی که میخواستند در خارج از ادامه تحصیل دهند بعلت مما نعت از خروج از نیت خود محروم گردیدند. از خروج افراد بهایی حتی بیماران مشرف به موتی که تنها راه نجات آن مراجعت به مؤسسه طبی خارجی بودند ممکن نشد. گورستانهای بهایی مصادره گشت و جنازه از قبور بیرون کشیده شد و چه بسا روزها که جنازه ای بر زمین ماند شاید از جاهای تحقیل شود و مکانی تحویل گردد از خاک بر شد و رند و بخاکش سپارند. هم اکنون هزاران بهایی که از خانه و آشیانه محروم شده به جبریا بموجب قانون نفی بلندگشتند از دهات و مسکن خود را نده شده اند در سایر بلاد ایران آواره و سرگردانند و ملجه و پناهی جز استان حضرت منان و عطوفت دوستان و بستگان ندارند.

جای تاسف است که رسانه های گروهی و حرائدو مجلات نه میخواهند و نه میتوانند و نه مجازند که از آنچه بر جا ممعده بهایی ایران وارد میباشد و نیز این خبری بنویسندیا خبری بنگارند اگر مجاز بودند و بسی طرف اخبار روزمره را مینوشتند چه مجموعه ها که از شقاوت بشری و مظلومیت بیگناهان فراهم مم نمی گردید.

مثل اگر مجا زبودند مینوشتند که هفت را در مردو شیر زن بهایی شیرا زکه هفت نفر آن دختران کم سن و سال بودند رنها یت قدرت روحی پیشنهاد حاکم شرع را برای تبری از اعتقادحتی کتمان عقیده ظاهری نپذیرفتند و مرگ در میدان را برگتمنان ایمان مر ج شمردند و پس از ساعتها انتظار لب تشنه چادر را کفن خویش ساختند وطناب دار را بعشق حی دادار بوسه زدند و جان بحان آفرین سپرندند و بیهوده از این صحنے پر بلایه کر بلایه وجود شقاوت بی منتهی بر روی ورقات زکیه شمشیر نکشیدند و بیما ران رانیا زردند طلب آمرزش نمودند.

افسوس که زبانها بسته و قلمها شکسته است و رازاین مظالم بر ملامت امیگردد تا عبرت جهانیان شود. با دعای جناب دادستان محترم اینها جا سو سندوای عجب که در همه تاریخ کجا میتوان جا سو سی را نشان داد که برای اثبات حقانیت اعتقاد خویش از جان دست بشوید. متأسفانه در این نامه جای آن نیست که بلایای واردہ بر بھایان بیگناه ایران بیان گردد و بیکایک اتهما مات واردہ پاسخ گفته شود ولکن تنها از صاحبان مرمت و انصاف سئوال میشود اگر بموجب بیانات حنا ب دادستان، بهایان را بعلت عقیده و ایمان نمی گیرند و اعدام نمی کنند و حتی

بزندان نمی اند ازندگونه است که وقتی جمعی از ایشان را بحرم واحدی دستگیر میکنند مثلاً "بحرم جا سوی هریک از ایشان که تبری کنند و ترک اعتقاد کنند بلافاصله آزاد میشود و یعنوان نوعی پیروزی عکس و تفصیلاتش در جراحت منعکس میگردد و عزت و احترامی بیندازیں چگونه گذاره جا سوی خود را بکاری و احتکار محاربه و توطئه گزین است که با ارتادادا زاعتقاد پاک میشود آیا خودهمین دلیل بی پایه‌گی اتهامات وارد نیست؟

با اینهمه جا معهدهای ایران برای اثبات حسن نیت و برآسان اصول اعتقادی خویش در اطاعت ما زا و مردولت و حکومت که مبانی آن قبله "در این بیان نیه تشریح گردیده تعطیل تشکیلات بهائی را در سراسر ایران اعلام میدارد و از این پس تا زمانیکه انشاء الله سوءتفاهمات بر طرف گردد و حقاً یقلاً برخلاف امور روش و آشکار شود محفل ملی و کلیه محافل روحانیه محلیه و لجنتاً بعد آنها تعطیل است و هیچ‌فردی عضو تشکیلات بهائی شناخته نمیشود.

جا معهدهای ایران امیدوار است این اقدام نشانه اطاعت کامل جامعه از حکومت وقت تلقی گردد و لولا امور منجمله جناب دادستان محترم انقلاب اسلامی که اظهار میدارند با افراد بهائی مخالفت و معاشرت نداشت و بکثرت تعداد آنان مقر و معتبر فند و وجود حق حیات و آزادی اعتقاد و مراسم مذهبی فردی آنان را رسماً "در مصاحبه مطبوعاتی خود تضمین مینمایند" متن بالا این نیت و صدق اظهار را ت خویش را عملای اثبات نموده دستور فرما یند که از این پس:

۱- از ادامه آزار و یذاؤ دستگیری و جرسکنجه بهائیان تحت عنوان وین واهی وی اساس و نگاهداری آنان در زندانها خودداری گردد چه که هم‌خدا میداندوهم لولا امور که گذاره این بیگناهان تنها اعتقادات ایشان است نه اتهاماتیکه بر آنان وارد می‌شوند.

۲- امنیت جان، مال و نوا میس آنان را تضمین نمایند.

۳- آزادی اختیار مسکن، شغل و معاشرت ایشان را برآسان موافق قانون اساسی جمهوری اسلامی تا مینمایند.

۴- با توجه با اظهار را ت جناب دادستان کل کلیه حقوق مسلوبه احقاق و اعاده گردد.

۵- حقوق حقه کارمندان بهائی را با اعاده آنان به مشاغل و پرداخت مطالباتشان تا مینمایند.

۶- کلیه زندانیان بیگناه را از زندانها آزاد کنند.

۷- از موال مصادره یا توقيف شده بهائیانی که در وطن خویش از موال خود محروم مانده اند رفع مزاحمت شود.

۸- اجازه داده شود برای محصلین بهائی که میخواهند در خارج از کشور تحصیل کنند ممکن است اقiran امکانات لازم فراهم شود.

۹- اجازه داده شود جوانان بهائی که در داخل از ادامه تحصیل محروم گردیده اند بتحصیل ادامه دهند.

۱۰- اجازه داده شود برای محصلین بهائی که در مملک خارج از هزینه تحصیلی محروم گردیده باشد مانده اند ممکن است از این ارز تحصیلی ارسال گردد.

۱۱- گورستانهای بهائی اعاده گردد و اجازه فرما یند مردمگان طبق مراسم مذهبی خویش دفن گرددند.

۱۲- آزادی بهائیان برای اجرای مراسم دینی خودشان در تشریع و تدفین و نمایان
بر مردمگان و در آزادی و طلاق و سایر احوال شخصیه و عبادات تضمین شود که بهائیان
اگر در امور اداری که تعلق بموسسه و تشکیلات بهائی دارد کلاوتما مطیع و تابع
حکومتند و بمحب عقا یدرو حنا نی خویش درا مور وحدانیه و فردیه شهادت را بر انکار و ترک
او مرا لئی مرچ میدانند.

۱۳- از این پس نفوosi را بحرم عضویت قبلی آنان در تشکیلات بهائی دستگیر و زندانی
نفرمایند.

در خاتمه هر چند مریه جناب دادستان کل انقلاب اسلامی دورازان صاف وعدالت بود بحکم
وظیفه دینی پذیرفتیم و از درگاه خدا و تدبیکتا رجا داریم بمدالها مات و امدادت غیر
خویش غیار تعصب از فواد ولیای محترم امور بزدا ید و بر حق ایق امور جامعه بهائی آگاه سازد
تایقین نمایند که جور و ستم بر جمعی مظلوم و اهراق دماء بریئه خدا پرستان برای هیچ ملست
و حکومتی شگون و شواب نداشته و آنچه باقی و برقرار رخواه دمان دنیکی و عدل و داد و نفع کاران
است که تاریخ زمان درسینه خود با مانت حفظ خواهد کرد.

با تقدیم احترام
محفل روحانی ملی بهائیان ایران
(۱۳۶۲ شهریور ماه ۱۴۰۲ شمسی)

فرمودند:

درا ین مدت ولود رغرب بودم ولی همیشه رویم بسوی احبابی شرق
بودوتا ئیدا یشان را از ملکوت ابهی مسئلت مینمودم.
ا مید من همواره با احبابی شرق بوده چه آنها چکیده ا مرندوا مرالله
 بواسطه آنها در ایران تمکن تا محسنه . چگونه ممکن است که آنی
فرا موش گردند و از خا طربرونند.

سفرنا مه مبارک جلد ۲ ص ۱۱۷

TLX 1842

TORONTO, ONTARIO, SEPTEMBER 19, 1983

CHARGE D" AFFAIRES M. FADAIFARD
IRANIAN EMBASSY
411 ROOSEVELT AVENUE
OTTAWA, ONTARIO
K2A 3X9

WISH PROTEST IN STRONGEST TERMS AGAINST TOTALLY UNJUSTIFIED DECISION IRANIAN GOVERNMENT TO BAN BAHĀ'Ī INSTITUTIONS AND WORSHIP SERVICES. SINCE IRANIAN BAHĀ'ĪS HAVE NEVERTHELESS AGAIN DEMONSTRATED FULL OBEDIENCE CIVIL AUTHORITY BY ACCEPTING DECISION AND DISSOLVING OF THE LAW . WE ASSUME TOO THAT THE 450 BAHĀ'ĪS IN PRISON WILL BE RELEASED, AND THAT ATTORNEY GENERAL'S PROMISE OF THEIR INDIVIDUAL FREEDOM TO WORSHIP WILL BE FULFILLED.

WE WOULD WELCOME OPPORTUNITY MEET YOU IN PRESENCE MEDIA, AT TIME YOUR CHOOSING, DOCUMENT CRIMES BEING COMMITTED AGAINST OUR IRANIAN FELLOW BELIEVERS AND RESPOND ANY QUESTION

NATIONAL SPIRITUAL ASSEMBLY OF THE BAHĀ'ĪS OF CANADA

ترجمه تلکس شماره ۱۸۴۲ مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۳ محفوظ مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا که پس از وصول خبر تعطیل تشکیلات امیریه در ایران بسفارت دولت جمهوری اسلامی ایران درآتا و اخباره شده است .

آقای م - فدائی فر . کاردا رسفارت ایران می خواهیم اعتراض شدیدخویش را بمناسبت تصمیم کا ملاعیر موجه دولت ایران مبنی بر تعطیل موسسات و مراسم مذهبی بهائی ابراز داریم . از آنجاییکه با زهم بهائیان ایران اطاعت کامل خود را نسبت بمقامات کشوری با قبول تصمیم نشان داده و محافل روحانی خود را تعطیل کرده اند اکنون انتظار داریم که بآنان حمایت قانونی اعطای گردد .

همچنین فرض ما این است که ۴۵۰ نفر بجهات ایرانی که در زندان هستند آزاد خواهند شد و قول دادستان کل در مورد آزادی فردی آنها در عبادت جامعه عمل خواهد پوشید . ما از این فرصت که شما را در دستگاههای ارتباط جمعی در هر زمانی که شما انتخاب کنید ملاقات کنیم استقبال خواهیم کرد . تا مدارک جنایتهایی که نسبت به همکیشان ایرانی ما ارتکاب شده ارائه و بهرگونه سئوالی پاسخ دهیم .

محفل روحانی ملی بهائیان کانادا

بِشَامِلَتِ كُتُبِ مُقدَّسَةٍ

پیروان ادیان گذشته را عقیده براین است که طبق کتب آسمانی آنان بشارت دو ظهوراً عظیم در هد آخزمان به آنان داده شده که با ظهورشان دنیا کیفیت تازه پیدا کرده جنگ وجدال از بین خوا رفت و بعض وکیل عبادیه محبت و اتحاد تبدیل واوها و خرافات از بین قبائل واقوا مزائل و گنجها ای پنهانی زمین مکشوف داشت و علم پیشرفت و ترقی بی اندازه خواهد کرد حقائق مودعه در کتب آسمانی آنان ظهوریا فته مشکلات بشر مرتفع خواهد شد.

این دونیرا عظم در هریک از شرایع مقدسه بنامی خوانده شده، اینک معتقدات هریک با نامهای موردا نتظار آنها ذکر می‌شود.

در دیانت یهودیوم عظیم را به یوم الله و یوم الرب وبما صلح تو راست یوم ادونای نامیده‌اند و نامهای آن دو ظهور آمدن ایلیای نبی از آسمان، ظهور دوم را ظهور یهوه صبا بوت با خداوند خدا نامیده‌اند.

در انجیل جلیل آن یوم عظیم را به روز خدا وندویوم ملکوت تسمیه نموده و آن دو ظهور را بنامهای رحمت مسیح، نزول عیسی یا بعبارت دیگر آمدن پسریا پدر خوانده‌اند.

در قران کریم به یوم التلاق، یوم الحزا قیامت ساعت وغیره آن روز عظیم را بشارت داده آن دو مریع عالم انسانی را بنام مهدی یا قائم، ظهور ثانی را به قیام خدا وندوبه اصطلاحی رحمت حسینی نامبرده‌اند. اگرچه در ایام ظهور مظاہر الهیه ادلہ ظهور بسیار و شواهد حقیقت بیشماری‌که صاحبان بصیرت و ادراک معتقد‌ند که جمیع ذرات بر عظمت شان و حقیقت اعلان آن سفرای الهی گواه و برای اینجنبین افرادی احتیاج به ادلہ و برای هین دیگری نیست

آفتاب آمد دلیل آفتاب

ولی از آنجاییکه بعضی افراد متمسک به اوهام و عقاید باطله بدون اطلاع از کتب مقدسه خود می‌باشند لذا مطالبه شواهدی از کتب مقدسه قبل مینما یندو قصد دارند که با عقايد باطله خود تکذیب انبیاء و مرسلین نمایند بنابراین شواهد بشاراتی که در کتب مقدسه قبل برای ظهور الهی داده شده میتوانند مشکلات این قبیل افراد را برطرف سازد.

عدم پیشرفت ادعای مدعیان باطل

در جمیع کتب و صحف الهی خلق را این مژده داده شده که دفع انبیاء کذبه با خدا است و هرگز آنها پبشرفت نخواهند کرد.

فصل ۱۳ ذکریا آیه ۲... که پیغمبران کاذب و روح پلیدرا از زمین رفع خواهم کرد.

در زمان یرمیا پیغمبر حننیا بن عاذور مکذب ادعای نبوت کرده است و ندیر میارا بر ابطال اوضاع و شکر کرد.

فصل ۲۷ ذکریا آیه ۱۵ میفرماید ... آنگاه یرمیا پیغمبر به حننیا فرمود که ای حننیا حال استماع نما که خدا و ندتران فرستاده و تواین قوم را به دروغ اعتماد می‌دهی بنا براین خدا وند میفرماید اینکه ترا از روی زمین بر میدارم و مسال خواهی مرد زیرا که به ضد خدا وند کلمات فتنه انگیزگفتی، حننیا در ماه هفتم آن سال مورد.

اشعیا باب ۴۴ آیه ۲۵ میفرماید : آنکه آیات کاذبان را باطل میسازدو جا دوگران را احمق مینماید و حکیمان را به عقب بر میگرداند و علم ایشان را بجهالت تبدیل میکنند و خدا وند است.

حرقیل باب ۱۴ آیه ۹... اگر نبی فریب خورده سخن گوید منکه بیوه هستم و را بفریب خوردن ش و میگذارم و دست خود را برا و دراز کرده اورا از میان قوم خود اسرائیل منقطع خواهم ساخت و ایشان بارگناها ن خود را متحمل خواهند شد تا آنکه با ردیگر خاندان اسرائیل از پیروی من گمراه نگردد.

حرقیل باب ۱۳ آیه ۸... خدا وند میگوید من بر ضد پیغمبران کذبه هستم چونکه قوم مرا گمراه کردن دو دیواری بنا کرده اند و آنرا به گل بی کاهاند و دکرده اند به ایشان بگو خواهد افتاد.

شواهدی چند در این مورد از انجیل جلیل

نامه ثانی بتسلو قیان فصل دوم آیه ۸... بمجرد ظاهرشدن نبی کاذب مسیح ظاهر میشود و بنفس دها نش و جلوه آمدن ش اورا معدوم میگرداند.

اعمال حواریون فصل ۱۳ آیه ۸... پیغمبر کاذبی خواست که وزیر را از ایمان منحرف گرداند پولس جا دوگر را که نبی کاذب بود منع نمودوا و را بغشا وه مبتلا ساخت.

انجیل متی باب ۱۵ آیه ۱۳... اور در جواب گفت هر نهالی را که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود و به آتش افکنده خواهد شد.

اعمال رسولان باب ۵ آیه ۳۲... ما هستیم شاهدان او براین امور چنانکه روح القدس نیز هست که خدا او را بهمه مطیعاً او عطا فرموده است (۳۳) چون شنیدند لریش گشته مشورت کردند که ایشان را بقتل رسانند (۳۴) اما شخصی فریسی کملئیل نام که مفتی و نزدیما می خلق محترم بود در مجلس برخاسته فرمودتا رسولان را ساعتی بیرون برند (۳۵) پس ایشان را گفت ای مردان اسرائیلی بر حذر باشید از آنچه میخواهید با این اشخاص بکنید (۳۶) زیرا قبل از این ایام تیودا نا می برخاسته خود را شخصی میپنداشت و گروهی قریب چهارصد نفر بد و پیوستند و کشته شد و متأبعانش نیز پراکنده گردیدند و بعد از این ویهود ای حلیلی در ایام اسمنویسی خروج کرد

و جمعی را در عقب خود کشید ا و نیز هلاک شدو همه تابع ان او پرا کنده شدند (۳۸) ا لان بشما می گوییم ا زاین مردم دست بردا ریدوا بیشان را و اگذا ریدزیرا اگراین رای و عمل ازا بیشان باشد خود تبا ه خواهد شد ولی اگرا زخدا با شدن می توانید آنرا بر طرف سازید مبادا معلوم شود با خدا من ازعه می کنید

آیا تی چند از قران کریم

سورة الحاقة : ولو تقول علينا بعض الاقا ويل . لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الولتين
فما منكم احدا عنه حاجزين وانه لذكره للمتقين.

سورة رعد : لم يدعوه الحق والذين يدعون من دونه لا يستحببون لهم الى كياسط كفيته
الى الماء ليبلغ فاه وما هو بالغه وما دعا الكافرين الى ظلل . (۱)

سوره شورای : ام يقولون افترى على الله كذبا فان يشا الله يختم على قلبك بِحَمْدِ اللَّهِ
الباطل ويحق الحق بكلماته انه علیم بذات الصدور . (۲)

علامات و مشخصات مدعی رسالت در کتب مقدسه

ادعاء :

تورات سفر خروج فصل ۷ آیه ۲۰۰... هرچه بدوا مرفرما یم بگو و برا درت ها رون بفرعون
خواهد گفت .

سفر خروج آیه ۱۴... خدا و ندب موسی گفت که بنی اسرائیل چنین بگو که یهوه مرا نزد شما
فرستاده .

قرآن سوره مائدہ ... یا ایها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربک وان لم تفعـل
فما بلغـت رسـلـتـه . ادعـوا لـیـ سـبـیـلـ رـبـکـ بـالـ حـکـمـتـهـ وـالـ لـوـعـظـتـهـ الـ حـسـنـهـ وـجـاـ دـلـهـ بـالـ تـیـ هـنـیـ اـحـسـنـ

کتاب و احکام :

تورات - خروج باب ۳۱ آیه ۱۸ هنگامی که تکلم نمودن را بموسی در کوه سینی باتمام
رسانید بود

- دولوح شهادت یعنی لوحهای سنگی مکتوب . بانگشت خدارا به او سپرد

قرآن - سوره نساء ... اولم یکفیم انا انزلنا عليك الكتاب
سوره اعراف ... ولقد حنتم بكتـ فـضـلـتـهـ عـلـیـ عـلـمـ وـرـحـمـهـ لـقـوـمـ يـوـمـ نـونـ

استقامت :

باب اول یرمیا آیه ۱۷ ... خدا و ندبه یرمیا فرمود در مقابل اعدا با یست من باتوا موازا بیشان
مترس و هرچه که به ایشان تورا امر می فرمایم بگو .

قرآن - سوره شورای ... فاستقم كما امرت .

دوا موبقاء :

مذبوردا و دفصل ۳۳ آیه ۱۱ ... نصیحت خدا و ندای باقی و تقدیرات قلبش دور ب دور قائم است

قرآن - سوره ابراهیم ... الٰم ترکیف ضرب اللہ مثلاً کلمتہ طیبۃ کشجرۃ طیبۃ اصلہا شا
و فرعہا فی السمااء تو تی اکلہا کل حین با ذن ربہا
سوره ابراهیم یضرب الہ الامثال للناس لعلہم یتذکرون

بشاراتی چند از کتب مقدسه درباره ظہورا عظیم که در ایام آخر واقع خواهد شد.

اشعیا نبی باب دو آیه ۲۰۰
برتلہ‌ها ثابت خواهد شد و فوق قله‌ها برافراشته خواهد گردید و جمیع متها ها بسوی آن روان خواهد شد و قوم‌ها بسیاری عزیمت کرده خواهند گفت بی‌ائیدتا بکوه خانه خدا و ندوی خانه خدای یعقوب برآئیم تا طریق‌های خویش را بما تعلیم دهد و براهای اولسلوک نمائیم زیرا که شریعت از صہیون و کلام خدا و ندای اورشلیم صادر خواهد شد.

فصل ۱۴ زکریا آیه ۱
اینک روز خدا میا یدو یغما یت در جو فت تقسیم کرده خواهد شد و خدا و ندبرتیما می زمین پادشاه خواهد بود و در آن روز خدا واحد خواهد بود و خدا و ندخدای تمام مقدسین بهم را یت خواهند آمد.
فصل ۳۳ سفرت شنبیه ... خدا و ندبرآ مدارسینا تحلی کرد از سعیر درخشیدا زکوه فاران و با هزاران هزارا ز مقدسان و رود نمود و از دست راستش به ایشان شریعتی آتشین رسید
ظهور موسی از سینا طلوع شمس عیسوی از سا عیر و جلوه محمدی از کوه فاران

و ظهور رب الجنود با هزاران هزارا ز ملائکه‌های مقربین در اراضی مقدسه منظور حضرت بهاء اللہ است.

مذبوردا و در باب ۱۶ آیه ۱۱ ... آسمان شادی کندوز میں مسروور گردد دریا و بری غرش نماید صحراء و هر چه در آن است بوجد آید، آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود بحضور خدا و ندزیرا که اورای دا وری جهان میا ید و ربیع مسکون را به انصاف دا وری خواهد کرد.

در کتاب اشعیا نبی باب ۲۵ آیه ۶ ... یهوده صبایوت در این کوه برای همه قوم‌ها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود یعنی ضیافتی از شرابهای کهنه از لذایذ پرمغز و از شرابهای کهنه مصفا و در این کوه روپوشی را که بر تما می قوم‌ها گسترده است و ستری را که جمیع امته‌ها را می‌پوشاند تلف خواهد کرد و موت را تا ابدالاً دنا بود خواهد ساخت و خدا و ندیهوده اشکهارا از هر چهره پاک خواهد نمود و از قوم خویش را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد زیرا خدا و ندگفته است و در آن روز خواهند گفت اینک خدای ما است که منتظر و بودیم و ما را نجات خواهد داد، این خدا و نداست که منتظر و بودیم پس از نجات اومسرورو شادمان خواهیم شد.

در انجلیل شریف در فصل آخر مکا شفات یوحنا آیه ۱۲ ... اینک من بزودی میا یم و مزدم من با من

است تا هرکسی را برجسب اعمالش مزدیخشم .

در رساله دوم پطرس حواری باب سیم آیه ۱۲ میفرماید: منتظر خواهان روز خدا باشید.

مکاشفات یوحنا فصل ۱ آیه ۷ چنین میفرماید: اینک با ابرها میايد و هر چشمی او را می بینند انجیل متی باب ۲۳ آیه ۳۲ میفرماید: ای اورشلیم قاتل انبیاء و سنگسارکننده برسلان خود چند مرتبه خواستم فرزندان تورا جمع کنم مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع میکند و نخواستید. (۳۸) اینک خانه شما برای شما ویران گذارده میشود زیرا بشما میگوییم از این پس مرا نخواهید دید تا آن زمان که بگوئید میاز ک است او که بنا خدا وند میاید.

ما اهل بها معتقدیم که آن روز موعود فرا رسیده و آن طلعت مقصود ظا هرگشته ولسان عظمت چنین میفرماید: من آن ظهوری هستم که بشارت آن در تورات و قصص انبیاء و انجیل و رسائل حواریون به آن مژده داده شده من ظهوری هستم که ظهورم بیوم الله و ظهور رب و رجعت ثانی مسیح و اب آسمانی تعبیر و تسمیه گردیده . انتهی

تورا چنانچه توئی هرنظر کجا بیند

بقدربیشن خود هرکسی کند ادراک

آیاتی چند از قران کریم

سوره رعد: يَدْبِرُ الْأَمْرِ فِي الْأَيَّاتِ لِعِلْكَمْ بِلْقَاءُ رَبِّكُمْ تَوقُنُونَ .

سوره البقره: قَالَ الَّذِينَ يَظْنُونَ أَنَّهُمْ مَلَقُوا لِلَّهِ كُمْ مِنْ فَئَتِهِ قَلِيلٌ هُنَّ غُلَبُتْ فَئَتِهِ كَثِيرٌ .

سوره الفرقان: فَمَنْ كَانَ يَرْجُلْقَاءَ رَبِّهِ فَلِيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحاً وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا .

درس سوره نباء میفرماید: يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفَا لَا يَتَكَلَّمُونَ لَامِنَ اذْنَ لِهِ الرَّحْمَنِ وَقَالَ صَوَابًا .

سوره ق: وَاسْتَمْعُ يَوْمَ يَنَادِي الْمَنَادِيْمَ مَكَانَ قَرِيبَ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّحِيْتَهُ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ .

سوره الانعام: قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلْقَاءَ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالَوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى فِرْطَنَا فِيهَا وَهُمْ يَحملُونَ

سوره الفجر: وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفَا صَفَا

سوره بقره: هَلْ يَنْظَرُونَ إِلَّا إِنْ يَأْتِيهِمُ اللَّهُ فِي ظُلْلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقَضَى الْأَمْرُ وَالله ترجع الامور .

علامات خاصه در کتب زردهشتیان

چون ایرانیان بدکارها کنند و پادشاه خود را کشند یزدان اورا با آنکه ایرانی است بروم برو و واپا دشاهی دان و هنرمندونیک بخت باشد انجام نامه خود را با ایرانیان دهد که لخت پسا تیرش کنند .

دراين بشارت بخوبی معين شده كه ظهورا زايران طالع ميشود و آن رسول گرامي را ايرانيان ت بشها دت ميرسا نند و عرش مقدسش به اراضي روم (حيفا و عكا قبلا در تملک روميهها بود و جزو مستملکا آنها بود) منتقل خواهد شد دستيركتب آسمانی زرديشتیان است دراين جا ميفرماید: گفتار آن بزرگوار را گفتار الهی دانيد و جزو دستير نمائید.

دركتاب دستير ميفرماید: اگرماند ازمهين چرخ يکدم برانگيزانم ازکسان توکسي را و آب و آئين را با ورسانم و پيغمبرى و پيشواى افزونگاند تو بونگيرم.
با زدرتائیدا ينكه ظهور الهی در ايران و از نژاد ايرانيان است در عبارت فوق تصريحا ظهور آينده را ايراني شناخته و بشارت داده.

دركتاب دينکردم ميفرماید: چون هزا رودویست واند سال تازی آئين را گذرد هوشيدربه پيغمبرى انگيخته شود.

دركتاب دبستان المذاهب ميگويد: خدا وندبزيردشت خطاب فرمودكه من تورا ميانه آفريدم همچنانكه از تو تا كيو مرث سه هزا رسال است از تو تا روز رستاخيز سه هزا رسال خواهد بود (از ظهور زردشت تا اظهارا مر حضرت اعلى سده هزا رسال ميشود).

درگاهات پنجم ميفرماید: چون هزا رودویست واند سال تازی آئين را بگذرد بزرگی را از نژاد خسروان برانگيزانم که جهان را از خا ورتا با اختربه يزدان پرستي گردد.

بشاراتي متضمن بر تاریخ و سنه ظهور

فصل ۸ دانیال آ یه ۱۳

مقدسی راشنیدم که سخن میگفت و مقدس دیگرا ز آن یک که سخن میگفت پرسید که رویا در باب قربانی دائمی و معصیت مهله که ملک ولشکر را بپایمال شدن تسلیم میکنند تا به کی خواهد بود (۱۴) او بمن گفت: تادوهزا روسیصدشام و صبح آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد (۱۵) و چون من دانیال رویا را دیدم و معنی آنرا طلبیدم ناگاه شبح مردی نزد من ایستاد (۱۶) و آنرا زدمی را از میان نهرشنیدم که ندا کرده میگفت ای جبرئیل این مرد را از معنی این رویا مطلع ساز (۱۷) پس اونزدجا ئی که ایستاده بودم آمد من ترسان شده بروی خود درافت آدم و مرا گفت ای پسر انسان بدانکه این رویا برای زمان آخر میباشد (۱۸) و حینی که اوبا من سخن میگفت من بر روى خود بيرزمين درخواب سنجيني ميبودم و امرالمس نمود در جايکه بودم بريپا داشت (۱۹) و گفت اينک من تورا از آنچه در آخروا قع خواهد شد اطلاع ميدهم زيرا كه آنها در زمان معيني واقع خواهد شد.

سنہ ظهور درنبوت مذکورہ به ۲۳۰۰ روز و ۲۳۰۰ سال مشخص گردید.

ابتدای اين تاریخ پس از تاریخ صدور ارتاحستا به تجدید بنای بیت المقدس تا ظهور حضرت اعلیٰ که در سنہ ۱۸۴۴ ميلادي است میباشد.

دركتاب دانیال نبی از آ یه ۱۲ تا ۱۲ تمامًا بشارت ظهور حضرت اعلى و حضرت بهاء الله را با تاریخ معین و مشخص ذکر کرده:

آ یه ۱- پس من دانیال نظر کردم و اينک دونفر دیگري کي به اين طرف نهر ایستاده بودند يکي ازا يشان به آن مردم لبس شده به کتان که بالاي آبهای نهر ايستاده بود گفت انتهاي اين عجایب تا بکي خواهد كشيد (۲) و آن مردم لبس شده به کتان که بالاي آبهای نهر ايستاده بود شنیدم که دست راست و دست چپ را بسوی آسمان برافراشت بهي ابدی قسم خورده

برای زمانی و دوزمان و نصف زمان خواهد بود و چون پراکندگی قوم مقدس با نجا مرسد همه این امور با نجا م خواهد رسید (۸) من شنیدم ا ما در ک نکردم پس گفتم ا آقای من آخر این امور چه خواهد بود (۹) ا وجواب داد که ای دانیال بروزیرا این کلام تا زمان آخر مخفی و مختوم شده است (۱۰) بسیاری طا هر و سفید ومصدا خواهند گردید و شریرا ن شرارت خواهند داشت و زید و هیچ کدام از شریرا ن خواهند فهمید لیکن حکیمان خواهند فهمید و از هنگام موقوف شدن قربانی دائمی و نصب رجاسات و ویرانی ۱۲۹۰ روز خواهد بود.

تذکر: قربانی دائمی اسرائیل در ظهر حضرت محمد بن عبدالله بر طرف گردید و ۱۲۹۰ روز مطابق با اظهار امر حضرت بهاء اللہ در ۱۲۹۰ هجری است.

تاریخ^۶ بشارت ظهور ازان جیل جلیل

مسیح در جواب شاگردان از آیه ۱۳ زیاب ۲۴ متنی چنین می فرماید:

پس چون مکروه و ویرانی را که بزبان دانیال نبی گفته شده است در مقام مقدس بر پاشده ببینید هر که خواند دریافت کند.

تاریخ ظهور را محول به نبوت دانیال ۱۲۹۰ سال نموده است.

باب ۱۱ مکاشفات یوحنا آیه ۱۱...۰ و نئی مثل عاصم داده شده مرا گفت برخیز و قدس خدا و مذبح و آنا نیز اکه در آن عبادت می کنند پیما یش نما و صحن خا رج قدس را بیرون اندازو آنرا مپیما زیرا که به امتهای داده شده و شهر مقدس را ۴۲ ماه پایمال خواهند کرد روز ماه $42 \times 30 = 1260$

مکاشفات یوحنا فصل ۱۱ آیه ۲...۰ بد و شاهد خود قدرت خواهد داد که پلاس در برگردانه مدت ۱۲۶۰ روز نبوت کنند.

خواندگان گرامی تفسیری که بقلم معجزه شیم حضرت عبدالبهاء درباره مکاشفات یوحنا و دانیال نبی گفته شده بهترین و نیکوترين تفسیر ممکن است بهتر است مراجعت نمائید (صفحه ۳۵۵ مفاوضات چاپ مصر) ناگفته نماند که روز خدا در تورات و انجیل یک سال است ۱۲۶۰ روز ۱۲۶۰ سال میباشد قرقیل نبی باب چهار آیه ۶ ذکر روزبه سال شده.

در آیات دیگر نیز چنین مطلبی ذکر شده که صراحت آیه بالا هل انصاف را کفایت کند.

در باب ۱۲ مکاشفات یوحنا آیه ۱۱ می فرماید ... علامتی عظیم در آسمان ظاهر شدن نیکه آفتاب در بردارد و ماه زیر پاها یش و بر سرتا جی از ۱۲ استاره (۲) آبستن بود و از دارد زه و عذاب زائیدن فریاد بر میاورد و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینکه اژدهای بزرگ آتشگون که اورا ۷ سر و ده شاخ و بر سرها یش هفت افسر (۴) دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده انها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن که میزائیدا یستاد تا چون بزايد فرزند او را ببلعید (۵) پس پسر نرینه ایرا زائید که همه امتهای زمین را بعصاری آهنین حکمرانی خواهد کرد و فرزندش بنزد خدا و تخت او را بوده شدوزن به بیان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا مهیا شده است تا اورا مدت ۱۲۶۰ روز بپروراند.

تفسیر نبوت بالانیز در کتاب مستطاب مفاوضات (ص ۵۳) بیان گردیده طالبین مراجعت فرمایند.

اینک آیاتی که در قران مجید بشارت دو ظهور را متنضم است

ونفحى الصور فصعق من فى السموات ومن فى الارض الامن شاء الله ثم نفح فى
اخرى فإذا هم قيام ينظرون وشرقوا الارض بنور ربها وضع الكتاب وحى بالنبىين و
الشهداء وقضى بينهم بالحق وهم لا يظلمون . سورة الرمز

آيات وبشارات سنہ ظہور در قران و احادیث اسلامی

کلیه حروف مقطوعہ قران با حروف ابجدسنہ ظہور را تعیین کرده و مطابق حدیث مشهور بالیہ
محرومی سنہ ۱۲۶۰ میباشد .

الله	ذلك الكتاب	٢١	سورہ بقرہ
الله	الله لا والله	٢١	آل عمران
ال RCS	اعراف	١٦١	
المر	يونس	٢٣١	
المر	هود	٢٣١	
المر	يوسف	٢٣١	
المر	رعد	٢٧١	
			١٢٦٧

حضرت ابی جعفر علیہ السلام تاریخ مذکور در حدیث را ازیوم قیام رسول الله بدعوت اخذ فرمود
چنانچہ در کتب سیر مذکور است آنحضرت ۷ سال قبل از هجرت بالعلانیه بدعوت قوم قربیش قیام
فرمود و چون این عدد برسنیں هجریه افزوده شود بالتمام با سنہ ۱۲۶۰ که ظہور حضرت نقطہ اولی
است مطابقت میں ماید .

سورہ سجده . یدبرا لامر من السماء الى الارض ثم يعرج اليه في يوم كان مقداره .
الف سنته مما تعودون

اما م حسن عسکری یا زده مینا ما مسلم رحلتش در سنہ ۱۲۶۰ هجری واقع شده که دیانت اسلام در آن
تاریخ بنا بر حدیث معروف که میفرما یددر آخرا یا م ائمه هدی (رحلت امام حسن عسکری واقع شد)
اسلام تکمیل گردید .

سورہ حج ویستعلونک بالعذاب لمن يخلف الله وعده وان يوم عن دربك كالف سنته مما تعودون
چون هزا رسال در آیه مذکوره براین تاریخ ۱۲۶۰ فزووده شود درست ۱۲۶۰ بdst میا یدکه کاملا
مطابق با بشارات انجلیل و تورات است .

همچنین سید عبدالوهاب شعرانی از ائمه علمای سنت در کتاب الیوقیت والحوالہ که در سنہ
۹۵۵ هجری تصنیف فرموده در مبحث ۵۶ این کتاب حدیثی نقل مینماید که جمله از آن بنظر
خوانندگان محترم میرسد :

حتی لولم یبقی من الدنیا الی مقدار یوم واحد لوقع ذلك کله قال شیخ تقی الدین بن ابی
المنصور فی عقیدته وكل هذا الایات تقع فی الماء خیره من الیوم الذي وعد به رسول الله
صلی علیه وآلہ وسلم بقوله ان صلحت امتی فلھا یوم وان قدت فلھا نصف یوم وان یوما
عن دربك كالف سنته مما تعودون

و نیزا ز شیخ یوتی حدیثی بسیار حا لب و شنیدنی ذکر شده که در بحث الصدور حاجی میرزا حیدر علی
نقل گردیده . (یوتی در شمس المعانی)

سوف ی شرق اللہ اشراقاً من الوجه الہبی الابھی با سملہا و یدخل مرج عکا و یتحدمن علی
الارض کلہا .

چنانچه صفحات محله جلیله عن دلیب بما اجازه میداد بشارات و احادیثی زائمه هدی و رسول
اکرم (ص) در کیفیت عظمت ظهور، ذکرنا م، و نشان، حتی محل شهادت آن حضرت رادراین مقاالت
درج نموده تا بر اهل نظر بیش از پیش واضح گردد که مظاہرا مرا لله در شرح ظهور کلی الہی آنچه
لازم شناسائی بوده بیان فرموده اند.

استنباطات علمای مسیحی نسبت به سنه ظهور

۱- کشیش انگلیسی لودی دی در سال ۱۸۱۵ رساله بنام راجع به مسیح نشود را رساله ظهور
ثانوی مسیح رادراین ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۵ میلادی تعین کرد و آن رساله درشورای کلیسا مردود شناخته
شد بهمین جهت کشیش مذکور را از کلیسا خارج نمودند بسختی زندگانی نمود تا در نهایت فقر و فاقه
وفات یافت .

۲- عالم روحانی فرانسوی کائوسین کتابی نگاشت به اسم مسیح حقیقت است و آنرا در سال ۱۸۱۶
منتشر نمود در آن کتاب راجع به رجعت ثانوی مسیح بین ۱۸۴۶ و ۱۸۴۵ میلادی بشارت داده و از
شدت ظلم و ستم مردم ناچار مهاجرت بسویس گردید .

۳- کشیش سویسی پطری در سال ۱۸۱۸ تالیفی موسوم به اشارات راجع به آمدن ثانوی پسرانسان
منتشر و این ظهور را در سال ۱۸۴۴ میلادی تعیین کرد .

۴- مدیر موزه دولتی کاک که موسوم به کانس پطر راجع به قرب ظهور مسیح رساله نوشته
و آنرا در سال ۱۸۱۹ در آمستردام و در سال ۱۸۲۲ در داک و در سال ۱۸۴۱ مجدد در آمستردام منتشر
کرد و آمدن مسیح را در سال ۱۸۴۵ میلادی تعیین نمود .

۵- عالم الهی ایروینک در شا تلند در سال ۱۸۲۱ رساله تالیف موسوم به کتاب مقدس مسیح
گردانید و سال رجعت مسیح را ۱۸۴۴ میلادی تعیین کرد .

۶- تسون تاکه جزو ژریت های اسپانیا بود رساله نگاشت با اسم آمدن ثانوی مسیح و در سال
۱۸۲۸ آنرا منتشر ساخت و در آن رساله تاریخ ظهور را بین ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۶ تعیین نمود ، محض
اینکه از چنگال قهر روحانیون خلاص شود از زهانیت استعفا کردو با مریکا سفر نمود و در ۱۲
نوا مبر ۱۸۴۲ در آمریکا وفات کرد .

۷- کلبر - معلم علم تربیت و تعلیم بود و در سال ۱۸۲۹ دور رساله در اشتوتکارت تالیف
نمودیکی با اسم مسیح و مسیحیان دیگری را در سال ۱۸۳۰ موسوم به کتاب بشارات اصلیه در کتب
قدسه نا میددراین دو کتاب صریحاً میگوید این انسان در سال ۱۸۴۳ میلادی ظاهر خواهد شد

۸- ویلیام میلر - بناب شهادت وارد و در کتاب مقدس ظهور مسیح را در سال ۱۸۴۴ میلادی تعیین

نمودوی درواشنگتین درسال ۱۷۸۱ متولد شد و در سال ۱۸۳۱ به تبلیغ قیام و به اسم ظهرهور مسیح مردم را بشارت میداد. تمام زندگانی این مرد وقف خدمت عمومی و تبلیغ عقیده خویش بود به این واسطه معروفیت و نفوذی در سرتاسر آمریکا پیدا کرد و در نواحی New England ایالت وسطی آوها یو میشیگان، ناحیه کلمبیا و کانادای شرقی بالغ بر ۴۰۰۰ وعظ و خطابه ایراد نمود در شرح احوال خویش چنین نگاشته تمام آمال من این بود که ارواح را بطرف خدا متوجه دنیا را بر جمعت ثانوی مسیح وعدالت و متذکر سازم و نوع خویش را مهیای لقای الهی کنم در شب ۲۳ ماه می ۱۸۴۴ خود و پیر و انش منتظر ظهور مسیح بودند که از آسمان نازل شود.

این همان تاریخ و شبی بود که حوانی تاجر دریک خانه محقر در شیرا زیرای مهمان خود ملا حسین بشرویه که یکی از تلامذه سید کاظم رشتی بود اظهارا مرفرمود و فرمود من آن ظهور موعودی هستم که جمیع کتب مقدسه قبله بشارت به او داده اند.

تفاوت بین قضاوت میلر و حضرت ملا حسین بشرویه این بود که میلر محبوب خویش را در توده خاک و بابالباب در جان پاک میحسنت هر دو در تاریخ ظهور درست رفته بودند ولی میلر بیهوده چشم به آسمانها دوخته و از خلال ابرها نزول مسیح را انتظار میکشید، ولی بابالباب آن ظهور عظیم را در عالم جان و وجود انسانی یافت استنبط علماء مسیحی نقل از مقاله حسین بک کوچر لنسکی قره باعی که چندی قبل وفات یافت گرفته شده اطلاعات و مطالعات مرحوم کوچر لنسکی بسیار زیاد و عمیق و کتاب مفصلی راجع به امر مبارک و مبشرین آن نوشته شرح حال این فاضل ارجمند را حنا ب عزیزالله سلیمانی در مصائب هدایت جلد سوم مرقوم داشته است.

شرح و تفصیل بشارات و وعده‌های کتب آسمانی در مورد دو ظهور مقدسی که در آخر الزمان ظا هر خواهند شد که مقصود ما اهل بہا هر دو ظهور ظا هر وظهور اول حضرت اعلی و ظهور ثانی حضرت بهاءالله جل اسمیها الا اعلی میباشد، بسیار است و بهمین مختصراً کتفا رفت و طالبی میتواند بآثار والواح مبارکه و کتب استدلالیه که ناشرین نفحات الله و فضلاء امر مرقوم داشته اند و همچنین کتاب مبارک مفاوضات و ایقان شریف مراجعت فرمایند.

۱- دعوت حق خاص اوست و کسانی که جزا و میخواند به هیچ وجه اجابت شان نکنند مگر چون آنکس که دست سوی آب برده که آب بدھا نش رسد اما بدھا نش رسیدنی نیست دعوت کافران بحر گمراهی نیست.

۲- مگر گویند دروغی بخدا بسته اگر خدا خواهد بقلب مهربانی خدا با کلمات خویش حق را استوار و باطل را زائل کند که وی دانای مکنوبات سینه‌ها است.

۳- ترجمه کتابی از برای آنها آورده ایم که آنرا از روی علم شرح داده ایم و برای گروهی که با ور میدارند مایه هدایت و رحمت است.

۴- چنانکه فرمانت داده اند استوار باش.

۵- ای پیغمبر آنچه از پروردگار رت بتونا زل شده (بخلق) برسان اگر نکنی پیام وی را نرسانیده ای

تاریخ زرین شهادت

ارحامم فروع ارباب

شرح حل پر فتحار حباب محمود فروهر و قریب محرر میراثان اشراقیه خامن

علیهم السلام اللہ الاکبی



نمودند... بلی مدتها بودکه این آرزو را در دل می پروراندند و پس از مرآ جعت از اراضی اقدس وزیر ارت اعتاب مقدسه آرام و قرار نداشتند تا آنکه پس از آن شب وزیر ارت لوح مبارک عزم خویش را جزم نموده و قدم در میدان مها حرث نهادند.

گرچه برخی از منسوبین با یشان تذکردادند که در آن قسمت از خارج شهر طهران از آزار مردم متعصب در امان نخواهند بود ولی پرونده عشق الهی را از حرا رات شمع بیمی نیست و بلیل گلزار معنوی را از نیش خار و خس ترسی نه آن پر و انگان بفرموده مبارک بی پروا شتا فتندو به آتش زندود رحول گل جمال آن معبدودا زلی به طواف پرداختند.

ابتدا از نیش زبان روحانی محله که بر منبر میرفت و حملات رکیک بر ضد امراللهی برزبان میراند را مان نبودند و صدای لعن و طعن بر مقدسات ایشان همواره از بلندگوی مسجد

شبی از شبها عده‌ای از احباب با تفاق جناب محمود فروهر و همسرا یشا ن اشراقیه گردیدم آمده محفلی داشتند نورانی و لوح مبارک جمال اقدس ابهی را که می‌فرمایند: "ای بلبلان الهی از خارستان ذلت بگلستان معنوی بشتابید و ای یاران ترا بی قصد آشیان روحانی فرمائید" تلاوت می‌کردند وا خمر عشق ابهی سرمست بودند تا آنکه به این جملات عالیات رسیدند که فرموده‌اند "چه شها که رفت و چه روزها که در گذشت و چه وقتها که با خرسید و چه ساعت‌ها که به انتهای آمده و جزبا شتغای دنیای فانی نفسی بر نیا مدعی نماید تا این چندین‌سی که باقی مانده باطل نشود و عمرها چون برق می‌گذرد و فرق‌ها بر بستر تراب مقر و منزل گیرد دیگر چاره‌ای زدست رودوا مورا زشست... الى آخر بیانه".

همه در بحر تفکر فرورفتند که برای خاطر مبارک چه اقدام و حرکتی ممکن و عملی بلکه سهل تر و موفق اوضاع و احوال ایشان خواهد بود ولکن چون به این قسمت رسیدند که می‌فرمایند:

"ای پروانگان بی پروا بشتابید و به آتش زنید و ای عاشقان بی دل و جان بر معشوق بیا ئید و بی رقیب نزد محبوب دوید گل مستور بیا زار آمدبی سترو حجا ب آمد"

ناگهان آتش عشق در قلب اشراق و محمد و آن عنده لیبان گلشن انس چندان فوراً نمود که قصد طیران بستان الهی کردند و باعزمی را سخه حرث و خدمت در سبیل ارشاد را اختیار

سعی وکوش اعداء بجائی نرسید بلکه بر
فشا روز جرشان افزودن دولی آنها چون شهادی
دوران مطالع الالوا رو شهدای جان باخته
دیگرا ین عصرا ظها ردا شتنده اگرا ین خون
نا چیزقا بل با شدکه در سبیل یا رریخته شود
چسعادتی اعظم ازا ین و با لآخره همچنانکه
در این عالم وجودشان بیکدیگر با زنجیر
محبت مرتبط بود در میدان شهادت نیز بهم
آمیختند.

باری هزاران با رشکر جمال اقدس ابهی
را که این دونفس مقدس نیز از بوته امتحان
چون زرخالص رخ بنمودند و بنا بر بیانات
مبارکه در حديقه بقا لانه و آشیانه نمودند
و در جنات فردوس با طیور قدس دمسا زوهـم
آوا رگردیدند زیرا بفرموده حضرت ولی امرالله
"مرعظیم است عظیم و حوا دش بس خطیرو حسیم
صر صرا متحانش شدید است و صراطش احد از سیف
حديد جنحال با ذخه و اطاوار شافحه مقاومت
ریح عظیم نتواند و جزا قدا مثابته مستقیمه
از این منهج قویم نگذرد." (توقيع مبارک
نوروز ۸۸ بدیع)

جناب محمود فروهر و همسرا یشان بانو
اشراقیه هر دور خانواده بهائی تولد شدند
و در این مادرانی مومنه پرورش یافتند
محمود در سال ۱۲۹۶ شمسی در آباده متولد
شد پدرش آقا شکرالله فرزندیکی از مومنین
آباده بود بنا معلى عسکر که چون ایشان از
امرمبارک مطلع شده موارد در طلب معجزه ای
بود تا آنکه بدون اینکه بکسی اظهار کند
در قلب خویش نیتی کرد و برای اثبات و
حقانیت این ظهورا عظم درانتظار معجزه ای
بود تا آنکه پس از مدت چهل روز آن معجزه
بوقوع پیوست و لوح مبارکی از ساحت حضرت
مولی الوری خطاب با و در حقانیت جمال
مبارک و در جواب خواسته قلبی او و بدمتش
رسید. لوح مبارک "یا علی عسکر" را بر دیده

بلند و قلب ایشان را جریحه دار میکرد و لی
پس از مدتی آن صد اهات تخفیف یا فست
ودوستانی دیگر در آن نواحی مقرگزیدند
و محفل مقدس روحانی تشکیل شد و بكمک
یکدیگر خدمات فائقه موفق گردیدند. اما
چون پس از جنده سال انقلابات ایران و حمله
اعداء نزدیک شد پیا مبستگان را که اصار
برخروج از وطن داشتند پذیرفتند و ترک
دوستان و خروج از گلزار خدمت آستان الهی
را اذنبی اعظم دانستند و چون برای بازدوم
سعادت تشرف به اعتاب مقدسه را یا فتنه
بیشتر مصمم بماندن شدند و با لآخره پس از
فرستادن پیا ماینکه "ما جان در کف نهاده ام
و تسلیم بر رضای الهی هستیم فقط برای ما
دعای کنید که از بوته امتحان سرافراز خارج
شویم". خود را در بندانداختند و گرفتار شدند
مگرنه آنکه در آن لوح جمال اقدس ابهی
فرموده اند "ای بلبلان فانی در گلزار ربا قی
گلی شکفته که همه گلها نزدش چون خا روجوهر
حمل نزدش بی مقدار پس از جان بخوشید
واز دل بسروشید و از روان بنوشید و از تن
بکوشید که شاید ببوستان وصال در آئید
واز گل بی مثال ببؤید و از لقا بی زوال
حیله برید."

آن بلبلان گلزار الهی آنقدر مشتاق و ورود
حديقه بقا و بؤیدن گل بی مثالش بودند
که نیش خا ررا به چیزی نگرفتند و سینه بر
خا رنهاده از خمر عشق الهی نوشیدند و چون
ضریبه ها و مصائب لاتحصی بر پیکرشان وارد
می آمد همچنان با ذکر معبودا زلی و محبوب
باقی دمسا زبودند.

مدتی بیش از نه ما ه هرچه ا صرا رور زیدند که
بر ضد محبوب سخنی گویند و در عقا ئددیرینه
نمایند در کمال شحاعت ابرا زدا شتند: که
وا اسفا چرا چنین میگوئید عشق محبوب در رگها
و عروق ما در جریان نست چگونه چنین توقعی
از ما دارد.

حقانیت امر جمال اقدس ابھی را از بان
آن نفوس مقدسه میشنیدند و چون والدین
آنها از سفر ارض اقدس وزیارت مولای محبوب
با زگشتن در بنا را شتعال پدر آنجنان افزوده
شد که در آتش عشق معبد میساخت و میگداخت
تا آنکه بواسطه تشکیل آن محافل تبلیغی
دست گیر شدو چون کتبای " بهداشت دیانت
بهائی اقرا رکرده جرم بهائیت محاکوم و محبو
گردید تا آنکه پس از چندی با کمک دولستان
متنفذ و صمیمی از زندان پرتاب خلاص گردید
ولی مصاب زندان در قلب او که اسلامتی
کامل برخوردا رنبوتای شیر فراوان باقی
گذاشت و مدتی بستری بود تا پس از چندماه در
اسفند ۱۳۱۷ در سن چهل و دو سالگی بملکوت
ابهائی شتافت و همسرفدا کارش را با پنجم
فرزند بزرگ و کوچک تنها گذارد.

اما همسر جوانش درخشندۀ * خانم که در دادا مان
ما در خادمه و پدری مومن و مخلص جناب
میرزا یوسف وحدت از متقدمین و خادمین امر
شهر کاشان تربیت یافته بود بنا بر وصیت
شهریار تشکیل محافل تذکر متعددندای امر
اللهی را بگوش اغیار سانید و همچنان
اجتماعات امریه را در منزل خویش پذیرفت
و در تربیت امری فرزندانش کوشید تا آنکه
یک سال و نیم بعد ختر بزرگتر بعقدوازدواج
جناب روحی اباب در آمد و پس از مدتی قلیل
که از ساحت اقدس دستور مهاجرت به شهرهای
ایرانی صادر گردید اهل خانواده با تفاق
به تویسرکان هجرت کردند ولی متسافانه دیری
نپائید که محبور به بازگشت شدن دوازرا قیه
در طهران از دبیرستان نوربخش فارغ التحصیل

نهاد و در تهایت اشتعال اقبال امراللهی.
نمود. با رای آقا شکرالله پسرا یشان نیز
فرزند خلف بود و خادم امرالله تا آنکه پس
از ازدواج با دوشیزه مومنه مخلصه ای دارای
چهار فرزند شدولی متسافانه در سنین چهل
و دو سالگی بعالما لاشتافت. آن ام موقنه
سلطان خانم که در سنین جوانی شوهر ویک
دختر جوانش را از دست داده بودیکی از پسران
جوانش نیز پس از چند سال صعود کرد و تنها
 محمود و دختر دیگر شدلبر خانم برای او باقی
ماندند که هر دو در دادا مان پرمه رما در در ظل
امرالله پرورش یافته اند.

گرچه مصیبات وارد برصحت وسلامت آن خانم
لطمه شدیدی وارد آورد ولکن با داشتن ایمان
قوی و معلومات کافیه امریه تشکیل محافل
و مجالس را در خانه خویش ادادا مدداد و روز
بروز بزر روحانیت افزوخت بملکوت اللهی
صعود کرد.

اشراقیه در سال ۱۳۵۳ شمسی در طهران
متولد شد و چنانکه جناب فاضل ما زندرانی
در حله هشتم کتاب ظهور الحق مرقوم فرموده
پدرش آقا میرزا شعبان میثاقیان از مومنین
دلباخته امراللهی بود که منزلش مرکز
تشکیل محافل و مجالس و کلاس های درس اخلاق
و محافل تبلیغی پرشوری بود که اشراقیه
و خواه بزرگتر شد سنین کودکی و نوجوانی
شاهد رفت و آدم مبلغین عظیم الشانی چون
حناب فاضل شیرازی و حناب علوی و فاضل
ما زندرانی و حناب الفت و مبلغین دیگری
بودند و عظمت امراللهی را میدیدند و دلائل

درخشندۀ خانم میثاقیان که ساکن امریکا هستند گرچه بواسطه داشتن کسالت گرفتاری اشراقیه
و محمود بیان اطلاع داده نشده بود ولی مرتب به اطراقیان اطها رمیداشت که اگر بدانم خون
فرزندانم برای پیشرفت امر مبارک ضروری است منهم بسهم خود را ضی هستم و پس از شهادت ایشان
چون قلب احسان آن واقعه دلخراش را میکرد مطلع شد و عجب آنکه قطره اشکی هم از چشمها نش نیفتاد
 بلکه هزاران با رشکر جمال اقدس ابھی را نمود که فرزندش قربانی این آئین اعظم شده.

را بر طرف می ساخت و اشراقیه به تربیت کودکان و تعلیم اطفال مهاجرین می پرداخت و در ضمن با تفاق خانم محمودی و خانمهاجر* دیگری در لجنه ملی اماء الرحمن که در طهران تشکیل می شد مشغول بخدمت بود و برای رفع قبیلی اماء الرحمن اطراف طهران با تفاهم مجاہدت می کردند و در ضمن ندای امرالله را بگوش مشتاقان میرساندند تا آنکه در روز اول ماه اگوست ۱۹۸۱ میلادی مطابق تاریخ ۱۳۶۰ شمسی اعداء بد رخانه ایشان رفته و آنها را از منزل برون کشیدند و موالشان را مصادره وایشان را زندانی نمودند مدت نه ماه و چند روز در زندان بمصائب و بلا گرفتار و سپس هریک را چندماهی در زندان دیگر با شرائط سخت تر تحت فشا رو شکنجه و زجر شدید قراردادند و به تبری و انکار اصرار داشتند ولی چون هیچیک از امرالله تبری نکردند و با سرافرازی تن به تیر گذاشتند ابدان نیمه جانشان را در روز هشتم می ۱۹۸۲ مطابق هفدهم رجب بهشت ۱۳۶۱ شمسی اعدام و تیرباران کردند... آری خاک را با خون مقدسشان گلگون ساختند و بتاریخ شهادت یک ورق دیگر افزودند و مصدق بیان مبارک واقع شده بکرو بیان عالم بالای پیوستند اینست قسمتی ازنا مهای که از دوست عزیز و همکار اش را قیه که از زدیک شاهد خدماتش بوده رسیده که عیناً درج می شود.

"... منزل این دونفس زکیه مرکزا جتمع بودا ولین محفل درخانه آنها تشکیل شد حدود نه سال تما مخانم فروهر رئیس محفل و آقا فروهر این صندوق محفل بود.... بدیهی است در تما ممحافل روح صمیمیت و یکرنگی وجود داشت و بجرات میتوانم

شد و آقای محمود فروهر نیز که پس از اتمام تحصیلات متوسطه چندی در شیراز و سپس در آبادان ب تحصیل زبان انگلیسی پرداخته بود در بانک شاهی طهران مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۲۴ شمسی آن دو طی رآ شیان الله ازدواج کردند و پس از مدتی جناب فروهر به استخدا مشرکت نفت در طهران درآمد و چیزی نگذشت که در اثر سعی و مجاہدت با خذلیسان حسابتداری از یکی از دانشگاه های آمریکا نائل شد.

گرچه خداوند در وايل ازدواج فرزندی آنها عطا کرده بود ولی طفل ب شمرن رسید و بنا بر حکمت الله دیگر صاحب اولادی نشدن دواين امر باعث شد که آبادانه بخدمت پردازند و اشراقیه در کلاس های درس اخلاق برای تعلیم بکودکان بیشتر مجاہدت ورزد.

آن دو طی رآ با رشته محبت الله آنجنان بهم متصل بودند که هیچ کدام را یارای جدا ای از یک دیگر نبود و شرکت در تشكیلات امریمه هیچگاه اشراقیه را از پرستاری همسر عزیزش بازنمیداشت و آرزوی هجرت را هر دو در دل می پروراندند تا آنکه آقا فروهر تقاضای بازنیستگی از شرکت نفت نمود و پذیرفتنه شد و چون شهرکی بنا مگوهر داشت در خارج شهرستان کرج ساخته شد در سال ۱۳۴۹ شمسی آن نقطه نقل مکان نمودند و سپس شهردان فی سبیل الله جناب هوشنگ محمودی و بانو ژینوس محمودی و چند خانواده دیگر بانها پیوستند و در رضوان ۱۳۵۰ شمسی محفل مقدس روحانی گوهر داشت تشکیل شد و ایشان علاوه بر آنکه در عضویت محفل بخدمات بر جسته ای موفق بودند آقا فروهر ب محافل اطراف سرکشی می کرد و مشکلات احباء قراء و قصبات اطراف

از لحاظ حکمت از ذکرنا م ایشان خود را می شود زیرا هم اکنون ساکن آمریکا است و صورت نامه ژینوس محمودی را توسط ایشان دریافت کرده و خواهیم آورد.

فقط دونفر از دخترها توانسته‌اند یادداشت
بدهنند و بگیرند و در تنها یادداشتی
که همان اوائل از داخل آوردندا شرافق
عزیز بعضی وسائل را خواسته بود که هیچ
کدام از آنها بدرد خودش نمی‌خورد آن احساس
و حالت قشنگ او که تما م وجودش برای
دیگران بود و برای خودش هیچ نمی‌خواست
حتی در آن لحظات سخت هم با اوست و میدانم
که مرهم‌دل ریش خسته‌دلان است همان رفتار
خانمی و کددخدا منشأ نه برای رسیدگی و کمک
بديگران اورالحظه‌ای بي کار نمي دارد.
خوشابحال آن‌که از محبت شبانه روزی او و
برخوردا رند".

سپس آن دوست عزیز مینویسد آری لا بد اشارق
در زندان هم با صدای ملیحش گوش زندانیان
را با منا جاتهای صحگانه نوازش میداد.
همچنین جناب فروهر و شهدای دیگران بین عصر
که مدتی از جا مبلغ امرز و بودند بفرمیند و
حضرت مولی الوری با سروری منتظرها به مشهد
فاداشتا فتندو علم شهادت کبری افراحتند
ولولهای در آفاق انداختند و قلوب صافیه
را بنا را حترا ق گذاختند و فتر عشق گشودند ...
الی آخربیانه الاحلى "

اقرا رکنم که هر وقت در محفل گوهردشت شرکت
داشت آنچنان همگی سرمست و شا دبودیم
که سرازپا نمی‌شنا ختیم براستی که هریک عاشق
دیگری بود

اشراق برای ما تنها دوست نبود خواهی
و غم خوا روغمگسا ربود. اول حال مشکلات فرد
فرد بود و قدرت روحی واستقامات اوضرب
المثل بود محرم را زهمه بود در خانه شان بروی
یا رواجیا ربا زبود کمتر کسی بود که از محبت
آنها بی بهره بود.

او آخر دوستان پیشنهاد می‌کردند که شما سفری
با مریکا کرده وفا میل و دوستان زیاده رید
خوبست دراین موقعیت مجداً دنردا آنها بروید
هرگز نپذیرفتند و بلالا بجان خریدند و در آخرين
نامه‌ای که از شهیده عزیز شیراز دوران ژینو
نا زنین داشتم که چندما هی از گرفتاری
ایشان گذشته بود نوشته بود.

"از روزی که اشارق عزیز و همسر بزرگوارش
رفته‌اند یعنی آنها را برده‌اند روزی نیست
که از یادشما و آن الفت‌های بهم‌بسته‌غافل
با شم‌چه قسم‌تهای عجیب و غریبی و چه احساسهای
ناشناستی عزیزان شما گرفتا ربا شند و شما
نتوانید حتی کوچک‌ترین کمکی با انها بکنید
 فقط دستان بآستان الهی بلند باشد
که خدا یا آنها را حفظ کن
تا کنون نتوانسته‌ام آنها را به بینم

شرح حال حسین ده مجیده خانم زرین مقصی علیها بحث آئند

از آقای دکتر یاهن قدیمی

نقش هرنگمه که زدراه بحائی دارد
که خوش آهنگ و فرج بخش هوائی دارد

نماید آخشدل اورا میشنا سمو میدانم که طاقت
ندارد.

اینها را به نمونه و مثل مینویسم و لاسیرت
اوکتابی زرین است که با یادبا قلمی در حدد
وصفح تحیرشود.

بعد از پایان دوره چهار رساله کلاس‌های
معارف امری، عازم هجرت به ایانه گردید
وموقع خدا حافظی بسته‌ای به هدیه دریافت
نمودتا در دیا رهارت مفتوح و ملاحظه نماید.
افسوس که دولت قبل از انقلاب اجازه اقامت
وکار در آن قریه را ندادندوا و مجاز نگردید
در آن نقطه بمانندو آرزوی قلبی خویش
که خدمت در نقطه‌ای مهاجرتی بود بررسیدو
ناچار به شیراز رفت و در کوچه بیت مبارک
منزل گزید. آن بسته هنوز در اطاق مادر
است و باز نشده.

در شیراز غصه محرومیت از هجرت بر قلب
لطیف شنگینی می‌کردوا از رقاائمش پیدا بود
که بسا بر خدمات راضی نشده و در رنج است و خود
را ملامت می‌کند و بر احوال همکلاسیها یشن در
آفریقا و جزا از بعیده دنیا غبیطه می‌برد تا شبی
پس از گریه وزاری باستا ن حضرت با ریخوابی
دیدکه اورا میدوا روم منظر گردانید. این
نقل از خودا وست: " در عالم رویا دیدم که
حضرت بهاء اللہ به بیت مبارک شیراز تشریف
فرماده اندوتاما احبابی کوچه بزیارت می‌رو
منهم رفتم و لی حرات داخل شدن را بذاشتیم
دم در بیت مبارک ایستادم جمال قدم
حل اسمه لاعظمر را دیدم که همه احبابیک یک جلو
رفته زیارت کرده خارج می‌شوند. همه رفتند
و دیگر کسی نبود و من همانطور کنار درایستاده
بودم. بعد دیدم که حمال مبارک برخاسته

مطرب عشق عحب سازونوائی دارد
عالما زناله عشاقد می‌ادا خالی

از این عبده خواسته ایدکه شرحی درباره
زرین، دختری که ناش برصغیره گیتی و دفتر
تاریخ زرین گردید، بنویسم. اطاعت می‌کنم
و بعرض میرسانم که آن جوه رعشق وایمان و آن
گوهر تابناک دوران ۲۸ سال قبل، در اول
شهریور ۱۳۴۳ در این بیانه که قریه‌ای زیبا بردا منه
کوهی بین اصفهان و کاشان است متولد گردید
و بعداً زده هفتاد و آغوش ما در بطهران با زگشت
و تا ۱۳۶۲ سالگی که لیسانس خود را در ادبیات
انگلیسی گرفت در بطهران ماند و در این دوران
بودکه چهار رساله کلاس ما را بقدوم خودش مزین
فرمود و هرگز بیانداز رام که جزو تواضع و روحانیت
علقه به تحصیل وجودیت - ادب و ملایمت حسب
و حیای مفرط از اودیده باشم. خواه -
بزرگوارش سیمین خانم حکایت می‌کنند که
در کودکی نیز عشق عجیبی بتحصیل معارف
امری داشته بحدی که بکاره بعلت بر فر
سنگین و بسته شدن راهها و توقف وسائل نقلیه
با ویشنها دمی‌کنند که در خانه بمانند درس
اخلاق نرود، زرین ۱۲ ساله گریه می‌کند و می‌گوید
"اگر بخاطر برف به درس اخلاق نروم چگونه
در آن تیه بخدمت پردازم".

اولین درس‌های عشق را از بدر و ما در ش
آموخت و چه خوب قدر آن دورا دانست که
در پانزده سالگی در گوش دفترش مینویسد
.... اگر آدمها خودشان پدر و ما در خویش را
انتخاب مینمودند، من از کجا چنین پدری را
پیدا می‌کرم و تازه اگر هم پیدا می‌کرم ممکن
بود بعد الت اورا بمن ندهند. و در آخرين
روزهای قبل از شهادت هم زندانی خویش و صیت
می‌کند که بگوئیدا حدی برایم سیاه نپوشید و گریه
نماید حزم ادرم که حق دارد کمی گریه

با ورم نمیشود حنا ب فرنوش استادگر انقدر
ماحال است ادامه ایشک است ... " درنا ماهای دگر
مینویسد " هنگام عجیبی است ، از سوئی آتش
هران است و غم فراق و دوری - و از سوئی
شجاعت است و عظمت است و جان بازی - از
ظرفی یاد آن رویهای جون مهتابان آتش
بدلها میزندوا زطرف دیگر تماشای عشق بازی
بل پاک بازی آنان وجود را غرق حیرت میسازد
گویا دوباره عصر رسولی است وزمان
قهرمانان نبیل که فریاده می‌نمایند من ناظرینظری
را در گوش مدهوشان باشه غفلت طین اندار
میکنند - هرگز با ورم نمیشود که در طول حیات
خود چنین وقایعی را شاهد باشم " .

بگذاشید من خلاصه مذکرات هشتاد
وهشتادین لحنه حوانان شیراز ، بعد از
شها دست حضرت دهقانی و حضرت انسوری
روحی لمظلومیت‌همال الفدار اکه بقلم زرین
است برای شما بنویسم تا هم خلاصه مذکرات
لحنه‌ای را به نوعی متفاوت با آنچه متداول
است خوانده باشید و هم به رویهای زرین
عزیز بهتری ببرید :

" هشتاد و هشتادین لحنه حوانان در روز
دوشنبه ۱۵ شهرالعلاء مطابق ۱۲۵ سفندماه
در ساعت ۰۵:۱۵ دقیقه بعد از ظهر باتلاوت
مناجات شروع و رسمي گردید . هشتاد و هشتادین
لحنه حوانان من دون استحقاق سعادت آنرا
یافت که در قلب تاریخ قرار گیرد و طی پیش
سرخش را با چشم نظاره گرباشد . اگر تا آخر
عمر سرشار بدرگاه جلالش بسانیم و اگر تک تک
سلولهای وجود مان حمدوسپاس شود هرگز
شکرانه‌ای را که در خور و لایق چنین سعادتی
باشد بجای نخواهد آورد . مگر ما ذرات لاشتی
، مگر ما خاکیان بیمقدار ، مگر ما پرندگان
بال و پر در گل اوها م وطنون فروبرده ،
لیاقتی داشتنیم که حمال مبارک گوشه‌ای
از عظمت عظیم ترین واقعه تاریخ را بمنا
بنماییم - گوئیا منادیان عالم غیب

و خواستند که از پله‌های بیت مبارک بالا
بروند - در دل گفت مخدای من وای بمن که حتی
حا لاهم که فرصت بود لیاقت نداشت که به زیارت
نائل شوم . ناگهان حمال قدم روی مبارک را
برگرداند و بمن اشاره فرمودند که داخل شوم
به حضور مبارک رفتم . من را در آغوش کشیده
سرم را بر سینه مبارک نهادند و دست بر سرم
گذاشتند فرمودند چرا آنقدر نا راحتی ، بالآخر
به آنچه میخواهی خواهی رسید و بعد از خواب
بیدار شدم . " سیمین خانم مینویسد : بعد از
این خواب زرین آرام گرفت . بعد از انقلاب
اخیر زرین با هر شهید کشته میشدو غسان
با سمان میرسانیدا ما بعد از شهادت استادش
حضرت فرنوش روحی لعظمیم ولائه الفداء درس
فدا گرفت و گوئی تصور نمود که با یادتا سی
نما یاد و در چکا مهای که در رثای استاد سرورد
این مرصع را بترجیح معانی قرارداد " چرا
از امتحان با یادکه و حشت داشت " .

زرین در بحبوحه اسارتها و شهادتها
وبی خانمانیهای احبابی شیراز ، معین
هرست مدیده و ظهیر هر مصیبت کشیده و مساعد هر
بلادیده و معاوضه هر رنج کشیده گردید و در
حالیکه داخل معرکه بود و قایع را نوی دگر
تعییر مینمودوا ز حوا دث بطرز دیگری نتیجه
میگرفت و از مجموع آنها در خود حال تی جدید
ملاحظه میکرد . مینویسد : " دکتر عزیز و بسیار
مهریان ناقوسهای شهادت یکی پس از دیگری
نوآخته میشود ، یاد می‌آید در بحبوحه زمانی
که همه در خواب بودند چگونه شماندای
بیداری مینواختند و ما بیدار نمیشیم ما
حال حمال قدم را راهده کرده اند که این کار وان
خفته را بیدار کنند و ناقوسهای شهادت
را چه محکم و پر طین میکویند . حس میکنم
که آنچه را تا حال آموخته مدرقاً لالفاظ
و کلمات بوده و تازه دارم معنا یش را در می‌بایم
- تازه معنای تاریخ را می‌فهمم - حس میکنم
که با یددوباره از نوایمان بیا ورم - وای

حوالی که عظمت امر حمل القدم را شنیده بود
اما ندیده بود، حماسه‌های فدار اخوانده بود
اما ملمس نکرده بود. آغازی بود برای
نسلهای کمازپی خواهند آمد تانا منا می‌
شهدای شیراز انوری و دهقانی را بخوانند و
بدانند که شر ارعش راهیچ آبی نمی‌افسرد
ونا رمحبتش راهیچ تنبا دی خا موش نمی‌سازد
تابگوش جان ندای ملکوتی شهدای شیراز
را خطاب به محبوشان از مکا من قرب بشنوید
که

نازنینی چون ترا دلداده‌ای با یاد چومن
عشق را عالم‌سوز با یاد حسن عالم‌گیر را
زین با رزویش رسید و خواش نیز تعبیر
گردید: در آذرسال قبل به مرأه پدر و مادر
خانه به تاراج سپرد و منزل به سجن کرد
ومی‌همان خوان بلای حضرت مولا گردید...
از وقایع سجن کدام را بتویسم. یک سینه
حرف‌دارم و عالمی سخن ولی از ترس نتوانم
چغیدن. فقط اشاره می‌کنم که زینب اسراء بود
وزینت شهادگشت و روز شنبه ۲۸ خرداد امسال
برابر ۱۸ جون ۱۳۷۴ حکم محکمه شرع در شیرازه
تا سی به حضرت روح فرمودوا ز فراز دار بارگا
دادا رشتافت...

وقتی مادر داغدیده اش خبردا رگردید
بسمت زندان عادل آباد دوید و داخل سردهخانه
احساس دارد. حسم لطیف‌ده خانم و دخترهاش را که
با آنها هم‌سخن بود کنار یکدیگر ملاحظه نمود
که یکی از آنها دخترش زرین بود.
می‌گوید "بدن سردا و را در آغوش کشیدم و گونه‌ام
را بر گونه لطیف‌ش گذاشت و بجای شما پدر و
برادر و خواهرهای طناب را روی گردن ظرف
ونازنینش بوسیدم - صورتش بسیار طبیعی
و آرام بود که گوئی این بار راضی شده بود که
خدمتی "انجا مداده است.

قسمت نگر که کشته شمشیر عشق یافت
مرگی که زندگان بدعا آرزو کنند

دست ما را گرفته و از میان با صلاح‌گرفتا ریها
ادا ریمان که بخیال خا ممان گمان می‌بردیم
"خدمت" است بیرون کشیدند و درگوش ما ندا
کردند که اکنون نگاه کنید عظمت جمال‌قدم
را، نگاه کنید خدمت را، استقامت را، شجاعت
را، شهامت را و با لآخره بنگردید شهادت را.
خدای من چطور با ورکنم - من فقط از زبان
افسانه‌های نبیل قصه‌های حانبازی را شنید
بودم - من خیال می‌کردم با یاد از دروازه‌ها
تاریخی ۱۳۷۶ ساله بگذرم تا بتوانم دریا بام
جان‌فشنی چه معنایی میدهد. ناگهان اراده
کرد و من سرفدار ابه چشم دیدم. با ورکنید
که من ملکوت ای را به چشم دیدم. ملائکه
مقربین بر آن پیکرهای آسمانی گلمی‌افشاند
و صحن آن گلستان را رشک با غ جنان می‌ساختند
ترا نه ساز غیب‌ندا می‌کرد "و جمالی تختب
شعرک من دمک لکان اکبر عنده عن خلقا لکونین"
بدون شک آنجا گوشده‌ای از ملکوت ابهی بود.
پرسش نوشته بود "مگرمی‌توان سپیده را
صلیب‌کشید" وما دیدیم تلاش سفیه‌انه سفیران
ظلمت را که در صلیب‌کشیدن سپیده، نورش
راتا آنسوی افق‌ها تا باندند - سپیده‌ای که
از افقی دور سر زد و در شیراز بطلوع آفتاب
بدل شد و از طلاقیش تا آن طرف دریاها و
کوهها تا بید.*

هشتاد و هشتمین لجنه‌جوانان با سال‌روز
شهادت شهدای سبعه طهران مصادف بودا مان
با شهادت شهدای شیراز قرین و همزمان شد.
افتخار آنرا یافت که فرزندیک شهید را در
میان داشته باشد شرحش را باید باقلام
سرخ نوشت و در لابلای اوراق طلائی تاریخ
ثبت کرد.

هشتاد و هشتمین لجنه‌جوانان هرگز خاتمه
نیافت بلکه پایا نشیک آغا ز بود رای نسل

*بنظر میرسد منظور حضرت دکتر را نوری هستند که
اهل یزد بودند و در شیراز شهید شدند و منظور از
فرزند آن شهید پسر بزرگوار آن حضرت است.

من ز عال آبادیم

نامه شیخ مجید حام زیر نویسنده



چه بنویسم و چطور بنویسم که آنجا کجاست به چه زبانی توصیف کنم که آنجا چه دنیا ای است و کدا مکلام و کدا معبارت قادر است بیان کند که من با چشم‌های ناچیز خاکیم‌چه دیده‌ام؟

چشمها یم را برهم میزند تا ببینم آنچه دیده‌ام بخواب است یا بیداری یک روایی شیرین است و یا یک واقعیت تلخ. من امشب از عادل آبادمیا یم آنجا که منزل رندان پاک باخته و پروانگان پرسوخته آتش محبت است. آنجا که درمیان دیوارهای بلند و سنگین روح‌های عظیم تراز دیوارها یش را به بندکشیده‌اند. آنجا که از تک تک سنگها یش فریاد می‌شود و اعجاب بلند است. حیرت از شجاعان قهرمان ملکوت. حیرت از عظمت جانبازی شیفتگان.

حضرت معیود. قهرمانان گمنامی که فریاد خواهان از دیوارهای بلندسجن ظالمان گذرکرده و روزی خواب غافلان از خدا بی خبر را خواهد آشافت و جهان را بیدار خواهد کرد. من امشب از عادل آبادمیا یم از مکان مقدسی که در عین اینکه منفورترین و دورافتاده‌ترین مکان این شهر است در عین آنکه مکان سارقان و قاتلان است مقدسترین مکان این دیار است. دلم میخواست از دیوارها بپرسم که چه دیده‌اید؟ برا یم حکایت کنید برایم از شب زنده‌داریهای عاشقان بگوئید برایم از زمزمه‌های محبت برایم از ترانه‌های ایثار برایم از طبیش آخرین لحظات قلب پاک یک عاشق بگوئید هنگامیکه بسوی میدانگاه رسپاراست بمن بگوئید که آنجا چه گفته‌اند زمانی که بمشهده‌داشت افتندبا من از زمزمه‌های دلکش مناجاتی بگوئید که در سحرگاه از لابلای میله‌ها بگوش میرسد و قطره‌اشکی که آرام آرام برگونه‌ها میچکد.

من امشب از عادل آبادمیا یم. من از دیدار عاشقان می‌ایم. از دیار دلباختگان مبتلا می‌همان بزم بلاز من می‌رسید که چه دیدم بپرسیدتا بگویم که فروع سرکش ایمان را در چشم‌های آن عاشق دلباخته دیدم زمانی که با غرور سرش را با لادرفت و گفت دیدی آخربه آرزویم رسیدم. من به سیما ای خیره شدم که ازانوا را ملکوت روشن بود. حس کردم که باندازه ذره‌ای ناچیز پست و حقیرم. احساس کردم که رایت پر صلات است مرش را این قهرمانان خاوش بر شانه‌های خسته اما امیدوار خودنگاهدا شتماند. احساس کردم که ما تماشاگران ناچیزی بیش نیستیم که فقط نظره گراین صحنه باشکوه هستیم و توای مسجون شیدای مفتون کی وچه هنگام این چنین عاشق و بی قرار شدی؟ شعاع پر فروغ دیدگانت از کدام خورشید است که من اینسان ذره صفت در مقابله احساس حقارت می‌کنم؟ تو از ترا رکدان عاشق راستینی که این چنین

سوختن و افروختن را ما هر آموختی ؟ تورا دیدم آنجا پشت شیشه‌های بسته‌که سرت
را با غروری آمیخته با تواضع با لادرفته بودی و دستها یت را بعلامت پیروزی تکان میدادی . تو
پیروزشده این را با اولین نگاه از چهره ات خواندم و دانستم که تو یافتی تو شناختی
و کاردل ساختی دانستم که :

عالقلان خوش چین از سرلیلی غافلند کاین کرامت نیست جزمجنون خرم من سوزرا

من امشب از عادل آبا دمیا یما زمکان مجنونان خرم من سوخته و حبیبان چشم بر قضا محبوب
دوخته . من از مرز زندگی و ابدیت از نهایت ظلمت و بدا یت نورا زحفاً صل جهان
خاک و عالم ملکوت می‌ایم .

و توای رهگذر اگر زمانی از آن مکان گذرکردی لحظه‌ای در نگ کن و به آن دیوارهای
بلندسنجی خیره شو و بان دروازه‌های آهنی نگاه کن سپس چشمها یت را ببند
و گوش هوش فرادرد تا از تک تک سنگها این زمزمه را بشنوی .

بردرگه دوست چون رسی گولبیک
کان جانه سلامراه داردنه علیک
این وادی عشق است نگهدا رقدم
این ارض مقدس است فالخ نعلیک



إِمْتِيلَنْ

شیراز شهدۀ مجده خانم نزتن مفشمی

صدای پای استادا زکلاس درس می‌آید
نفس درسینه‌ها حبس است و دلها در طپش
کنون آماده با یدشیرای امتحان یا سرزنش
که را نوبت بودا زدیگران برتر
نمی‌با تو ویا شاگرد ددیگر

سراپای وجودا و وقا راست و سکون، صبرا است و اطمینان
 بدورا زهای و هوی و قیل و قال روزگاران
 گامهائی استوار و مطمئن و بس رسادارد
 توگوئی اونظر برحا یگاهی فوق این محنت سرا دارد
 نگاهی سخت گیرا داردو نافذ
 که می خواند چشم ما تما مخوانده و ناخوانده ها را
 دوچشم پر محبت را به شاگردان خودمی دوزدو
 اینگونه او آغا؛ صحبت میکند:

چرا ازا متحان با يدکه وحشت داشت
شما درا ین دوراهی جهان
با يدکه راه خویش را پیدا کنید
بسوئی جلوه پر زرق و برق این جهان است
نشانش کامرانی
وعیش وشا دمانی
بظا هرنور رحمت
ولی باطن سرا سرغرق ظلمت
ودرسوئی دگر راهی پراز محنت
نشانش پاکبازی
بلدا عشق بازی

بظا هرنا رونقمت
ولی پا یا ن را هش فخرو عزت
چراغ را هتنا گنھینه گفتار آن محیوب بی همتا
وزاد توشه تا ن عشق جمال اقدس ا بهی
شما با یدکه بر بندید محمل را و دریا بیدراه خویش را .

صداي گرمش انگارا زملائک ميدهد پيغا م
طنين گفته هاي او زيا دم مي برد بودون بود مراد
و من محوسخنه يش مي انديشم
چه خوشبخت و سعا دتمنداست آن ره رو
كه در پايان اين راه پرازخا رمغيلان
خسته ووا مانده، بيند آن طلائي منزل مقصود را
بخودمي آيم اما
اين کلاس درس و
آن استادو

با زما متحان در پيش
پره راس و مضطرب در زير لب آرام نجوا ميكنم
چرا با يد كه بر ما سخت گيردا ينهمه
بيگمان هرگز نهی کردا متحانی اين چنین دشوارا گر
استاد
"يک روزا متحان ميداد"

از پس گردو غبار سالهاي دور
خيره ميگردم به تصويرش درون قاب
با ز آن لبخندجا دوئي، همان چشمان نافذ، آن صداي پرطنين
با زا ندرزو ملامت ز آن کلام دلنشيز
اشك در چشمان وبغض در گلو، انگشت حيرت بردها ن، فريادي از دل ميکشم
اي خدا استاد من استاد جمع قدسيا ن شد
همنو با نغمه لاهوتيا ن در بزم عيش جا ودا ن شد.
سينه بي کينه را بر تيرهاي کين سپركرد
قلب سوزان ز آتش عشق به سارا
ز آتشين رگبا رنفترت با راعدا اپر شر رکرد
از براي خيل عشا ق جمالش
از کهن افسانه عشق و شهادت
نغمه هاي تازه مستانه سرکرد

او طلائي منزل مقصود را دید
او صفييري از فراز عرش اعليش به گوش جان شنيد و
با نداي آن صغيرا ين مرغ عاشق
از سرای خاک تا منزلگه افلاك را
در طرفه العيني پريد

ا وسرا نجا م ا زمدا دسرخ خون خویش
 برطلائی برگهاي روشن تا ریخ
 بهرشاگردا ن خود
 آخرين اندرزرا بنگاشت
 که ما شيدا ئيان روی آن محبوب يكتائيم
 "پس چرا ازا متحان با بدکه وحشت داشت"

ندانم از تو کسانیکه دل بپرهیزند
 کجا برند دل و بعد باکمه آمیزند
 فدای تو سروحان گرقیول فرمائی
 بهرکجا تونهی پا هزار حاندیزند
 بقتلگاه شهیدان خویش گرگذری
 دوباره زنده شوند وزخاک برخیزند
 شمیم زلف تو بگذشت ومن گمان ببردم
 در آفتاب بتعجیل مشک میبیزند
 نکرده ای تو چنان صیدخاطر عشقی
 که گریه تیغ زنی بیدریغ بگریزند
 زعشق بس نکنم گرمرا بفتوى عقل
 هزار بار کشند و بدار آویزند
 چنانکه جمع نگردند با هم آتش و آب
 نشاید عشق و صبوری که با هم آمیزند
 کمیت ناطق روزگار ماند لذت
 بعرصه که بمیدان وصفت انگیزند
 بصلح باش توبا کائنات کا هل بهما
 بحنگ رونکنند وبخشم نستیزند


 شعرزاد
 شهاب محمد سعید

گلزارش آفای حمت سید حسینی
رحمتی هیئت شادین مقیم آسیا

نظر بخلوشت مؤلمه خیر در مدینه شیراز

مقاله‌ذیل از عضو محترم هیات معاونت جناب رحمت الله حسینی درباره شهداء اخیر در مدینه طیبه شیراز واصل گردیده که عیناً نقل می‌گردد.

عزیزان الٰی ویاران رحمنی روحی لاحزانکم الفداء

مولای توانا حضرت ولی عزیزا مرا لله می‌فرماید قول‌هزبیانه:

قدبکی من ظلمهم محدث رسول الله وذرفت من اعمالهم عیون
اهل ملا االاعلی وضحت حوریات القدس فی اعلی
الغرفات فی الفردوس الابه

هنوز قلوب کئیه اهل بها از تضییقات مستمرها ولوا البغضاء وظلم وجور اهل فتورو وعصبه غرور تسکین نیافته بودکه با زفاجعه مولمه شهادت شانزده نفر از محبین جمال قدم و منتسبین با اسم اعظم در مدینه منوره شیراً تحقق پذیرفت . گویند با همه جهود کوششی که مراجعت دولتی برای احبا شهداء نا زنین بتبری از دیانتشان ابراز نمودند با عدم توفیق موافق شدند آری

عشق با زان سخن حق بملامیگویند از که ترسند سردا رسلامت باشد
اکنون در عالم ملکوت در پیشگاه عزم الک جبروت بزم خوشی و جشن عظیمی برپاست . از هر کناره صوت آفرین بلند است و از هر کرانه ندای تحسین مرتفع که بتایید مرکز میثاق الٰی :

"اين حشن و سورس رو و حبور با عاصا رودهور دهد و اعقاب و قرون را روش نماید"
چه عظمت و جلالی و چه تقدس و جمالی که کاروان عشاقد مرحله اخیر هفت عروس والا گهر را در معیت سه ما در نیک اختراهی حجله ملکوت نمودند . با اعتراف و شهادت پاسداران انقلاب ده نفر حضرات اماء الرحمن قبل از شهادت رجا مینما یندکه بر حسب نوای شریعت نازینی شان دست قاتل را ببوسند و میبوسد و سرپس سرپس حسنه میگذا رند وطناب دار را نیز بوسه میزنند و جام فدا را در سبیل وصال محبوب یکتا بلا جرعه مینوشند . این چه رمزی است و این چه کیفیتی و عظمتی . گوئیا حقائق عالم بالادر حیز ادنی محسوس و هویدا است .
تورا رمزی است در خوبی که هر کس آن نمیداند

خطی گل بروق دارد که جز بلبل نمیخواند
این شهداء یوسف بها ، خواهرا ن و برادران عزیز ما ، بمقامی از موهبت عظمی و عنایت کبری نائل شدند که حضرت عبدالبهای می‌فرما یند :

"ای کاش جمیع این بلایا در این راه بر عبدالبهاء واد تا
فادی جمیع دوستان جمال قدم گردد ."

در مکا تیب و مرا سلات هریک ازاین شیدائیان از زندان امثال چنین جملاتی بچشم میخورد:
"دعا کنیدشا یدحضرت محبوب این خون افسرده را جهت استخلاص
دوستاش برخاک ریزد " توقع ندارم شما درگرما
 ساعتها برای دیدار من زحمت بکشید"

اخبار رواصه از شیرا زحا کی از آنست که بیاد شهداء چنان جشن و سروری که دلالت بر بلوغ روحانی
احباء الله در مهد آئین حضرت کبریاء دارد برگزار شده که بوصفت نیایدو به تقریر نگنجاند
وخصوص ما دریکی ازاين شهیدان ذکر مینمايد که اگر جشن عروسی این هفت عروس شیخ را ز
در حیات ظاهری برگزرا میشبدون شک چنین جمعیت کثیری از یارا و اغیار با این هیمنه و جلال
از نقاط مختلفه ایران مفترخ و متباہی بشرکت و مشارکت نمیگشتند.

افراد عائله شهدا با چنان لحن ملکوتی و بیان روحانی اطها رضا یتمندی و فخر و عزت سرمدی
مینما یندو چنان شجاعت و شهامت و روحانیت و نورانیت آسمانی از خود متحلی مینما یند که
ا شک حزن این خسته دلان را بسرو روشادمانی بی پایانی تبدیل میسازد . آخر نهاینست که همه
اهل بها از یک چشم سیراب و از افرادیک عائله واحده آئین مبینند؟ پس برای چه بگریند
و برای که بنالندوازه بزارند. برای آنکه یاران واقوا مشان بمقری از قرب الله
واردگشته اند؟ که حضرت عبدالبهاء میفرما یند:

"یا لیتنی کنت معهم و فدیت روحی فی سبیل ربی"

اگر لحظه‌ای از شدت بلاقدرت از دست رود و تحمل مصیبت مشکل گرددوا شک امان ندهد و خواب بچشم
نیایدوندای دل زمزمه کندکه:

بگوبه خواب که امشب میابدیده من جزیره‌ای که مکان تو بود آب گرفت
ولی عنایات جمال مبین و بیانات رب العالمین را بیاد آریم که تسکین دهنده قلب حزین
است . میفرما یدقوله جله عظمته :

"حق با شماست اگر خون بگرئی سزا واراست زیرا چنین ظلمی تا بحال
وقوع نیا فته نفوس مقدسی ازاغنا الهی در نهایت مظلومیت گرفتار
گرگهای در نهاده گشتندو مبتلای کلاب گزنده با وجودا ینکه در مدت
حیات خاطری رانیا زردندوبا فسردگی کسی راضی نشدند جفا کاران
دست تطاول گشودند و ذرها رحم ننمودند. تا لان و تاراج نمودند
حلقه بریدند و قلبها دریدند و خونهای ریختند. تن ها پاره پاره
نمودند و جسا درا بسوختند و اطفال و نسae را شهید نمودند.
اما مظلومان در نهایت انقطاع و انجذا ب فریاد یا طوبی و یا بشری
زدن دخندان و شادمان جان در ره حاتان فدا کردن دیدا
لیتنی کنت معهم و فدیت روحی فی سبیل ربی فائز باما فاز وا و
خلقتهم الملائکه ایان ابشر و بالفوز العظیم و نعیم مقیم"

آرا مش دل شکسته و خسته یاران سیمای نورانی و روحانی و پر روح و ریحان عائله شهداء در این
سامان است که اگر بر اثر هموم و غموم مستولیه حزن غلبه نماید و یا لسان سکوت کنند بیان تبریک
و تهنیت آنان هشداری است آسمانی و میزبانی و پذیرایی آنان که ایام اعیاد رضوان و نوروز
را بخاطر میاورد حقیقتی از بزم الهی و مسرت جاودانی است .

تا ریخ پر انوار الٰہی که با نوع محن و بلایا و با قسم صدمات و رزا یا مخصوص و متمایز است
جلوه بدیع تضییقات اخیره را بالا ہما زنوا یا مبارکہ حضرت ولی عزیزا مرالله دلرسیبل
تمکن و اعتلان نظم بدیع جهان آرای الٰہی درقبال سکرات موت و تزلزل و اضطراب نظم قدیم
قلمدا دخوا هد نمود. آری این بلایا است که حضرت عبدالبھاء روح ما سواه فداه جلوه بدیع شش
را این چنین توصیف میفرما یندقولہ عزیزانه :

"" بلی صہبای بلاد رسیبل جمال مبارک اقدس ابھی باید
رنگ باشد تا نشئه کامل ببخد. یکنون بلاویکن نوع
ابتلا کیفیتی ندارد. دیگر سکری نمی بخد. بادھائی
گونا گون درا این بزم الٰہی با ید چشیدتا کا ملاسر مست شد . ""

مبارک با دیندگان پروفای جمال قدم را که زنده با اسم اعظمند و غمی از رنج و بلادر دل ندارند
و با فدا کاریها و جانشانیهای جانانه خویش اسباب تقدیم و پیشرفت حیرت انگیزا مرالله
را در اقطار مختلف گیتی فراهم مینما یند.

زان قطره های خون که شارت و گشت باز

در هر کنا راللہ روئیده دیده ای

بیا دنیوس غافله و عوام الناس جا هل آواره که بزعم باطل خود قصدا طفاء نورالله
را دارند بیان مبارک جمال ابھی جل ذکرہ الاعلی حجت کاملہ باللغہ است قولہ الامنیع الکرم
الافخم :

لُوِيْسْتَرُون النُّورُ فِي الْبَرَانِه يَظْهَرُ مِنْ قَطْبِ
الْبَحْرِ وَيَقُولُ أَنِّي مَحِيَّى الْعَالَمِيِّنْ
وَالْبَهَاءُ عَلَى كُلِّ مَنْ انتَسَبَ إِلَى الشَّهَادَةِ

اثر طبع داده کیا ز خلاف امان عزیز جمیع عذیب

«اوام»

مشت غرہ بر سر کملاج دیگر	موحر مسید کر دل دیا دلوج پشت
بر آب تخت پوچش بخونی بر دیر	دیلانه دار کف بخانی بخربود میشر
پھر خصہ ئے دل دلچھ کمر	گفت آن بگفت حبیم در حج
دینا دنست پیش من نیک بدل دیر	کمر دل حس کمانی املاج پشت
مش گھانہ پوتک بند پنگر	آن زیوج فوہ کو فت پیش ریم
لوز بگ خش دلک دیکیم فر	آن زیور کوہ دادیت قیسم
نیک ملات پھنسہ دی بختر	افوزر دلست خشم ملاہ نہادی
نڈا شکت دل فرم دکھنے مضر	دینی زیوج سرتب خس لاف زد دل
پشید بخت پوچشہ ابر زعفر	زیکن سکم کمر بزرگ زن کنہ
رجحت د مرد چو شدار بخمر	بر قظرہ اش بونز د مرد زدہ مطرف
دیانہ سکن دامان کوھ سر	لائز خیشور آن ز مطم دیگر اثر نہ

موحر دگر مسید ز دل دلوج پشت
مشت غرہ بر سر کملاج دیگر ...

چه خونه کشید خواسته خواسته تو بر کرمل

که بینی جلوه گر بر کوه کرمل قبة البيضا
که با شدم رکز نظم جها نگیر و جهان آرا
جو ارنقطه اولی مقا محضرت اعلی
که گردد خود مقر بیت العدل اعظم علیا
که بیت العدل اعظم کردا ندرسینه ات ما وی
گرفت آن هیئت نورا چودل درسینه اش سکنی
شده روشن رخ کروبیا ن عالم بالا
شده رشگ بهشت و غبیطه صدجنة الماء وی
ازا و نورانی و روشن جهان شاسع الارجا
مکین شدا مردر عالم متنی شدیا یه تقوی
وجودا زجود تو بر پا زجود دل بریکت
زا استقرارا بین کشتی درا بین طوفان جانفرسا
ز توجا ری شودا ما فرات رحمت کبری
فلک سادبدرگاه توابی فلک فلک پیما
به رموجی هزا ران غرقه در طوفان این دریا
ز تو گلشن شده رضوان ز تورو شن دل دنیا
نحات خلق عالم ز تودر دنیا و در عقبی
توئی کهف و توئی مسکن توئی ما وی توئی ملحا
ز هرسودست یا ران سوی توا عروة الوثقی
جهانی مرده ا ز روح مسیحی ا تو شداییا
ز صون ربنا ا لاعلی زعون ربنا ا لابهی
گرفت آن معهد کبری مکان در مکمن اعلی
پریشان و سیه چون زلف جانا ن روز برا عدا
که گردد موردا لطف خاص معهدا اعلی
که جان و دل بود آری از آن بیت بسی شیوا
ویا روح ا لبرحل فیها البر و التقوی

بشارت بر توای نوروز حا نبخش جهان آرا
بنای بیت العدل اعظم است این قبه اکرم
گرفتی جای ای دیوان عدل اقدس اعظم
از این بهتر مکان در عالم ما مکان کجا باشد
ببال ای کوه کرمل با ردیگر بر جهان یکسر
مکین شداین بنای جا و دان درسینه کرمل
سرا جی مشتعل در آن جبل گردیده کزنورش
توای کوه خدا چون لوح کرمل بر تو نا زلشد
شود ظا هر همه ا سرا راین لوح خدا و تندی
زا استقرارت ای دیوان عدل اعظم افحتم
توای کشتی پرا ز جودی که بر جودی شدی نازل
شده عقل جهان حیران ز فضل طلعت ا بهی
چه خونه گشت جا ری تا شدی جا ری تو بر کرمل
شده جا ری تو بر کرمل که با شد ز آسمان بر تر
جهان دریا ای طوفانی ز جور و ظلم و عدوا ن شد
توای مولودا مرا الله ا میدیده امکان
ملاذ عالم و آدم توئی ای ما من ا قوم
توئی آن دا من ممدود حق در عالم ا مکان
جهانی مرده و افتاده ا ندر داده ا می دینی
جهان فائز شود درسا یه ات برا من و آسا یش
بسال یکصد و سی و نه اندر شهر سلطانیش
امیدکل زا استقرارت ای ا میدکل هرجا
سهیل افتادن و خیزان گفت این اشعار وا مید
درا بین مقطع بیارا ز عنديب جان یکی مطلع
فیا طوبی لارض طاف فیها المسجد لا قصی

ازاع بشریانی

شمس‌حقیقت

بی‌شمس‌حقیقت نهان تخلص داشد
چوچ مانع در آسمان نمی‌خلص داشد
چوچ شرایط خانم برآورد
برگزیده کی جو همه را در دل خان
بنای نظم جانم برآس تیراست
خد انجفت عالم چنین مقرر کرد
هر آنچه در دل هیل صدیل پیش است
برغم دشمن پرکنید امر حق جایست
سخنداشت بر سنت ان تخلص داشت

جناب خسرو بمان

از قلم دکتر مهری افنان

ظهور حما لقدم جل اسمه الاعظم چون خورشید عالمتا ب برزوا یائی وحدو عالم انسانی تابعیده و قابلیات واستعدادات حديث خلق فرموده، خاک در ظل وجودش دم از عالم پاک زده و سنگ تیره چون الماسی تابنا ک شده دیگر ملاحظه فرمائیدن فوس سعیده از پرتو وجودش چه رتبه و مقامی یافته اند و چگونه افرادی ب ظاهر گمنام و ناشناخته چون در برآ بر تابش این اشعه حانبخش قرار گرفته اند چه قابلیات واستعداداتی از خود بروز داده اند.

نمونه ای از این حوا هر وجود، یکی از حوانان پارسی نژاد بنا مجناب خسرو بمان بود که در یکی از قراءت یزد موسوم به سکتویه بزرگ راعت اشتغال داشت. در ظاهر متعلق بخانواده ای ساده و زحمتکش از زارعین اطراف یزد بدولی فضل و رحمت الهی شامل حال او گشت بدین معنی که با احباب الهی در حین کسب و کار روز راعت آشنا شد و تحت تاثیر صداقت و راستی و درستی و ایمان نفوس نمونه ای از بهایان قرار گرفت و بر حسب استعداد اذاتی، این اعمال و رفتار پیشیده را مغایر با شایعاتی یافت که بر علیه بهایان در احوال بود و همین امر باعث جلب توجه و نظر را و گردید سپس عازم هندوستان شده با مرمعاش در آن دیار مشغول گردید و مکاتبه با ایران برقرار بود و شرح شهادت دونفر از حوانان عزیز و رفتار را طواره با حنا ب عنده لیب شاعر معروف و مبلغ شهیر امر بهای که به تبلیغ و سیر و سفر در هندوستان مشغول بودند مصاحب و مجالس شدو پس از زیارت الواحی چند شرکت در محل و مبالغه ای تبلیغی و بالآخره زیارت کتاب مستطاب ایقان، تقاضا نمود که ذکر ش بمحضار نور حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه معروض گردید و در جواب لوح مبارکی با فتخ ارش نازل و با نتساب با این امر اعظم مفتخر و متباهی گردید که قسمتی از آن لوح منیع چنین است... ای خسرو از بیگانگان بیزار شوتا بدوست یگانه بی بری در گروه آشنا یان دانا پیشوا باش تا در انجمان آسمان مهیکتا گردی... ای خسرو خسرو کشور هوشیاری شود و مدد آبا دکیه ایان دانا ائی گردد را این گلشن چون نسترن و یا سمن شکفته شوود را این انجمان چرا غ روش گرد... "ع" پس از زیارت این لوح مبارک و در پرتو تربیت حضرت سرالله الاعظم، هیچ فرستی را جهت تبلیغ امرالله و انتشار کلمه الله از دست نگذاشت و بحد و جهد تا مخدمت آئین اعظم الهی بپرداخت چنان نچه شاهداین مطلب لوح منیعی است که با فتخ رهمسر آن بزرگوار عزیز نزول یافته است:

"هوا لله ای کنیز عزیز خدا شکر کن پروردگار را که درسا یه عصمت عزیز عبدالبهاء
چنین خسرو مهرپروری هستی، قدر این شخص مهربان را بدان مقرب درگاه
یزدان است و سرور دوستان در این بساط محترم است و در نزد عبدالبهاء پیشیده
و مکرم شب و روز فکر ش خدمت امور الله است و نشر فحاظ الله شکر کن خدا را شکر
کن خدا را که تیک بخت بودی و خوش طالع که همدم این ستاره روش گشتی .
ع

در میان خدمات متعدد آن فرد موم من مخلص،دواقدا م مهم است که بسیار در خور تحسین و تمجید ویا داری است و جا دارد که احبابی عزیز الهی با آن آگاه گردند.

اول آنکه در ایام تشرفاتی بمحضر حضرت عبدالبهاء مولیالوری معروض میدارد که اگر بروفق اراده مبارک باشد امر فرمایند که حضرات مبلغین و مشاهیر اولیا هریک شرح ایام حیات وایمان خود را بنویسند و بیادگار گذاشتند تا برای آیندگان بمناسبت موحّب تذکر آنان گردد.

این امر مورد قبول هیکل اطهر قرا رگرفت و اول کسی که از متقدّمین و مبلغین و نفوس مقدسّه مبارکه امثال این فرمان مبارک را نمود حنا ب میرزا حیدر علی اصفهانی بودند که پس از اتمام تحریر کتاب خود را بنا م بهجه الصدور نا میدند و بر حسب خواهش حنا ب خسرو بیان، آن کتاب را برابرا طبع و نشر بهندوستان فرستادند و این گوهر نفیس برای همیشه بحاجمه بیاران اسم اعظم هدیه گردید اقدام وابتكار دیگر ایشان این بود که سفری با روپا نموده در لندن و مارسی بزیارت احباب نائل شده و بعد از راه پورت سعید عازماً رض مقصود گردید و وسائل مخصوص ضبط صوت و تهیه فیلم با خود همراه برده از محضر انور حضرت عبدالبهاء رجا نمود که با فتحاً رضي صوت مبارک نائل گردد که متأسفانه دفعه اول بعلت بعضی اشکالات و نواقص نتیجه مطلوبه حاصل نشد. دفعه ثانی از فرزند ایشان حنا ب سهراب خسرو بیان مباردت با خذمتو مبارک نمود و با لآخره دفعه ثالث در هنگام سفر مبارک به اروپا در پاریس این امرانجام شد و بطور خلاصه صفحه صوت مبارک، این یادگار نفیس که در قرون واعظ ارشبه و مثل آن تکرار نخواهد شد بهمت وابتكار حنا ب خسرو بیان و فرزند ارجمند ایشان برای عالم بشریت باقی ماند.

این شخص نفیس در امثال امر مبارک و متعاقب پیشنهاد خود در مورد نگارش شرح حال مومنین و مبلغین، مباردت به تحریر و قایع ایام حیات خود نموده کتابی در ۱۲۷ صفحه متنضم بعضی الواح مبارکه که با فتحاً رایشان و خانواده عزیز نزول یافته مرقوم داشته و بطبع رسانده است. نام این کتاب "رساله نویدجا وید" است و در سنه ۱۳۳۶ هجری قمری به رشته تحریر در آمد و این کتاب از ایمان و اخلاص و دلدادگی آن بنده مقرب درگاه الهی است و شا مل شرح احوال و چگونگی تصدیق امر مبارک و در عین حال استدلالیه ای موجزو مختصر و جالب و مفید است و بمناسبت هر مقام بالا وح و آثار مبارکه است شهادگشتند است و از مناظرات و مکالمات ایشان با دستوران آئین زرتشتی و پیشوایان مذاهب مختلفه اسلام و مسیحیت نیز حکایت مینماید. انشائی روان دار و بطور کلی تما می کتاب شاهدی بسیار گویا برای مطلب است که چگونه هدا یت و پرورش الهی نفوسي جدیده خلق میفرماید که تا بدین پایه در جمیع شئون ترقی مینمایند. گواه برای مطلب لوح مبارکی است که ذکلک گهربا ر حضرت عبدالبهاء حل ثناه خطاب با حبای پاریس ولندن عز نزول یافته است.

"هوالله ای یاران عزیزوای اماء رحمن حنا ب خسرو از هندوستان عزم طواف
بقطه مبارک نمودوا این مسافت بعيده را طی کرده با رض مقدسه وارد سرآستان
قدس نهادوا زبرای حمیع احبا و اماء رحمن عنون و عنایت طلبید. حال با نهایت
اشتیاق بزیارت یاران غرب عزیمت آن سمت نمود. این شخص بمحبت بهائیان
چنان افروخته است که بی اختیار لسان بگشاید و بیان محبت و تعلق قلبی
نماید. فی الحقيقة صادق است و ثابت منجذب است و مشتعل البته در حیان
ملاقات ملاحظه خواهید فرمود. سبحان لله نفوذ کلمه الله را مشاهده نمائید که
شخص زردشتی از هندتا پاریس ولندن میشتابد که بدیدا ربها ئیان غرب فائز

گردد. این چهارتباطی است و این چهار تعلق قلبی بهائیان را جانمفادا با دکه چنین درظل کلمه الله تربیت شده‌اند.

۴۶

از آنجا که رساله نویدجا ویدوبعبا ره اخri شرح احوال وایمان جناب خسرو بمان در دسترس همگان نمی‌باشد محض اطلاعی مجلل برشیوه‌نگارش و مطالب جالب این کتاب ذیلاً قسمت‌هایی از آن نقل می‌گردد.

پس از توضیح مقدماتی در چگونگی آشناei با امر بهائی و احبابی الهی چنین مرقوم داشته‌اند ".... بنده عازم هندوستان شدم و با مرمعاش مشغول ولی دائم بفکر این طایفه دل خرم و مشعوفی در آن اوقات یکی از رفقا از زیخطی بمن نوشته که با زخواندن آن حالت طلب و محبت تازه‌ای درباره این طایفه برای من دست داد زیرا در آن مکتوب شرحی از جنبای زی دونفر از جوانان بهائیان مرقوم بود که در کوچه و بازار ریز مردم آن دوجوان را گرفته می‌برند و جمیع با چوب و چماق ولعن و طعن در نهایت اذیت و ظلم آن دومظلوم را برای کشن با خود می‌گردانند و نوشته بود که من در با لای دکان نشسته‌ای زدی دن از دحا و های و هوی خلق در حیرت بودم که آن دوجوان موسوم به آقا علی اصفرو آقا علی اکبر از نزدیکی من گذشتند و شنیدم که یکی از آن دو بدیگری می‌گفت که ما با یوز و دتر بقر بنا نگاه حق برسیم و سریعت حرکت کنیم تا که مردم هم زود تر فرا راغ شده در پی کسب و کار خود بروند و دوازماور معیشت باز نمایند. با این حالت و سرعت و رغبت بمشهده‌دا می‌شافتند و بان درجه قلبشان درباره دشمنان و قاتلان خود رئوف و مهر بان بود و آخر خلق بی انصاف با کمال زحر و چفا آن دو بیگناه را شهید کردن و در آخرين مکتوب نوشته بود که حال شما با یاد در بمبئی پی تحقیق این امر بروید و چنین امر مهمی را سهل مشماید"

در قسمتی دیگرا زکتاب پس از شرح تصدیق وایمان خود با مرمتارک و درج لوح مبارکه که از قلم میثاق با عزرا زشن نازل شده چنین مرقوم داشته‌اند: "... در آن او ان چون از سلسه زردشتیان در بمبئی کسی بهائی نبودند بسیار شوق داشتم که بیشتر از این سلسه در دین الله گفتگون نمایم لهذا با هر کسی از این امر مبارک حکایت می‌کردم و هر نفی فانی حزیک غالب مردم را غافل و بیخبر از دین و آئین خود میدیدم و غرق در هوی و هوش دنیا را دلالت مینمودم ولی نفس که در آن ایا ممتد کر گردید اگرچه در اول اظهار تعصّب می‌نمود ولی در آخربسیا رمتا شرشد و هر مزدیا رخدا بخش شخصی از اهل تفت بود و موبذاده و متدين با آنکه در اول ملاقات بدرجه بدگمان از طایفه بهائیان بود که از اکل و شرب در منزل ماتحتا شی مینمود چنانچه بعد چون بنای سوال و جواب شد و بقدرت مقدور از این امر مبارک فانی برای ایشان بیان نمود در چند محفل ملاقات قلبش منجذب آثار الهیه گشت و خود حکایت نمود که من شنیده بودم که بهائیان دی چای و شربت ریخته بمردم میدهند که هر کسی آنرا بنوشد فوراً بهائی می‌شود باین سبب من در اول می‌ترسید که از دست شما چیزی بگیرم و بخورم اما پس از چند محلس دیده و فهمیدم که این تاثیر و انقلاب در صحبت‌های شماست نه چیز دیگر، اثر صدق کلام و حسن مرا ماست و این دلیل بر صرف کذب و بهتان عوام لهذا من شکر می‌کنم خدارا که بصر اطلاع مستقیم رسیدم و از خیالات باطل نجات جستم چشمی تازه‌یا فتم و سرور و وجودی بی اندازه، خلاصه بدرجه‌ای کلمه الله در قلبش مؤثر شد که با لآخره خود را بمحض اطهار سانیده مشرف شدو چون مراجعت نمود پرسیدم چه دیدی جواب داد تا خود نبینی به گفتن من پی با آن کیفیت نبری شنیدن کی بود ما ندیدیم با یاد روید و بینید از این بیان و خبرخوشی دل و سرگرمی من در نشر و انتشار این امر بیشتر شد و در گفتگوی با مردم

و دلالت برای نباء عظیم شوق و شور زیا دترگشت بدرجه ای که وقتی ارباب کیخسرو مهربان که از تجا رمحترم ایرانیان وزردشتیان بود بینده را خواسته که از پونه به بمبهی بروم پس از ملاقات فرمودند فلاپی مردم از تو شکایت دارند عرض کردم من کاری نکردم که خلق ازمن شاکی باشندنه مال کسی را خوردم نه ظلم و تعدی بنفسی کردم و نه مخالف امر حکومت رفتار نمودم هبته ندارد که مردم ازمن شکایت داشته باشد گفت هیچیک از آینهای نیست فقط میگویند که تو خلق را از راه دین بیرون میبری گفتم واه این شکایتی است که همیشه مردم از پیغمیران الهی داشتند من که بنده ضعیف ناچیزم . ملاحظه کنید که مخالفت و جدال ارجاس برآیا جز این سبب بود که میگفت شاه گشتاسب و دیگران را حضرت زرتشت فریب داده و از دین هوشنگی دربرده مگرنه حتی در شاهنا مه موجود است که شاه گشتاسب گفتند را آن پس که یزدان ترا شاه کردیکی پیرجا دوت گمراه کرد پس شما باید خوب ملتفت این نکته باشید که همیشه در زمان پیغمیران مردم نسبت جنون و گمراهی و بدکاری با ولیای الهی میداند و فتراهای بی سروپا درباره پیروان آئین یزدانی میگفتند و تا الان بیشتر از سایر ادیان فرق مختلفه مسلمانان آئین و مكتب حضرت زرده است را از اصل باطل میدانند و آنها راحتی از یهود پست ترمیگویند زیرا معتقدند که دین یهود و تورات وقتی از جانب خدا بوده و بعد منسوخ شده ، اما دین و آئین زرده است را از اصل نعوذ بالله باطل میگویند که از جانب خدا نبوده و نسبت شرک و بطلان میدهند و این نسبت ها همه از بیخبری آنها از میزان دین و آئین است زیرا اگر از میزان دین و شریعت اطلاع داشتند این نسبت ها را نمیداند بلکه یقین میدانستند که احدی در عالم تاسیس دین و تربیت ملتی نتوانند نمود جز بمددون صرف غیبی و تائید الهی و نبی کاذب را خدا مهلت و مدد نمیدهد و کلامش نافذ در دلها میشود . همچنین است حال سائر ملل نسبت به اسلام پس چون خلق از میزان دین غافل میشوند و حقیقت فرمان یزدانی فراموش مینمایند در زمان موعود محض تقلید با انکار و افترا میپردازند و بدون تحقیق نسبتها بی سروپا میدهند

از بازماندگان آن نفس نفیس که در ظل ام رالله محسورند فا میل محترم ثابت (حنا بان هرم زدیار رستم و مهربان) و سرکار خانم فیروزه فرهمند - حنا بسهراب ثابت - خانم پریچهر بمان وفا میل محترم استادی میباشد .

فِسْمَتْ حَجَانْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در عصر ما مربی بزرگ عالم انسانی حضرت بهاء الله است که برای جامعه بشری قوانین واحکامی بوحی الهی وضع فرموده که ضامن نجات و راحت و سعادت ایناء بشراست و آن نظامات به "نظم بدیع" تسمیه یافته زیرا این نظم الهی از تما ا نظم ماضیه ممتاز است و در دوره های گذشته مثل و مانند داشته و برخود مبارک حضرت ولی امر الله "قياس این نظم فرید الهی با نظامات متنوعه که عقول بشری در ادوار مختلفه تاریخیه برای اداره موسسات خویش ایجاد کرده کا ملاخطا است" (۲)

اصطلاح (نظم بدیع) ما خودا ز آثار مقدس است حضرت بهاء الله است چنان که در کتاب مقدس اقدس این نظم را نظم اعظم و نظم بدیع خوانده و بوصفت اما شهدت عین الایاداع شبهه تووصیف می فرمایند یعنی چشم اهل عالم نظری آنرا ندیده است.

بعقیده ما بهائیان اگر جهان نیان بظل این نظم بدیع در آینه و بروفق اصول و مبادی و تعالیم و احکام آن رفتار نمایند از تمام تیره روزیها و نفاقها و تعصبهای و جنگها و خونریزیها که در وقت حاضر گریبانگی ساختنی روی زمین است خلاصی خواهند یافت و چون قطرات یک بحر و را و راک یک شحر و بار یک دار و برق یک شاخ را خواهند شد.

ملجاء و مرجع اهل بهاء در ظل نظم اداری حضرت بهاء الله بیت العدل است و بموجب نصوص صریحه قاطعه با یدد رهبر و قریه و قصبه تا سیس شود.

در کتاب مستطاب اقدس این حکم محکم صادر

انسان بقول اسطودا نشمند بزرگ یونانی بالطبع مدنی آفریده شده (۱) و نمیتوانند مانند حیوانات وحشی در بیان افتان و خیزان و بر هنر و عربیان بمانند فقط با گیاه زمین معشت خود را تا مین نماید و محققابرای ادامه زندگانی همیشه بکمک همنوعان خود نیازمند بوده و هست و همین حاجت و ضرورت اجتماع و مدنیت را بوجود آورده و افراد بشری را به یکدیگر مرتبط ساخته است.

خداآندعا لمیان برای پرورش روح و حسنه آدمیان در هر عهد و زمان پیامبرانی فرستاده و راه را سرت را بتفویض بشری بواسطه آن مربیان ملکوتی نموده و قوانین و احکامی در خاور مقتضیات هر عصری وضع نموده است. بشهر هر قدر ترقی نماید و مدارج عالیه عالم و دانش را بپیما یدبا زهم از فیض الهی بسی نیاز نخواهد داشت چنان که بینائی وظیفه چشم ماست و تمیز دهنده راه از چاه است ولکن اگر نور خورشید نرسد دیده ازادیدن بازمانند همچنین درخت انگور ریشه اش در زمین است ولی اگر پرتو آفتاب نبیند کوش خشک و جوشش تاک بی اثر است بهمین قیاس اگر فیض روح قدسی مدد نفرماید جهان انسان فرقی با عالم حیوان نخواهد داشت و تاریکی و حشت و دهشت همه جا را فراخواهد گرفت. تاریخ گواهی میدهد که هر وقت قوم و ملتی تعالیم مربیان ملکوتی را بکمال دقت بموقع عمل و اجراء گذاشتند روح و حسمشان آسا ییش داشته و همین که از شاهراهن صایح الی انجراف ورزیده دچار هزاران بلا و مصیبت گردیده است.

(۱) حضرت عبدالبهاء می فرمایند: انسان نمیتواند تنها زندگی نماید.

(۲) ترجمه از کتاب مبارک "دور بهائی".

گردد و باید (این نفوس حین حضور چنان) ملاحظه کنند که بین یدی الله حاضر میشوند^(۴) و خویش را نمایند گان حضرت رحمن در میان مردمان بدانند و در امور و مصالح بندگان چنان مشورت کنند که در امور خودشان شور و غور میفرمایند و هر چه را خدا وند منسان پسندیده و اختیار ننموده همان را برگزینند. طریقه انتخاب و تعیین بیوت عدل محلی که حال بنام محفل روحانی محلی موسوم است در وقت حاضر بین قرار است:

هر سال یوماً ول عید سعید رضوان در هر نقطه که عدد بهائیان ذیرای (یعنی نفویکه بسن بیست و یک رسیده و ناماشان در دفاتر سجلات امری ثبت شده با شدچه مردو چه زن) به نه نفر بالغ گردبایا بدبیت عدل (محفل روحانی) در آن نقطه تشکیل شود یعنی آن نه نفر باید خود را محفل روحانی نامیده خبر تشکیل آن را بمحفل ملی (بیت العدل حصی) بدهند و چون تا سیس آن محفل محلی را محفل ملی تصدیق نماید بداره امora ملی روحانی خود پردازند و اگر در هر نقطه ئی عدد بهائیان ذیرای از نه نفر تجاوز نماید باید از میان آن نه نفر بعضیت محفل روحانی محلی انتخاب شود و اصول انتخاب بتوحیک مدد توقیعات مبارکه حضرت ولی امر الله مشروحا مذکور از این قرار است:

(چون یوم انتخاب رسید باید حمیع یاران ... انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را از وظایف مقدسه مهمه و جدا نیه خود شمرند و اهمال در این امر نکنند و کناره نگیرند و دوری نجويند ... و اسماء نه نفر از یاران را من دون امضاء بنگارند و مکتوم دارند و تسلیم محفل

(قدکتب اللهم على كل مدينه ان يجعلوا فيها بيت العدل (ودرلوحی دیگراین دستور مبارک نازل : (در هر مدينه از مدائنه ارض باسم عدل بیتی بنان کنند) و بر حسب توضیحات و تبیینات حضرت ولی امر الله بیت العدل برسه قسم است :

(بیت عدل محلی و ملی و بین المللی).

بیوت عدل محلی در وقت حاضر بنا محاافل روحانی محلی و بیوت عدل ملی حال با سام محفل روحانی محلی و مرکزی نامیده میشود ولی بر حسب بیان مبارک حضرت ولی امر الله محاافل روحانی محلی (در مستقبل ایام بنام اصلی خویش یعنی بیوت عدل محلی که از طرف شارع این امرا عظم تعیین گردیده خوانده خواهد شد)^(۲) و محاافل ملی و مرکزی (دراللوح و صایای حضرت عبدالبهاء به بیوت عدل خصوصی موسوم و موصوف)^(۳) و درالسواح سائره بیت عدل بین المللی به بیت العدل اعظم و بیت العدل عمومی تسمیه یافت است.

حال راجع به کدام از این بیوت عدل علیحده وحداگانه بحث میشود.

۲- بیوت عدل محلی

چون اساس دین الهی بر روی پایه عدل و دادنها ده شده بنای نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله نیز در این ظهور اعظم برشا لسوده عدالت و انصاف استوار گشته و هسته مرکزی نظم اداری بهائی به بیت العدل تسمیه یافته است دستورت اسیس این بیوت عدل در ام الکتاب دوربهائی کتاب مقدس اقدس از قلم اعلی صدوریا فته و خلاصه بیانات مبارکه چنین است که در هر مدينه و دیار بیت العدل تا سیس شود و نه نفر از نفوس مبارکه یا بیشتر در آن متحتم

- ۱- ازلوح مبارک با فتخا ردکتر آگاه آباده ای
- ۲- کتاب قرن بدیع
- ۴- لوح بیت العدل

۳- بیوتب عدل ملی یا خصوصی

اولیٰ کیفیت انتخاب:

انتخاب بردو قسم است : مستقیم و غیر مستقیم
 انتخاب مستقیم آن است که رای هر فرد منتخب
 در شخص منتخب مستقیماً " موشرا شدیعتا رت
 دیگر تماً انتخاب کنندگان بدون واسطه
 با انتخاب شوندگان رای دهندرای نصور نوش
 انتخاب بسته با کثیرت آراء کسانیست که
 مستقیماً " وراسادرا مرانتخاب شرکت
 ورزیده اند . پس بدین ترتیب تشکیل بیوت
 عدل محلی درجا معبه بهائی با انتخاب مستقیم
 صورت می‌پذیرد و اعضاء محفل روحانی محلی
 منتخبین افراد ذیرای محل خویشنده . (۵)
 انتخاب غیر مستقیم آن است که افراد ذیرای
 ابتدا وکلائی انتخاب مینما یندو سپس وکلاء
 منتخبین بنما یندگی از انتخاب کنندگان خود
 هیئت موردنظر را برای مخفی و با اکثریت
 نسبی تعیین می‌کنند و درای نصوت رای
 دهندرای مستقیماً و بلا و سطه درنتیجه انتخاب
 آنهیئت موثر نیستند بلکه اکثریت آراء
 نما یندگان سرنوشت انتخاب را معین مینما ید
 اکثریت نیز بردو قسم است : نسبی و مطلق .
 اکثریت نسبی آن است که هر کس نسبت بدیگری
 رایش بیشتر باشد منتخب است ولی در اکثریت
 مطلق لاقل نصف رای دهندرای با ضافه یکنفر
 با ید بشخص موردنظر رای داده با شندچنانکه
 اگر فی المثل یک منفرد را انتخابات شرکت

روحانی حالیه نما یندتا این اوراق جمع گردد
 و آن نه نفری که بیش از همه دارای اصواتند
 اسماء آن اعلان شودوا این نفووس اعضا محفل
 روحانی گردند ...

انتخاب درجا معبه بهائیان سری و عمومی و آزاد
 است حتی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب و رای
 زوجه جائزه) (۱) .

وقتی محفل روحانی محلی با ینظریق
 انتخاب واسامی نه نفر اعضاء محفل اعلان شد
 این بیت عدل محلی تایکسال ما موراد اداره
 جا معبه بهائی آن نقطه است و عموم بهائیان
 با یدنها یت احترام و اطاعت و محبت خویش
 را نسبت بتصمیمات آن محفل اظهرا رنما یند
 زیرا بفرموده حضرت عبدالبهاء این محافل
 روحانیه موید بروح الهی هستند و مصدر ترقیات
 عالم انسانی .

میفرما یند (آنچه را محفل روحانی مصلحت
 بدا نندا گریمن تکلیف کنند من مجری میدارم
 ابدا توقف ننمایم) (۲) .

تاكیدات حضرت ولی امرالله در این خصوص
 بسیار است منجمله میفرما یند " (هر حکمی را
 محفل صادر نماید بدل و حان اجرا نمایند ...
 چه که این محافل روحانی الیوم اس اسا است
 و محور و مرکز و صایای مقدسه مبارکه) (۳) .

(محافل مذکوره دارای اختیار ای رات تا مه بوده
 و بهیچوجه در آراء و تصمیمات شان مسئول ملت
 یعنی انتخاب کنندگان خود نمیباشد) (۴)

- ۱- از منتخبات توقيعات مبارک
- ۲- لوح مبارک با فتخا رحنا ب حاج آخوندایادی امرالله
- ۳- منتخبات توقيعات مبارک
- ۴- کتاب قرن بدیع
- ۵- در حال حاضر بنا تصویب حضرت ولی عزیزا موالله فقط در مدینه منوره طهران انتخاب
 محفل روحانی محلی استثناء غیر مستقیم و دودرجه است .

و نیز میفرما یند (اعضاى محافل مرکزى
بوا سطه وکلای منتخب که تعدادشان ...
متنا سب با جمعیت احبائی هر محل تعیین و هر
ساله درایام عیدا عظم رضوان در انجمان شور
روحانی مجتمع میگردند انتخاب میشوند ...
انتخاب محافل روحانیه ملیه هرساله بوسیله
وکلای یعنی نمایندگان مومنین و مومنات در
اقالیم مختلفه تحديد میشود و تعدا دنما یندگان
بر حسب احتیاجات و مقتضیات هر مملکت
متفاوت و از عدد مبارک ۹۱ یا ۹۵ یا ۹۶ مرتبه
(۲) ۱۹ یعنی ۱۷۱ مرکب است .

دوم - مقام و منزلت بیوت عدل خصوصی

راجع بعلومقا موهیت کامله محافل
روحانیه ملیه که در آینده به بیوت عدل خصوصی
موسوم خواهد شد را الواح مبارکه حضرت
ولی امر الله بیانات مفصله مرقوم و مندرج
است که در این قسم مختصری از آن نقل میشود
(تشکیل محفل در هر اقلیمی که نماینده تمام
یاران و محافل روحانی آن اقلیم است ..
از تمہیدات لازمه در اجرای وصایای مبارکه
حضرت عبدالبهاء محسوب .. تمام محافل
خصوصی در هر اقلیمی در ظل محفل مرکزی
خویش و مطیع و منقادا جراحت آن) .
(این محافل مرکزی ... بمنزله ارکان
و اعمدهی هستند که دیوان عدل الهی اعلی
ذروه نظم اداری امر الله در مستقبل ایام
بر آن استوار خواهد گردید ... محافل مزبوره
در تمثیت امور حما معه و تقویت فعالیتهای
امروی در نقاط اشراف خود دارای احتیارات
تمهیده و در اخذ تصمیمات پیوسته بحق
و حقیقت ناظروا ز مسئولیت در قبال منتخبین
خویش میرا و آزادند) .

ورزند حداقل نصاب اکثریت مطلق پنجه ویک
رای خواهد بود . در انتخابات بهائی اکثریت
نسبی معمول به است نه اکثریت مطلق . فقط
در انتخاب هیئت عامله محافل روحانیه محلی
و ملی یعنی تعیین رئیس و منشی و سایر
اعضا هیئت عامله باید اکثریت مطلق باشد .
ترتیب انتخاب بیوت عدل خصوصی یا محافل
ملی و مرکزی در زمان ما از این قرار است :
در هر کشوری افراد ذیرای جامعه بهائی
سالی یکباره وکلای و نمایندگانها انتخاب
مینما یندواین وکلای منتخبه درایا میعدسید
رضوران در نقطه ای اجتماع عودرا مورا میریه
مذاکره و مشورت وا زما بین کلیه بهائیان
ذیرای آن کشور که البته خود نمایندگان نیز
جزء آن نند (۹) نفر را انتخاب مینما یند
و یا بواسطه مکاتبه و مراسله با مرا انتخابات
میادرت میورزند . اگر وکلادر محلی مجتمع
شوند آن مجمع بنا مانجمان شور روحانی ملی
موسوم است که برنا مکار و روظائف و تکالیف شان
در آثار مبارکه و نظام اداری بهائی مفصل
مدون و مرقوم و شرح آن در این مقام از موضوع
بحث ما خارج است .

حضرت ولی امر الله میفرما یند : (جمهور ملت
در رتبه اولی وکلای خویش را انتخاب نماید .
این هیئت محله نمایندگان ... در هر سنه
درایا میعدسید رضوان از بین عموم بهائیان
آنکشور (۹) نفر را بنها یت دقت و خلوص نیت
و حکمت و متنب وحدیت انتخاب نمایند این
نه نفر اعضای محفل مرکزی آن اقلیم خواهند
بود ... بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر
بمحافل مرکزی روحانی معروف و مشهورند
منتخب منتخبین اند) . (۱۰)

- ۱- منتخبات توقیعات مبارک
- ۲- کتاب قرن بدیع
- ۳- منتخبات توقیعات مبارک

٤- بيت العدل اعظم

اول - صدور فرمان آسمانی برای تاسیس
بيت العدل اعظم الهي

فرمان تاسیس بيت العدل اعظم الهی در زندان عکا در بحبوحه بلایا ورزایا ازل قلم اعلی صادر در کتاب مقدس اقدس والواح مبارکه عدیده مانند : (اشراقات) (بشارات) (لوح کرم) (كلمات فروسيه)

مقام و منزليت واختيارات و وظائف ايمن مشروع عظيم از آسمان اراده شارع قديرنا زل : در لوح مبارك (اشراقات) (ميفرمايند) " رجال بيت العدل الهي با يدريلالي وايا م با آنچه ازافق سماء قلم اعلى در تربیت عبا دو تعمیر بلاد و حفظ نفوس وصیانت نا موس (۱)

اشراق نموده ناظر باشد ...

اشراق هشتم ... امور ملت معلق است بر جال بيت العدل الهي . ايشاننداء الله بين عبا ده و مطالع الامرفي بلاده ...

چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمتی مقتضی لذا امور بده بيت العدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند.

در کلمات فردوسیه) این بیانات مبارکه نازل "كلمه الله درورق هشتم از فردوس اعلی ... آنچه از حدودات در کتاب برحسب ظاهر نازل نشده بايدا منای بيت العدل مشهورت نما يند آنچه را پسندیدند مجری دارندانه يلهمهم ما يشاء وهو المدبر العليم".

در لوح مبارک کرمل میفرمايند : "سوف تجرى سفينه الله عليك ويظهرها هل البهاء الذي ذكرهم في كتاب الأسماء "

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است که ای کرمل بزودی سفينه الهی کشتی خدا بر تو جا ری خواهد شد و هله بهاء که ذکر شان در کتاب اسماء نازل ظاهرا خواهد گشت .

۱- نا موس - شریعت و قانون - جمع : نوا میس

آن مسائل نیز تواند بود .

در لوح دیگر میفرمایند : " و همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکرورای خویش قراری دهد استغفار لله بیت العدل بالها موتائیدات روح القدس قرا روا حکما مجازی نماید زیرا در تحت وقا یت و حمایت و صیانت جمالقدما است و آنچه قرا ردها تباعش فرض مسلم واجب متحتم است ابداع مفری زیرا نفسی نه) .

ونیز در لوحی دیگر میفرمایند : (بیت العدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احادیث است و اورا صیانت از خطاب فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محا فظه نماید هر کس مخالفت کند مردودگردد و دعا قبل مقهور شود .)

در کتاب مستطاب (مفاتیح و ضات عبدالبهاء) چنین مرقوم :

(آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل با تفاوت آراء یا با کثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطاب است حال اعضای بیت العدل را فرد افراد عصمت ذاتی نه ولکن هیئت بیت العدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند .)

حضرت ولی امرالله میفرمایند : (چون بیت العدل عمومی تا سیس شود آنچه قرا ردهد من عندها است و تحت صیانت و عصمت و حراست جمال ابهی) (۱)

از منصوص مبارکه مزبور کما ملاواضی و مشهود است که بیت العدل اعظم محفوظ و مصون از خطاب است و سه و نیسان را دراین مقام رفیع راهی نیست و (آنچه قرا ردهندمن عندها است) و (مصدر کل خیر) و (مرجع کل امور) و (مصدر تشريع است حق جل جلاله بصرف فضل و عنایت محیطه خویش این عطیه کبری و هدیه عظمی را دراین دور مبارک بجهانیان ارزانی داشته و در اداره گذشته ساقه نداشته که نفوس مومنه از میان

۱- منتخبات توقعیات مبارک

که این موضوع چون منصوص نیست منوط بقرار خودبیت العدل است.

ششم- طریقه انتخاب بیت العدل اعظم

امناء بیت العدل اعظم الهی را اعضاء بیوت عدل خصوصی (محافل روحانی ملی) انتخاب مینما یندو بدین ترتیب آن نفووس مبارکه منتخب منتخبین انتخابین اندزیرا چنان که از پیش گذشت افرادا حبا در هر کشوری برای تعیین اعضاء محفل ملی وکلائی انتخاب مکنند و آن وکلا منتخبین بهائیان آن کشور سپس وکلا منتخبها زما بین تما مبهائیان ذیرای اقلیم خویش اعضاء محفل ملی را بر میگزینند و لهدنا اجزا محفل ملی منتخب منتخبین و چون اعضاء محافل ملی از میان تما مرجال بهائی روی زمین امناء دیوان عدل اعظم را انتخاب میکنند پس آن نفووس زکیه منتخب منتخب منتخبین خواهند بود.

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه و صای میفرما یند: (در جمیع بلاد بیت العدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید).

و نیز در لوحی دیگر میفرما یند (در هر زمان که جمیع احباب را انتخاب کنند و آن نفووس هیئتی را انتخاب نمایند بیت العدل اعظم است و لات اسیش مشروط با یمان جمیع مالک نه).

حضرت ولی امر الله میفرما یند: (با ید محافل مرکزی روحانی بهائیان که من بعد از بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت خود مستقیماً اعضای بیت العدل الهی را انتخاب نمایند... بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر بمحافل مرکزی روحانی معروف و مشهورند منتخب منتخبین اندوار کان بیت العدل اعظم الهی منتخب منتخب منتخبین).

هفتمتا سیس او لین بیت العدل اعظم الهی
در رضوان سال ۱۹۶۳ میلادی یعنی بعد از

محلیه و محافل روحانیه ملیه یعنی بیوت عدل محلی ملی و بطريق اولی بیت العدل اعظم الهی بهیچوجه در نزد جمیع بهائی سئولیت صوری و معنوی ندارند ملی بیوت عدل محلی در تحت نظام و تربیت مدون و معین در قبال بیوت عدل ملی و بیوت عدل ملی نیز از روی قوانین مشخصه نزد بیت العدل اعظم مسئولند و اعضاء بیت العدل اعظم که ذرمه علیای نظام اداری بهائی و تاج و ها جای قصر مشید و بنیان رفیع و منيع است بحکم وجود ان خویش رفتار میفرما یندو همراه ناظرا فرق اعلی و ملکوت ابهی و متousel بذیل اطهر حضرت کبیرا هستند و از شدید القوی کسب نیرو و قوت مینما یند.

جهارم- اعضاء بیت العدل اعظم با بدای زرجال با شفند

در الواح حضرت بهاء الله هر وقت از بیت العدل عمومی ذکری بیان آمد و امناء آن مرجع اعلی را بکلمه رجل مشخص فرموده اند ولهم احضرات اماء الرحمن از عضویت در بیت العدل اعظم معاف و معدوز و ند حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک که خطاب به مسیس تروصا در شده چنین میفرما یند:

(در شریعت الله نساء و رجال در جمیع حقوق متسا و یندمگرد بیت العدل عمومی زیرا... اعضای بیت العدل بنص کتاب رجالند).

پنجم- مدت استخدا ما عضای بیت العدل اعظم
حضرت عبدالبهاء میفرما یند (مدت استخدا امناء بیت العدل با ید بقراء رایت العدل در مستقبل داده شود زیرا نص الهی غیر موجود و آنچه که منصوص نه بقراء رایت العدل باشد تقریریا بد).

این بیان مبارک در جواب سوال یکی از احبابی است که میخواسته بداند وقتی بیت العدل انتخاب شد کی دوباره تجدید خواهد گردید و مدت استخدا موضعیت اعضاء منتخب چقدر است در جواب سائل میفرما یند

انقضای یکقرن کا مل شمسی از ظهور علی
جمال اقدس ابھی اکثریت اعضاء پنجاه و شش
محفل ملی درا رض اقدس لانه و آشیانہ انبیاء
و قبلہ اهل بھا بعداً ز تشرف باعتاب مشرفہ
روضہ مبارکہ و مقام اعلیٰ و مرقد منور حضرت
عبدالبھاء و توجہ تا مملکوت ابھی دربیت
مبارک حضرت عبدالبھاء کہ حضرت ولی امرالله
نیزسی و شش سال از همان مکان متبرک و
تاریخی امرالله را ادا رہ فرمودہ انداز میان
تمامیاران ذکور حضرت رحمن در سراسر جهان
نه نفر را بعضویت اولین بیت العدل اعظم
اللهی انتخاب نمودہ و سفینہ اللہ برکوہ
خداجبل کرمل جاری ساختندوکسانیکہ
معذوراً ز حضور بودند رای خود را فرستاده بودند
وبدین ترتیب بزرگترین واقعہ در تاریخ
نظمات اداری آئین نازنین بھائی بظہور
پیوست و هیئت معصوم و ملهم یعنی بیت العدل
اعظم کہ بفرمودہ حضرت عبدالبھاء :

(مرجع کل امور) و (موسیٰ قوانین و احکامیکہ
در نصوص اللهی موجودنہ) و (مصدر تشرییع و
و (داعع اختلافات) و بفرمودہ حضرت
ولی امرالله :

(معهد اعلیٰ) و (سرچشمہ اقدامات و اجراءات
کلیہ بھائیان) و (حل مشکلات) و (مبین امور
مبھمہ) است بوجود آمد. حمد للربنا اللہ
الابھی و شکر للربنا العلی الاعلیٰ .

فرمودند :
این مسئله صلح درا مرحضرت بھاء اللہ
حکم قطعی و فریضہ دینی است نہ رای
انجمیں و مشورت ہیئت ملت و دولتی
کہ معلل باغراض باشد یا قبول تغییر
و تبدیل نماید و چون از فرائض دینیہ
است حتیٰ الواقع است . مثل اینکہ
در اصلاح دیانت انکار و مخالفت مسیح
کفر است . انکار اصلاح هم درا مرحضرت
بھاء اللہ چنین است .

سفرنا مہ مبارک جلد
اول ص ۳۹۸

فقیر صابر بہتر از غنی شاکرا است
اما فقیر شاکر بہتر از فقیر صابر است
وبہتر از همه غنی منفق است کہ از
امتحان خالص ماندہ و سبب آسا یا ش
نوع انسان گشته . با آنکہ شکر سبب
از دیاد نعمت است ولی کمال شکر
اتفاق است و مقام اتفاق اعلم مقامات
سفرنا مہ مبارک جلد
۱ صفحہ ۱۸۵

هر امری را منع و مقاومت میتوان نمود
مگر اقتضای زمان را .

سفرنا مہ مبارک جلد ۱
ص ۲۹۱

و حدت بھائی جزیہ تمسک به میثاق
اللهی ممکن نہ .

سفرنا مہ مبارک
جلد ۱ ص ۱۴۹

پیام هیئت تحریر یه عندلیب

قابر تجهیز شرکت محمد خلاص کان کلام مجده عذیب

بعد از عرض تکبیر ابدع ابهی خدمت جمیع یاران رحمانی معروض میدارد بفضل و عنایت حضرت مولی الوری ارواحنا فدا و توجهات معهدا على انتشار شماره هشتم مجله عندلیب انقضاء سال دوم راعلام و شماره آتی آغاز سال سوم را نوید میدهد.

این هیئت مفتخر است که بتائیدات غبیبیه حضرت رب البریه در این دوسال که گذشت تو انت مرتبا محله عندلیب را بقدرا مکان درسطحی که مورد قبول و پسند اکثريا را ن قرار گیرد تهیه و تقدیم دوستداران آثارا مری و ادب پارسی نماید.

البته توجهات و عنایات بیت العدل اعظم الہی شیدالله اركانه و تشویقات یاران عزیز رحمانی همواره ممد و ظهیر این هیئت بوده است.

دوستان عزیز

بطوریکه مستحضرید مجله عندلیب از لحاظ امور مالی متکی بخودواز طریق حق اشتراك پرداختن شما یاران عزیز و احیانا تبرعات عده ای از دوستان مشتاق اداره میشود و وجهی از مراجع امری مطلقا دریافت نمیدارد.

دوسال گذشته عده ای از یاران طبق درخواست این هیئت بجا یک شماره چندشماره مشترک گردیدند تا برای احیاء کم بضاعت قائم بخدمت، متقارنی محله، برای گان ارسال گردد.

این هیئت ضمن تشكروا متنان از این نفوں نفیسه، این خدمت را نیابتا از طرف ایشان انجام داده و قلوب بعضی از یاران پراکنده درجهان که قائم بعیوبیت و خدمت امر حضرت یزدانند شادنمود و تبرع کنندگان نیز بموهبت جودوا نفاق فائز شدند. درسا ل جا ری هرگاه مایل با دامه این خدمت میباشد مراتب را مانند گذشته مرقوم فرمائید.

احباء عزیز

با توجه و عنایت بمطالب بالا تقاضاهای این هیئت بشرح زیر خلاصه میگردد.

اولاً از لحاظ تسريع درا مورچاپ محله و ارسال آن برای مشترکین محترم در هذه السنه مستدعی است هرچه زودتر اوراق اشتراك را که در داخل مجله گذارده شده تکمیل و باچک با نکی money order با بت حق اشتراك جدید با درس زیر با ذکر عندلیب روی پاکت ارسال Andalib, Baha'i Centre, 7200 Leslie St. Thornhill, Ont. L3T 2A1, Canada.

با یاد رنگرداشت تنها با وصول اوراق اشتراک این هیئت میتواند تعداد مجله که باید تهیه و چاپ گردد پیش بینی نموده و قرارداد لازم برای سال آینده با چاپخانه تنظیم نماید. لازم بیاد آوری است که مخارج بانکی وصول چکهای بانکی money order بسیار کمتر از چکهای شخصی دوستان است، من باب مثال بانک برای وصول چک شخصی صادره از خارج کانادا ۵- الی ۶ دلار مطالبه مینماید حال انکه هزینه وصول money order کمتر از هعست میباشد.

ثانیا - هرگاه دوستان الهی مانند سال قبل مایل با شند چند شما ره برای خود دیکان شان و یا برای احباء متوطن در نقاط شاسعه عالم مشترک گردند مراتب را با شرح کامل مرقوم فرمایند تا این هیئت بتواند طبق نظرات آنان اقدام نماید.

ثالثا - بعد از آنکه دو سال تمام از انتشار مجله عنديلیب میگذرد هنوز عده‌ای از احباء از وجود چنین مجله‌ای بی اطلاعند و اظهار میدارند اگر میدانستیم از روزنخست مشترک میشیدیم بنا براین استدعا انکه مشترکین عزیز مجله عنديلیب بدستان و آشنا یان و نزدیکان بهائی خود مجله را ارائه داده و هرگاه آنان نیز مایل با اشتراک با شند فتوکپی از ورقه اشتراک تهیه و طبق شرح فوق اقدام فرمایند، تا مجله مستقیماً با درس ایشان فرستاده شود. اگر دوستان عزیزو علاقمندان خدمت شایان تقدیر را از طرف این هیئت انجام دهند مطمئن‌آ کمک موثری بنشر معارف امری فرموده و خدمت گران بهائی انجام داده اند.

رابعا - باید در نظرداشت که مجله عنديلیب مخصوص جامعه بهائی است بنا برای این وراق اشتراک را فقط افراد بهائی میتوانند تکمیل نمایند.

در خاتمه از سروزان گرامی و اساتید محترم ارباب قلم که با ارسال مقالات و اشعار و مطالب امری و تاریخی و شرح حال شهداء اخیر و عکس‌های گران بهای بر تنوع مطالب متدرج و رونق مجله افزوده اید صمیمانه تشکر مینماییم.

اما میدوازیم که همکاری خود را از این هیئت دریغ نفرموده و همواره یا رویا و رمجله عنديلیب با شند و هرگاه هنوز بعضی از مقالات و اشعار واصله در مجله درج نگردیده بعلت آنست که صفحات مجله محدود و رعایت نوبت و تناسب مطلب همواره مورد نظر و توجه این هیئت بوده و هست اما میدوازیم با این تا خیر بیدیده اغماص نگریسته و قصور ما را عفو فرمایند، البته باید مطمئن باشند که مقالات و مطلب واصله در آرشیو مجله موجود بوده و بموضع مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

از آستان مقدس برای کل طلب تائید و موفقیت مینماییم و دعای خیر شما عزیزان را برای پیشرفت مجله عنديلیب تمنا داریم.

باتقدیم تحيات بهائی

هیئت تحریریه عنديلیب

اخبار و پیشگاهات امریک

ترجمه اخبار بین الملل بهائی

شنبه ۱۴۲۳ جون ۱۹۸۳

از جمله "نسوان موسس عمدۀ صلح" عنوان
نطق جناب حسین دانش استادیا رروانکاوی
دردانشکده طب دانشگاه آتاوا و "تسا ویرجال
و نساء" عنوان نطق کارول بوی عضوهایت
معاونت و "تاریخ نسوان" عنوان نطق
پیزلى گلن Paisley Glen
هنرپیشه بهائی بود.

واقعه شها دت شا نزدہ تن بهائیان شیراز
موجدن‌هشت و هیجان عظیم در آلمان

بالا صله بعد از انتشار خبر اعدام شا نزدہ تن
شهدای شیراز در ماه ژوئن هیجان عظیم و بی
سابقه در آلمان بوجود آمدیک روز صح
شبکه رادیو سرتاسری کشور ضمن اعلام خبر
از موسسات حقوق بشر و سازمانهای نسوان
حدا خواستار شد که اقدام لازم معمول دارند
و این اعلامیه ضمن اخبار مهم روزه رسانی
تکرار گردید. در برناه تلویزیون عصر
برای اولین بار در آلمان اخبار و مطالبی
مربوط با مربهای در شبکه سرتاسری کشور
پخش شد و میلیونها نفوس بآن توجه نمودند.
پس از آن جمعی افراد غیر بهائی ساکنیں
قریه لانگن های Langen hain

مجا و رمشرق الاذکار فرانکفورت بصرافت
طبع به معبد بهائی روی آورده مدت یک
ساعت برای استخلاص بهائیان ایران دعا
کردند. یکی از کارکنان دفتر ملی درنا مه
خود چنین مینویسد: مشاهده و رودعده ای غیر
بهائی در مشرق الاذکار رحبت دعا برای بهائیان
راستی بسیار مهیج بود. حضرت بهاء اللہ
چگونه بیصدا و بنحوی مرموزنگش خود را احرا
مینماید. مدت یک سال است که اهالی این
قریه نزدیک مشرق الاذکار این مبلغ سامت

نمایش کتب بهائی در نمايشگاه بین المللی.

کتاب در بلژیک

در برکسل پا یتحت بلژیک از ۱۹ مارس
یک نمايشگاه بین المللی کتاب دائر
و در آن یک غرفه مخصوص کتب بهائی ترتیب
داده شده بود و قریب دوهزار نفر برای خرید
کتاب یا کسب اطلاع راجع با مربهای
با آن مراجعت نمودند و بخصوص کتاب "اعلی
درجہ حمال A crown of Beauty
تصویریاً شکوهی از گنبد مقاماً اعلیٰ که روی
جلد آن مشاهده میشود جلب توجه عموم را میکرد
چنانکه بسیاری اظهار داشتند آن بنای محلی
را در حیفا زیارت کرده اند بطور کلی از اظهار را
نفوس معلوم بود که مردم بمراتب بیشتر از
سابق ازا مربهای مطلع هستند و این بیشتر
در اثرا نشانه اخبار را در رادیو و تلویزیون و
جرائد راجع به مصائب بهائیان ایران و توجه
مخصوص روسای دول اروپائی بدفاع از حقوق
آن ستمدیدگان تحقق یافته است. فعالیت
مشتاقانه ۲۳ نفر جوانان بهائی که بنوبت
متصدی غرفه کتب بهائی بودند در راپورت
تلوزیون مورد تحسین و تمجید واقع شده است
ناطقین بهائی در جلسات مناظره داشتند
راجعت به نسوان

"رهائی قوای مکنونه نسوان" عنوان جلسات
مناظره ای بود که در چهار هفتۀ متوالی ماههای
مه و ژوئن در دانشگاه گوئلف University
of Guelph کا نادا ۱۱ جراگردید و جامعه بهائی
گوئلف یکی از چهار گروه بانی این جلسات
بودند رین کنفرانسها راجع به هشت موضوع
موردعلاقه نسوان بحث و گفتگو بعمل آمد.
که در چهار موضوع آن ناطقین جلسه افراد بهائی

بهائیان ایران غرس نمود و بعد از مرا سام
شهردا روقرینه چند ساعت با بهائیان در مزرعه
خانواده ضمیر گذراند ها آفای ضمیر اسلامی دهای
تشرف با رض اقدس و مناظر مقامات متبرکه
وعمارت دارالتشريع را نشان داد.

مراسم افتتاح مرکزلاندگ برای مدادرس بهائی درسویس

مراسم افتتاح مرکزلاندگ Landegg center برای سینیارها و مدارس بهائی در تاریخ ۱۷۵ نفر دوستان بهائی از ۱۴ کشور و نما بندگان کلیساها واولیای مؤمن محلی برگزار شد و بشارة آن بوسیله تلگرافی بساحت بیت العدل اعظم معروض گردید مرکزلاندگ در ساحل جنوبی دریاچه کنستانس که ما بین کشورهای آلمان و اتریش و سویس واقع است تحت اشراف محفل روحانی ملی سویس تا سیس گشته و هم اکنون مقدمات تشکیل مدرسه تابستانه برای بهائیان اروپائی فراهم شده است و میدمیرود توسعه و ترقی حاصل کرده مرکز مهمی برای اعلان و ترویج امرالله و تحکیم و تعمیق جامعه بهائی اروپا گردد. در پیا متلگرافی بیت العدل اعظم بتاریخ ۱۹۷۰ پا سخت تلگراف محفل روحانی سویس اظهارا میدواری نموده اند که مرکزلاندگ توسعه و پیشرفت کرده "منارا مرالله در قلب قاره اروپا گردد". برنامه های تابستان سال حاری که شا مل جلساتی بزرگ آیتالیائی فرانسه و آلمانی و انگلیسی و یک مدرسه تابستانه مخصوص اطفال میباشد در ماه ژوئن به تما م محفل روحانیه ملیه ابلاغ گردید. ضمناً "محفل روحانی ملی سویس در مرقومه ای باین نکته اشاره میفرمایند که خانواده بوش Bosehes که با نیکی از اولین مدارس بهائی موسوم به مدرسه بوش درگا یز رویل کالیفرنیا بوده است اصلاً اهل سنت گالن St Gallen

مسکن دارند و اکنون در نتیجه فدا کاری دوستان ثابت قدم در مهد امرالله به معبد الهی حلب شده اند"

قیام عاشقانه بهائیان آلمان به تبلیغ و ترویج امرالله

بهائیان آلمان در اثروقایع اخیراً ایران بخوبی و حرکت افتاده بنحوی بی سابقه به تبلیغ و ترویج امرالله قیام نموده اند در بسیاری از نقاط کشور جلسات تبلیغی و محافل عمومی دائم است و با نفوس مهمه و نما یندگان وسائل ارتباط جمعی ملاقات و مذاکره مینما یند. محافل تذکر بیان دشمنی ایران ترتیب داده از هموطنان غیر بهائی که اخبار ایران را شنیده اند دعوت میکنند و این محاجم علاوه بر تاشیر و حداشت اکنون در آلمان مخبرین جرأة و مجلات مهم کشور بصرافت طبع با دفتر مرکزی محفل روحانی برای کسب اخبار قرار رسانی مصائب تما س میگیرند محفل روحانی ملی یک سرویس اخبار بهائی ترتیب داده است که جوابگوی این مراجعتات باشد و توسط آن علاوه بر ارسال پیامهای تلکس به مراکز رادیو و تلویزیون اعلامیه ای مرتب طبع و نشر میگردد و بعنوان موسسات رادیو و تلویزیون و نفوس مهمه کشور که نسبت با مربهای علاقمند هستند ارسال میگردد در شما ره اول به ۱۵۵ آدرس بهائی و ۱۲۰ آدرس غیر بهائی ارسال شده قرار است تعداد دریافت کنندگان غیر بهائی به ۲۵۰ تا ۳۰۰ بالغ گردد.

مراسم غرس شجر بیان دبها بهائیان ایران در انگلیس

در یکی از بلاد انگلیس روز ۲۶ مارس شهردار بلطفی مرام اسمی کوتاه و موثر با حضور بهائیان از سه شهر مجاور و خبرنگار محلي درختی را بیان

وظیفه مقدس خودت شویق کرد. یک جلد کتاب فریادی از دل " تالیف ایادی امرالله ویلیام سیرز با ابراز تشرکا از طرف اردوی جوانان به ما مور عالی رتبه دولت تقدیم گردید و بعد از آنکه بحث در موضوع روز- تهایان و سازمان ملل متحد " با حضور مشارء الیه پایان یافت همگی با همنا هار صرف کردند.

ملاقات نمایندگان بهائی با رئیس جمهور در کشور زیر

در پیاافتی که از طرف فرماندار ناحیه شبا (Shaba) ترتیب داده شده بودیک زوج وزوجه بهائی که مدتی است مهاجر زیر میباشد بنا مجا و بهین نیوپورت Mr and Mrs John; Behin newport

با رئیس جمهور موبوتو Mobutu ملاقات و راجع بدلیل اقامتشان در کشور زیر صحبت نمودند و در مردم اشغال خودکه شوهر استاد دانشگاه وزن دار و ساز است توضیحات دادند همچنین راجع به مصائب بهائیان ایران که مورد توجه رئیس جمهور بود صحبت بمیان آمد. آقای نیوپورت بزبان محلی لینگالا که یکی از چهار زبان رسمی کشور است حرف میزد و بهین خانم راجع بخدمت خود در داروخانه بیمارستان و اینکه اصلاً ایرانی است و در باره ترقی نسوان که یکی از تعالیم بهائی است صحبت کرده حالی که تمام روسا و مامورین عالی رتبه دولت حاضر باین نصائحه گوش میدادند.

پیام‌های تلگرافی از انجمن شور روحانی ملی

تعداد ۱۰۵ پیام تلگرافی از انجمن‌های شور روحانی ملی که سال جاری در پنج قطعه عالم تشکیل گردید بساحت بیت العدل اعظم مخابرہ شده از اینقرار: قاره آفریقا (تلگراف، آمریکا ۳۴، آسیا ۱۵ اروپا ۱۵

بفا صله شش میل از لاندک میباشد و اکنون بعد از پنجاه سال آرزوی بسیاری از بهائیان اروپای مرکزی برای داشتن مدرسه بوش در دسترس خودشان تحقق یافته است.

انجمن‌های شور روحانی ملی برای تاسیس دومحفل روحانی ملی جدید در چهار آنطیل های صغیر

در فاصله ۲۰-۳۵ ماه مه سه انجمن شور روحانی ملی در چهار آنطیل های صغیر تشکیل و دومحفل روحانی ملی چدید تاسیس گردید. محفل ملی جزائرویندوارد Wind Ward Islands سنت ونسنت و گرنا دا Dominica و سنت لوسیا St, Lucia و دومینیکا Dominica تقسیم شده است. پیام رضوان بیت العدل اعظم و پیام‌هایی که بهریک از سه جامعه ملی ابلاغ فرموده اند قلوب یاران را با هنزار آورده امیدنیل بفتحات عظیمه چدید بخشید حضور ایادی امرالله جناب ذکرالله خادم و خاطرات شیرینی از حضرت ولی امرالله که برای یاران نقل فرمودنده همگی راقریس مسرت و انبساط نمودند.

اردوی جوانان بهائی در سورینام و گینه جدید
حدودی تن بهائیان اول آوریل در اردوی جوانان در بندر نیکری Nickerie سورینام شرکت کردند. ما مور عالی رتبه دولت در ناحیه اردوی جوانان را افتتاح نموده اظهرا رداشت در سال ۱۹۶۳ که کنفرانس بین المللی بهائی در آلبرت هال لندن تشکیل شده بود فتحات آتیه برای بهائیان رویائی بیش نبود اکنون بعد از مرضی بیست سال این رویا تعبیر گشته مشاهده میشود آرزوی بهائیان تحقق یافته است. مشارالیه از جوانان بهائی که تعالیم دینی خود را در عمل نشان میدهند تقدیر نمود آن را در اجرای

۳۵-تن دوستان حاضر . تبرعات بصدق و قدر و اول از بیست هزار دلار هونگ کونگ که هدف بود بدلترفت و روز دوم ازده هزار هدف اضافی بیشتر شد . توصیه گردید هدف تبرعات سالیانه سه برابر شود .

بنگلادش : ۴۳ نفرنما یندگان با حضور مشاور محترم جناب افشن انعقاد یا زده می‌نمایند و نجمن شور روحانی ملی بعد از یک سال مایه مسرت .

استرالیا : انتصاب مشاور محترم مستر خان به عضویت دارالتبليغ مرکزی مورث وجود و شعف . راپورت‌های اعضاء محفل روحانی ملی که در نجمن شورین‌المللی حضوریاً فته بودند مایه مسرت و انبساط حلسه مخصوص برای دعا بیان دشیده‌ای ایران منعقد گردید .

ساموا : بیش از ۲۰۰ تن با مشاور محترم سهیل علائی در نجمن حاضر دوستان ساموا سعی می‌کنند خود را لایق این موهبت‌نمایند که در حواراً ولین مشرق الاذکار پی‌سی‌فی‌ک ساکنند . دریافت شاخه‌گل سرخ از طرف محفل روحانی ملی ایران قلوب را بوجود و شعف آورد .

فرانسه : بیس از دویست تن حاضرین در نجمن با قرائت پیام رضوان معهد عظیمی و نصائح ایادی امرالله جناب یوگوجیا کری به قیام و حرکت در خدمت با مرتشویق شدند .

المان : ششصد تن دوستان محتمن در نجمن از حضور مشاور محترم خانم گروسمس متشرک . تبرعات بصدق و قدر و منجد برای سکونت در مقاطعه هاداف نقشه دا و طلب مهاجرت و ۳۶ نفردا و طلب اسفار تبلیغی شدند

اقیانوسیه ۱۱ ، پیام‌ها هریک‌بنوعی حاوی بشارت نیل با هدایت نقشه هفت ساله و فتوحات جدیداً مرالله درنا حیه خود میباشد بعنوان نمونه مضمون چند پیام ذیل‌درج می‌گردد :

نیجریه : حاضرین در نجمن ۵۵ نماینده ۸۸ تن ساپر دوستان از ۱۶ یالت نیجریه . انتخاب دونفر از اماء الرحمن بعضویت محفل روحانی ملی جدید مایه مسرت و افتخار .

بلیوی : موافق دولت با تاسیس رادیو بهائی و خریداری برای این منظور بنا تا ثیری که در تبلیغ و تعلیم نفوس خواهد داشت مایه مسرت و انبساط با روح وحدت و خدت تجدید مساعی خود را در تبلیغ دسته جمعی و تعلیمات روستایی تعهد می‌کنیم .

کانادا : انجمن با حضور ایادی محبوب امرالله جان روبارت و قرینه محترمه یک عضویت مشاورین قاره‌ای و بنج عضو هیئت معاونت نیز حضور داشتند . پیام مهیج ایادی امرالله ویلیام سیرزالهام بخش قلوب . شرکت و متنین بومی و افراد فرانسه زبان بر رونق انجمن افزود . شرح مصائب سرا دران ایران توسط قرینه شیدمجهید فرهنگ مودت سطح آمادگی انجمن را بخدمت امریکا لایرد .

سن‌لوسیا : اولین انجمن شور روحانی ملی یا زده نماینده حاضر . موهبت محفل روحانی ملی مستقل مایه افتخار حضور ایادی امرالله جناب ذکرالله خادم بنمایندگی معهد عظیمی بر روحانیت انجمن افزود .

هونگ‌کونگ : انتخاب محفل روحانی ملی برای اولین دفعه با اکثریت اعضاء احبابی چینی ۱۹۰ نفرنما یندگان همگی رای دادند

جنگ روشنات امریہ

شماره ۱۲۸ مرخ ۳۱ آگست ۱۹۸۳

ترجمہ ارجمند اخبار میں للہی بھائی

دکتو یوگوجا کری

راهنماei فرمودند. بعضی از نظرات ایشان کہ در را پورت خود مرقوم فرمودہ اندازا یعنی قرار است "دریکی از قری در مراسم افتتاح حظیرہ القدس محلی شرکت کردم و ۲۶ روپیہ برای تقدیمیہ بیت العدل اعظم دریافت داشتم".

"از پروژہ توسعہ و ترقی روستائی دیدن نمودم کہ تعلیم فنون دامداری مرغداری برنج کاری بھداشت و تربیت اخلاقی خدمتی قابل تقدیر در با لابردن سطح زندگی روستائی انجام میدهد."

"دریک جلسہ تبلیغی کہ در حظیرہ القدس ملی در دھلی جدید منعقد بود صحت کردم جوانی کہ کار آموز کشیش پرستان بود برخاستہ بعضی اظہارات مرا رد کر دبعا مشاہدہ شد کہ یک بھائی عما مہ بسرا زقبیلہ سیک با آن جوان مسیحی مذاکرہ میکند و سعی دارد حقانیت حضرت بھاء اللہ را با وشا بت نماید" "در مقبرہ مشرقا لاذکا رشنیدم چند روز قبل سے خلبان ہوا پیما با تاکسی آمدہ بودند بیتند این عمارت چیست کہ از بالا در ہوا این چنین نمایان است. ہمان روز تلگرافی رسید کہ آڑانس توریستی درایا لات متحده میخواہند مردم را برای تماشی عمارت معبد بیا ورند.

نماینده جا معدبین الملی بھائی اتها مات نماینده جمهوری اسلامی ایران را راجع با مربھائی رد میکند.

درسومین کمیسیون حمایت و رفع تبعیض از اقلیت ہا کہ ماہا و تدریز نوادا ائربود نماینده گان بلژیک کستاریکا و نروژ بھے تضییقات بھائیان ایران اشارہ کر دند

ایادی امرالله دکتر جیا کری در ماہہ سی ایڈن و ژوئیہ با سفارت بلیغی در ممالک اسکاندینیا وی هلند نروژ و دانمارک پرداختہ مورد استقبال احبا واقع شدند در بلاد مختلف بیش از ده احتفال با شرکت جمع کثیری تشكیل گردید و حضور ایادی امرالله با بیانات مہیج ایشان قلوب دوستان را سرشا را زروح و ریحان نمود. در مجا مع احبا را جع با هداف نقشہ هفت سالہ بیانات فرمودند و در ملاقات ہائی خصوصی به سئوا لاتشان جواب عنایت کر دند. ایادی امرالله ماہ ژوئیہ در مدرسه تا بستانہ نروژ و ماہ اوت در مدرسه تا بستانہ پر تقال شرکت فرمودند.

مستر کالیس فدرستون

ایادی امرالله مستر فدرستون ہمراہ قرینہ محترمہ مدت سہ ماہ در ہشت کشور آسیا شرقی واقیانوسیہ با احبا الہی در ۲۵ مرکز کہدا رای فرهنگ وزبان و رسوم متنوع بودند ملاقات فرمودند، جناب فدرستون قبل و بعد ازان جمن شور روحانی بین المللی در حیفا سفر کوتا ہی دریوناں بھے هندوستان و نپال تشریف برداہ دران جمن ہائی شور روحانی ملی ہردو کشور شرکت فرمودند. در هندوستان ایادی امرالله از مدرسه عصر جدید New Era School و آکادمی جوانان بھائی در پنجگانی دیدن کرده و در دارالتعلیم فنون روستائی کارمندان و استادان و شاگردان را تشویق و تھیج فرمودند. در ممالک مختلف با محافل روحانیہ ملیہ ملاقات و مذاکرہ نمودہ با نصایح حکیما نہ خود آنان را ہدایت و

درج شد. این عبارات بخط درشت دراعلان بچشم میخورد: "درکشور ما این خانمها برای خدمتی که بجا مעה کرده اند نشان افتخار میگرفتند..... درکشور خودشان کشته شدند عکس پنج نفر از خانمها با چهره های نورانی درج شده بود در بینشان یک پرستار یک پیانیست کنسرت. اولین زن فیزیک دان در ایران یک خانم خانم را ویک مجری تلویزیون. در ظرف ۲۴ ساعت پس از این اعلان از بسیاری جرائدیگر و تلویزیون های ملی و محلی و رادیو ملی اخبار از محفل روحانی ملی کانادا برای درج این خبر کمک خواستند.

پارلمان دول اروپائی و موضوع حمایت از بهائیان ستمدیده ایران

برای چهارمین بار در پارلمان اروپائی راجع به حمایت و دفاع از بهائیان ایران مذاکره شد. در صورت جلسه ۷۰ وزئیه تصمیم پارلمان با این عبارت درج شده:

"ابراز حیرت و تعجب از اینکه در عزوفی شش تن از رجال و در ۱۸ وزئین ده تن نسوان که پنج نفرشان دختران ۱۸ تا ۲۵ ساله بودند بدار آ ویخته شدند برای آنکه حاضر نشوند اعلامیه برگشت به اسلام را مضاء کنند".

وهمجینیں: "نگرانی شدید نسبت به بهائیان زندانی در شیراز....."

"رد ادعای دولت ایران که بهائیان فرقه سیاسی هستند".

پارلمان اول اروپائی این اعمال را که ناشی از تعصب مذهبی است محکوم کرده از دول عضو خواستار است بدولت ایران اخبار گرفتند از این نقض حقوق بشرط است بردارد.

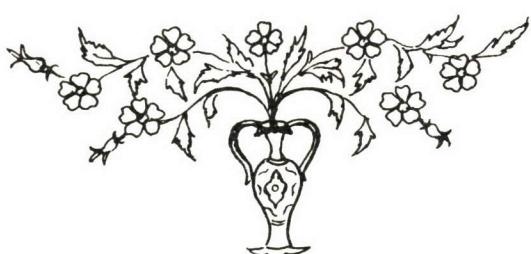
تصمیمات پارلمان دول اروپائی به دیر کل کنفرانس دول اسلامی و دیر کل سازمان ملل و کنفرانس وزرای خارجه دول برای همکاری سیاسی ابلاغ گردید.

و در ۱۷ و تینما ینده جامعه بین المللی بهائی بیاناتی راجع به رفع تبعیض نژادی ایران دنیا و گویا همین سبب شد که نما ینده جمهوری اسلامی ایران عکس العمل نشان دهد و در ۱۹ و تین بروشوری توزیع نماید که در آن به مریها ای حمله شده بود. در این موقع جامعه بین المللی اعلامیه خود را مشغیر نقض حقوق انسانی بهائیان ایران به سه زبان انگلیسی فرانسه و اسپانیولی به دیر کل تسليم کرد و از طرف اوبین اعضاء کمسیون توزیع گردید. روز شنبه ۲۲ و تینی بحث راجع به نقض حقوق بشر ادامه داشت یکی از محققین اهل نروژ وضع بهائیان را نمونه ای از تبعیض مذهبی شمرده اظهار داشت مطالبی که در بروشور نما یندگی ایران درج و منتشر شد اورا بوحشت انداخته زیرا نظریه همان تبلیغاتی است که سفین بعد از حنگ بین المللی اول در اروپا منتشر و سبب شد صدها بل هزارها نفوس بیگناه جان خود را از دست بدھند. دیگری گفت آزادی را ذیست بهائیان در ایران نشان میدهد که برخلاف انتظار بعضی امکان قتل عام در این ایام نیز وجود دارد.

نمایش خبر شهادت ۱۷ تن بهائیان شیراز در کانادا

محلی ملی کانادا روز ۱۷ از ویژن در جلسه رسمی بود که خبر شهادت ۱۷ تن بیگناه در شیراز بسمع اعضاء رسید. فی الفور تصمیم گرفته شد جامعه بهائی کانادا را هیجان بخشند بتوحی که این فقدان عظیم در عالم بهائی جهان گردد. احباب ناحیه تورنتو توقیل نمودند مصارف اعلان در یک صفحه تما مرا بپردازند روز عزوفیه درد و حریله ملی و ۱۸ وزئیه در محله تایم کانادا که بیش از یک میلیون خواننده دارند اعلان جامعه بهائی کانادا

محترم مسعود خمسی دوتن از اعضاء محفل روحانی ملی و دوتن احبابی محلی با رئیس جمهور ملاقات ورای جمع با مریا و صحبت کرده تھیا بهائی بیت العدل اعظم و حا معهبهائی امریکای لاتین و پانا مارابا و بالغان نمودند Crown of Beauty یک نسخه کتاب تاج جمال از طرف بیت العدل اعظم و چند جلد کتب امری دیگرو از طرف بهائیان پانا ماعکس مشرق الاذکار پانا مادریک قاب زیبا به رئیس جمهور اداگرد. جناب خمسی تشکر وقدردانی حا معهبهائی را از حمایت و دفاع دولت پانا مادر کمیسیون حقوق بشراز بهائیان ستمدیده ایران ابرازداشتند ضمناً مختصری راجع به فرستنده های رادیو بهائی در آمریکای لاتین و اینکه در آتیه یک فرستنده رادیوبهائی در پانا مانصب خواهد شد بیان داشتنده مورد توجه رئیس جمهور واقع شد.



گوناگون برای هدایت و راهنمایی نفوس مباردت نموده اند. از جمله دریک محل برنا مههای رادیوئی برای تعلیم و تربیت روحانی اطفال روستائی تربیت داده اند. در بلده دیگر ما مورین دولتی نفوسي را که برای ترک عادت الکلی تحریم عالجه هستند به محفل روحانی محلی معرفی میکنند تا با آنها کمک نماید. در بندر باراد Pt. Barrow شمالی ترین نقطه آلاسکا بهائیان مشغول تهیه برنا مه اخبا ر رادیوبزا ن محلی هستند (در زمان حاضر برنا مه رادیوتما مابربان انگلیسی است) و حضیره القدس محلی را برای ضبط برنا مه در اختیار رادیوگذاشته اند در انکوراج با یتحت آلاسکا محفل روحانی اجتماع ما هیانه در قهوه خانه ای که مشروبات الکلی منوع است ترتیب داده و بیشتر افراد غیر بهائی دعوت می شوند گردد هم آمده با موسیقی و نمایش و تفریحات دیگر بیرون توسل به مشروبات الکلی خوش باشد. چنین وضعی در آلاسکا نادر است.

اخبار و بشارة از امریکای لاتین

در بزریل ۱۵-۱۷ ژوئیه ۲۳۰۵ تن جوانان بهائی از ۳۸ مرکز در کنفرانس ملی جوانان در بندر سالوا در (با هیا) (شرکت کردند) و بزیارت مرقد مطهر لئونورا آرمسترلانگ ما در روحانی آمریکای جنوبی رفتند، پیام مهیج بیت العدل اعظم خطاب به جوانان عالم روح جدیدی از خدمت و فدا کاری در قلوب شان دمیده متعهد شدند در ترویج و توسعه امور از هندوستان پیروی کنند حضور مشاریع را ول پاون () و شاپور منجم برشوق و شور جوانان افزود.

پاناما

هیئت نمایندگی بهائی مرکب از مشاور

دريندورا س

بعد از آنکه در ۱۶ اژوئن محفل روحانی ملی بساحت بیت العدل اعظم اعلام داشت تعمید کرده‌اند بیان دشداش ایران لاقل پانصد نفر مونین جدید تسجیل کنند در ۱۲ ماه اوت مؤقت عظیم خود را طلاع دادند دریک ماه ۵۱۰۹ نفر مونین جدید تسجیل شدند و در ماه سپتامبر با تشریک مساعی محفل ملی ولجه ملی تبلیغ و مساعدت اعضاء هیئت‌ها و نت به تقویت و تحکیم آنان می‌پردازند.

درا سکاتلند

یک دانشجوی معما ری در دانشگاه دینبورگ مهرداد سنای برای اخذ گواهی نامه افتخار طرح بنای یک معبد بهائی (شرق الاذکار) در دینبورگ را ترسیم و راهه داد. حراج نمای جلوی عمارت روی یک پوسترباری اعلان نمایشگاه مدرسه معما ری ترسیم شده بود اکنون طرح مزبوراً زطرف مهرداد سنای را در مسابقه بهترین دانشجوی معما سال که توسط اتحادیه معماران اسکاتلند ترتیب داده شده وارد کرده‌اند همچنان موسسه معما ری بریتانیا در لندن خواسته است آنرا بنمایش بگذارد.

در پرو

انجمان فرهنگی عصر جدیدیک موسسه بهائی بنما یندگی محفل روحانی ملی قراردادی با وزارت آموزش و پرورش امضا کرده که بوسیله فرستنده رادیویی بهائی برای آموختن سوابو تعلمات بعدی فعالیت نماید. مواد لازم برای تعلیم سوابا زطرف وزارت آموزش و پرورش تعییه خواهد شد و بهائیان وسائل لازم و گویندگان را دیوراتا مین خواهند کرد.

خدمات اجتماعی محافل روحانی محلی در

آل اسکا برای هدایت نفوس

بهائیان آلسکا در جوا مع محلی بخدمات

تا شیر مسافت ایادی ا مرالله ما مالله روحیه خانم به جزیره گریلنند.

بعد از سفر ا مالله روحیه خانم سال گذشته بجزیره گریلنند و نفرمها جراز کانا دا بآن جزیره رفته به اعلان و ترویج ا مرالله همت گما شتند طبق را پورت یکی از مهاجرین سفر ا مهالبها تا شیر عمیقی درین جزیره داشته تا بحال هشت نفر اقبال با مرنمومه اند بیشتر محصلین دانشکده که از نقاط مختلفه کشور آمده اند و عنقریب یک جا معه ملی بسیار قوی تشکیل خواهد شد. رتبه عرفان و اطلاعات ا مری مصدقین قابل توجه است و علاقه وا فریبه قبول مسئولیت در خدمات ا مری نشان میدهند. آنچه مهاجرین در قریب بیست سال سعی کردند انجام دهند این مونین بومی در دو ماه اخیر بآن نائل شده‌اند. در محافل بهائی زبان گریلنندی و دانما رکی جانشین زبان انگلیسی شده و متعدد شروع بترجمه آثار ا مری بزبان گریلنندی کرده می‌گویند باین نحو روح کلام را با خود کلمات ترجمه می‌کنیم. تعداً دمرا کزا ا مری به هشت عدد مونین تسحیل شده به ۴۲ بالغ گردیده است.

بعضی اخبار و بشارة کوتاه و مختصر

در کانا دا

هیئتی بنا م "دسته سرا یندگان طاهره" در ناحیه انتاریو جنوبی تشکیل شده که قصددا رندا شعا و سروده‌های قدیمی بهائی را بیان دارد حضرت طاهره تحدید نمایند و در احتفال عمومی بسرا یندتا بحال در جند مجلس برنا مه ا جرا کرده‌اند

ا خبار و بشارات کوتاه و مختصر

شوربین المللی صحبت کردند و دور روز بعد
یک مصاحبه بمدت نیمساعت به فرانسه
وزبان محلی سانگو با یکی از نمایندگان
که از ارض اقدس مراجعت کرده بود در رادیو
پخش شد که لاقل سه میلیون شنوندگان آنرا
شنیدند. انتهی

اعلان محفل روحانی ملی بهائیان کانادا

محفل ملی بهائیان کانادا ازیاران
ایرانی که با شهدای اخیر ایران نسبت
فامیلی داشته و یادوست بوده اند تقاضا
مینما یده‌رگاه عکس‌هایی از آن نعموس
قدسیه در اختیار داشته‌یا اطلاعاتی از شرح
حال و زندگانی آنها را ندهرچه زودتر
آنها را بدفتر محفل ملی ارسال دارند.
هرگاه عکس‌های ارسالی با یادگاری
داده شود لطفاً در موقع ارسال مطلب را
یادآوری فرمائید.

یک خبر از جمعیت بهائی اورنج کانتی نیویورک

جمعیت بهائی اورنج کانتی نیویورک موفق
به تشكیل کنفرانس حالی با شرکت دویست
نفر از بهائی و غیر بهائی در تاریخ ۱۲ آگوست
۱۹۸۳ در شرایتون هتل در شهر میدل تون اب
استیز نیویورک گردیده‌اند. مقدمات
کنفرانس از دوماًه قبل با مشورت لجنه تبلیغ
واستفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه
فراهم‌و با بیش از سی نفر از روسای مذهبی فرق
مختلف مسیحی و همچنین کلیمی ملاقات و در
نتیجه دونفر از این نفوس محترم بشرح ذیل
I- Reverend, leon.E williams, Pastor
2- Father Kenneth nowquist crace
Episcopal Church

دریکی از بلاد بلژیک نزدیک سرحد شرقی
با اسم اوپن (Eupen) با هتمام لحن
ناحیه‌ای تبلیغ جشن نوروز بهائی با حضور
سیصد نفر دوستان از مالک بلژیک و آلمان
ولوکزا مبورگ و هلند و سویس برگزار شد

فرانسه: بهائیان بلده‌نات با انجمن
اسپرانتویست‌ها در چهار رسال اخیر ارتباط
داشتند اخیراً نشریه‌ای که راجع به مصائب
بهائیان ایران تنظیم شده بین ۲۵ نفر
اعضاء انجمن توزیع وازین راه با آنان در
باره امر بهائی مذکوره کردند.

لندن: روزنامه‌ای بزرگ The Observer در شماره ۲۶ زیون یک راپورت مفصل و مسروچ
راجع به شهادت ده‌تن اماء الرحمن شیراز
تحت عنوان "نسوان بهائی برای آئین
خدجان نثار می‌کنند" با عکس‌دونفر از شهدا
که حاضر بآنکار نشده‌اند درج کرده است.

لویزیانا ایالت متحده: حوانان بهائی
نقشه خدمتی طرح و اجرا نمودند که بموحوب
آن لاقل یک دفعه در ماه به ملاقات دوستان
مسن رفتند با ارسال کارت‌های تبریک در موقع
مناسب و اظهار محبت و خدمات دیگر قلوب شان
مسورو و مشعوف مینمایند. یکی از جیوانان
اظهار میدارد این که رهچند مستقیماً تبلیغ
نیست ولی خدمت بعالماً انسانی است.

جمهوری افریقای مرکزی: مراجعت
نمایندگان از انجمن شور روحانی بین المللی
با اعلان اعلان امرگردید را دیوملی در برنا مه
یک بعد از ظهر که بهترین وقت در بانگوی
پایتخت کشور می‌باشد مدت پانزده
دقیقه راجع با مردان عقا دین‌محیین انجمن

رد میکنیم.

ه - یادآور میشویم که آزادی مذهب حقی است که توسط حکومتهای دموکرات بالا خص توسط کشورهای جامعه اروپائی شناخته شده است.

۱- این چنین عملی را که ناشی از تعصب وصف ناشدنی است محکوم میکنیم.

۲- از حکومتهای کشورهای عضو دعوت میکنیم که در مورد مذاکرات اشان با دولت ایران بگرانی در پا فشاری در نقض حقوق بشری اشاره نمایند.

۳- امیدا است که کنفرانس اسلامی در مورد این قبیل امور عکس العملی از خود نشان دهد.

۴- امیدا است وزرائی که برای همکاریهای سیاسی ملاقات میکنند با حساس جامعه اروپائی در محکوم کردن این قبیل امور رای مثبت بدهند.

۵- از ریاست پارلمان اروپائی میخواهیم که این مصوبه را به دیرکل کنفرانس وزرائی خارجه مالک اسلامی و سازمان ملل متحد ابلاغ نماید.

اماکنات کار واقعیت در مملکت گواتمالا

بطوریکه اخیراً از هیات جلیله مشاوريین اطلاع رسیده است اماکن کار واقعیت برای نفوذ ذیل درگواتمالا موجود است.

- نفوی که شخصاً و از طریق سرمایه خود قادر به تأمین مخراج خود میباشد.

- افراد صاحبان حرفه و فن، تکنسینها و بخصوص مهندسین در رشته های مختلف، چون افراد زیادی گواتمالا ترکرده اند لذا امکانات کاری در زمینه های فوق بسیار مناسب است و احباب ایرانی با پاسپورت ایرانی و یا کانادایی میتوانند وارد گواتمالا لگرددند و طلبان اطفاء مستقیماً با محفظ مقدس

در حلسه حاضر و هر دوازده نا طقین پروگرام بودند ناطق سوم از جا معهدهای خانم Dr. Ann Carpenter بودند. این جلسه بمناسبت ایجاد وحدت بین جوانان مختلف برپا شده و شهردار شهر میدن تون چون شخصان تو ایست بود در جلسه حاضر شود، ضمن تاسف از عدم امکان شرکت در جلسه طی اعلامیه‌ای روز مزبور را روز وحدت در این شهر اعلام نموده است.

پشتیبانی پارلمان اروپائی از احبابی عزیزاً ایران.

پارلمان اروپائی با ردیگر تعهد بلاتر دید خویش را در مورد کمک به احبابی ایران نشان داده است در حالی که از نزدیک مرأقب اوضاع هستند نهایت این دلیل که از شورهای عضو در مورد بد از آن ویختن ۱۷ نفر اخیر در شیراز اظهار همدردی نموده و اقدامات جدیدی بعمل آورده اند تا روشن گردد که دنیا آنچه را که رژیم فعلی ایران مرتکب گردیده و به تعصب غیرقابل وصف تعبیر گردید تحمل نخواهد کرد. مصوبه پارلمان اروپائی مورخ ۷/۷/۸۲

شرح ذیل است:

الف - با حیرت اطلاع یا فتیم که در ۱۶ جون ۱۹۸۳ شش نفر مرد از پیروان امر بهای در ایران بعلت امتناع شان از انکار عقیده مذهبی بد از آن ویخته شده اند.

ب - همچنین اطلاع یا فتیم که در تاریخ ۱۸ جون ۱۹۸۳ پنجمین از نفران بیانی که پنج نفر آنان بین ۱۸ تا ۲۰ سال داشته اند بعلت اینکه از امراض ورقه مخصوص در باره قبول اسلام امتناع کرده اند بد از آن ویخته شده اند.

ج - عمیقاً در باره بهایانی که در شیراز در زندان هستند گران هستیم.

د - ادعای دولت ایران را مبنی بر اینکه بهایان یک حزب سیاسی هستند

امهال بها روحیه خانم خواهد بود . و تمام
برنامه های کنفرانس به حضرت ولی امرالله
اختصاص داده شده است .

منشی انحمن و مسئول برنامه ها خانم
کریستین زربی ویز هستند که خانمی فعال
در خدمات امریمه میباشد .

کتابهای ذیل در فقر مختصر و حافی می برای فروش آمده است :

قیمت به دلار	نام کتاب	برنامه فارسی
۳,۶۰	دیانت بهائی یک شخص سیاسی نیست	
۱۳,۵۰	کتاب مستطاب اتفاق	
۱۵,۱۰	مجموعه الواح حضرت بهاءالله جلد اول	
۵۰,	لوح ابن ذهب ۲۷ دلار - با جلد چرچی	
۲۲,۵۰	نامر و فخر	
۱۸,	گلشن حقاون	
۹,۲۰	تبیخ و تهلیل	
۲,۱۵	لوح شفا	
۳۵,	کلمات مکتوبه (فارسی و انگلیسی)	
۱۸,	ایام سعه	
۳,۸۵	مناجات های حضرت عبدالبهاء (جلد دوم) یکلام	
۲۲,	خطاطات ۹ ساله	
۱۴,۹۵	مناجات مکاتب حضرت عبدالبهاء	
۳,۸۵	مناجات الواح حضرت بهاءالله جلد اول	
۱۴,۴۰	شهرزاد لغت	
۹,۵۰	مفاظات حضرت عبدالبهاء	
۱۶,۴۰	حکایت دل	
۱۴,۴۰	لوح مبارک احمد	
۲۷	الواح حضرت بهاءالله جلد اول	
۳۲,۳۰	الواح حضرت بهاءالله جلد اول (جدوی)	
۷,۱۵	آثار قلم اعلی (جلد سوم)	
۱۴,۴۰	سفرنامه حضرت عبدالبهاء (حلدارل)	
۱۲,۹۵	سفرنامه حضرت عبدالبهاء (جلد دوم)	

روحانی ملی گواتمالا مکاتبه فرمایند .
ASAMBLEA ESPIRITUAL NACIONAL DE
LOS BAHAI'S DE GUATEMALA
MRS. MARCELYN PORTER: SECREARY
3a CALLE 4- 54 ZONA
GUATEMALA CITY GUATEMALA

احبای ایرانی در صورت تمایل میتوانند
به فارسی تیز مکاتبه نمایند . در این صورت
مقدمه منظور خود را در چند کلام به انگلیسی
مرقوم دارندتا منشی محفل بدانندانم
درجه موردی نوشته شده است .

بقیه از صفحه ۷۸

که با ورنکردنی بوده مگی بپا خاستند و بمدت
چند دقیقه آنها را تشویث نمودند . بخصوص
ایادی عزیزا مرالله جناب آقای ذکرالله
خادم رهبر و اعضاء کرداری نهایت تشویق
فرمودند . ناگفته نماند که این گروه کمتر
از یک سال است که تشکیل شده است و در کار خود
پیشرفت بسیار نموده است .

خاتم کریستین زربی نیمز ZERBINIS
منشی انحمن و مسئول برنامه های کنفرانس که
واقعاً رحمت میکشیدند و خانم بسیار رفعالی
هستند در کنفرانس اعلام داشت که از تمام
برنامه های کنفرانس نوا رته بیه شده است که
برای خرید میتوانید پادرس زیر مراجمه و یا مکاتبه نمائید:

IMAGES INTERNATIONAL

815 TRUMAN CIRCIE S. W

VIENNA VA 22180 U.S.A

"وضمنا اعلام شد که تمام کلوپهای دانشجویان
در داسگاه های کشوری از انا حمن شناخته می شوند
آقای دکتر حسین داشت گفتند نه میین کنفرانس
سال آینده در آتاوا از ۲- تا ۴ نوامبر ۱۹۸۶
تشکیل خواهد گردید این کنفرانس با حضور

ره آوردى ائشمين کنفرانس نجمن بین المللی مطالعات بهائى در شيكاغو

هشتمين کنفرانس انجمن مطالعات بهائى برای اولين با رخارج ازکشور کانادا در شهر شيكاغو از تاریخ هشتم تا دهم نوامبر ۱۹۸۳ در هتل پالمرهاوس (هیلتون) (منعقد و برگزار گردید).

حضور تعداً دكثیری از اعضاء انجمن که از ممالک عالی از تحقیقات علمی و اجتماعی و روانشناسی و اقتصادی ترتیب داده شده بود سخنرانان جمعاً از استادیون انتخاب شده بودند از جمله سخنرانان Dr. Joanna Macey

بود که درباره طرق معنوی تغییر جامعه سخنرانی بسیار حالب توجهی نمود.

D. ERVINE LASZIO سخنران دیگر جلسه

مخالف جهان با این کنفرانس ۲۰ مدد بودند رونق مختلف جهان با این کنفرانس ۲۰ مدد بودند رونق بخش این جلسه بسیار عالی روحانی و فرهنگی شده بود.

Association for Bahai studies
انجمن مطالعات بهائی
در دوره نقشه منیعه پنج ساله با پروگرام معهد
اعلی تحت نظر محقق ملی کانادا تأسیس گردید



دینی نشسته از راست پچپ خشم، دکتر جوان میسی - آقای دکتر حسین داشت - آقای دکتر اروین لزو
آقای دکتر ادو شیرف.

نماينده سازمان ملل متعدد رقامت توسعه تحقیقات اموری بود آقای دکتر لزلواز طریق کمیته جهانی بهائی قبل از ملاقات شده بودند و وقتی باین کنفرانس دعوت شدند فوراً پذیرفتند و این اولین کنفرانس بهائی بود که ۲۰ مدد بودند، ایشان علاوه بر سخنرانی در کنفرانس در تماش مجلسات شرکت نمودند

نظر باينکه اين انجمن جنبه بین المللی دارد لذا شرکت کنندگان در کنفرانس از ممالک مختلف دنیا بودند، اعضاء اين انجمن در حال حاضر عده ای از استادیون اشگاه و طبقات تحصیل کرده و دانشجویان میباشد لکن قبول عضویت انجمن مطالعات بهائی برای همگان امکان پذیر است.

کنفرانس انجمن در سال جاری در سطح بسیار

درا سلام شناسی میباشد راجع به تاریخ باشی
وبهای در ایران صحبت کردند.
خانم کریستین حکیم تحقیقات بسیار جالبی
راجع به خانواده های بهایی در ایران کرد
بودند که تقدیم به پدر شهید شان نمودند و
سخنرانی جالبی راجع به VICTORY OVER
VIOLENCE نمودند.

سخنران دیگر دکتر فیروز کاظم زاده عضو
محفل ملی آمریکا و استاد دانشگاه بود
دکتر حسین دانش رئیس محفل ملی بهاییان
کانادا و استاد دانشگاه اتاوا و رئیس کمیته
اجرایی انجمان مطالعات بهایی در این حلسه
سخنرانی بسیار جالبی ایران نمودند که
بی نهایت جالب بود و زحمات ایشان در مرور
امور انجمان قابل تقدیر و تمجید است.

گروه کُرْطاهِره که از کانادا برای اجرای
برنامه در این کنفرانس دعوت شده بودند
برنامه درسازان عمومی کنفرانس بر روى صحن
اجرام نمودند و تحسین همگان را برانگیختند
حضور حلسه تحت تاثیر قرار گرفته چنان

مشاڑا لیه با اینکه بهایی نیستند در بیانات
خودشان چندین بار از آیات والواح حضرت
ولی امرالله احوالنا فداه استفاده نموده
و آثار مبارکه حضرت ولی امرالله را استودند
سخنرانی ایشان راجع به آینده بشر بود که
با وضع کنونی چطور میتوان آماده گرفتاریها
آینده شدوا ایشان با چنان مهارت و دانش
دنیای از معلومات تحقیقی که در علم اقتصاد
دارند صحبت کردند و بیانات خود را با مطالب
امروز تلفیق نمودند که موجب شگفتی و تحسین
همگان گردید.

یکی از سخنرانان که از آلمان به این کنفرانس
آمده بودند آقای دکتر DR. VDO · SCHAFFER
IUSTITIA FUNAMENIUM REGNORUM
ON THE FVTVRE OF PENAL LAW

ایشان از بهاییان بسیار رخوب و فعال میباشد
سخنران دیگر آقای دکتر GLEN EYFORD
استاد دانشگاه لبرتا و عضو محفل ملی کانادا
بود که بسیار مطالب ارزنده ایران را در فرمودند.



استقبال شایانی از این گروه بعمل آوردند
بقيه در صفحه ۷۶

سخنران دیگر حلسه آقای دکترا مین بنانی
استاد دانشگاه کالیفرنیا و دارای دکترا

نامه‌های رسیده

۱- جناب هوشنگ یزدانی طی نامه‌ای از هیئت تحریریه درخواست نموده‌اند که مقاله مندرج در یکی از مجلداً آهنگ بدیع درباره عدد "۹" در اختیار ایشان قرار داده شود نظر باینکه این هیئت قادر مجموعه مجلدات آهنگ بدیع است لذا از خوانندگان عزیز تقاضا داریم هرگاه مقاله مزبور را در اختیار دارند نسخه از آن تهیه و با این هیئت لطف فرمایند تا برای نامبرده ارسال گردد.

۲- خانم پروانه‌نیک خصال "فرهنگ پور" دو قطعه شعر نوبنا م "ظلمت و پرنده" فرستاده‌اند از ایشان متشرکریم.

۳- خانم طاهره فروغی "خدادوست" قطعه شعری را که یکی از محبوبین بهائی در زندان پس از وصول حکم اعدام و عدم میدبزندگانی فانی خطاب بفرزند خود سروده‌ا را رسال داشته‌اند ضمن تشکر در شماره‌های آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۴- جناب پروریزدا درسا ن شعری "روز شهید" سروده‌اند که مطلع بدينگونه است زهرسو بانک وا ویلاست امروز فغان وضجه‌غوغای است امروز

۵- جناب ع - بشیرالهی دو قطعه شعر جهت درج در مجله عنديلیب سروده‌اند که از ایشان ممنونیم دوبیت از اشعار مزبور ذیلانقل می‌گردد.
در این حیات موقت که عمر و مهلت ما است

هر آنچه سعی به بهبود آن کنیم رواست
وجود زاد و خلق عیث مجوه رگز
چرا که مبدئ خلاقه ایزدانا است
.....

یکی از دوستان قطعه شعری از پدر خود که مخلص به "حقانی" است ارسال داشته‌که دوبیت از آن درج می‌گردد:

دل من نوید بقا میده

بمن مژده‌ها از صفا میده
اگر سربود لایق پای دوست

زمانيکه در پا يش افتدى

۶- جناب نعیم سبحانی ضمن بیان حکایت و خاطره از جناب میرزا علی اشرف عنديلیب شاعر شهری‌بهائی چندین قطعه از اشعار خود را جهت مجله عنديلیب ارسال داشته‌اند که بموضع مسورد استفاده قرار خواهد گرفت و نمونه‌هایی وابیاتی از قطعات اشعار ایشان ذیلاندرج می‌گردد:
شدبهارا بر بهاری با زگوه بر ارشاد

یوسف نوروزی از چه بر سر بزارشد

.....

عالی مز سقم ظن و گمان بودنا تیوان
رضوان رسید و کرد جهان را زنوجوان

ای آیت صفا و محبت خوش آمدید

ای گنج شایگان مودت خوش آمدید

.....

سحرگاهم صفیری دررسیدا زعالملبالا

که خیزاز حسم و حان بگذرکه این دونست و آن والا

.....

اگر جان را فدای مقدم حانا ن نمیکردم چه میکردم

اگرا ز حان وفا بر عهد و بر پیمان نمیکردم چه میکردم

با نهایت تاسف اطلاع حاصل شد که حنا ب نعیم سبحانی قفس تن را رها نموده و ب عالم باقی شتافت است ایشان از مبلغین و ناشرین نفحات بودند و همواره دراعلاء کلمه الله و نشر رائمه معنیکیه الهیه کوشا و جاحد . روحش شادور و انش تابناک باد .

هیئت محلله مشاورین قاره در آسیا دامت تائید اتها پیا می خطاب به احبابی ایرانی ساکن درخارج از کشور ایران متضمن مطالب تشویق آمیزسا استفاده از قسمتهایی از آثار والواح مبارکه درباره مقام شهادت مرقوم داشته اند که ازلطف و مرحمت ایشان بی نهایت سپا سگزاریم

از حنا ب هدا یزدانی که شرح کنفرانس انجمان مطالعات بهائی در شیکاگورا فرستاده اند ممنونیم خبراین کنفرانس را با عکس دراین شماره ملاحظه خواهید فرمود .

آقای عباس ثابت مقا لـه تحت عنوان یک راه تحریه شدیرای قسمت حوانان محله فرستاده اند ازلطف ایشان متشرکریم .



‘ANDALÍB

